

جملہ کتب کائنات و احادیث و روایات

کتاب کبریا و العزیز

قاری

کتاب انجیل

با پیچیدگی و کمال

با تفصیل و کمال

نور افروز

طهران

بازار بین الحرمین - مکتبہ اسلامیہ

کاتب و نثری محمد حسین علی

مکتبہ اسلامیہ بازار بین الحرمین

مکتبہ اسلامیہ بازار بین الحرمین



این کتاب مستطاب حضرت  
نصیر الدین محمد بن  
زکریا صدیق طبرستان  
از قلم خود است  
الکتاب

مستطاب حضرت  
نصیر الدین محمد بن  
زکریا صدیق طبرستان  
از قلم خود است  
الکتاب

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a textured, slightly mottled appearance with various stains and marks. A large, dark, irregular stain is visible on the left side, extending from the top towards the bottom. A smaller, reddish-brown stain is located near the top center. The page is framed by a dark border, possibly the inner edge of the book's cover or the binding. There is no text or other markings on the page.



ان شاء الله تعالى  
 في شهر ربيع الثاني  
 سنة 1244  
 في مدينة القاهرة  
 من قبل  
 محمد بن عبد الله  
 بن عبد الله  
 بن عبد الله

(Faint, mostly illegible handwritten text in Arabic script, possibly a continuation of the document or a separate entry. Some red ink is visible at the top right.)





جلد اول  
کلیات کفر المصباح  
گلزار حیدری  
فهرست

در منافات میباید چیده معصوم علیه السلام  
حاج کرادی  
باتصحيح كل

طهران - بازار بین الحرمین - کتابفروشی چاپخانه محمد حسن علی  
از فارین مجتهد  
متمنی است که والدین حقیر و ارواح مؤمن و مؤمنات را بقدر  
یاد فرمایند و برای این سراپا عصیان طلب شرعی بکوشند

۳۱۵۲۶۴





فی مصائب خامس

در توحید صانع  
 تمام سر می دیند  
 نه بجز المصائب  
 سر می تری

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بسم الله سر دفتر فغان عشق  
 صانع صانع بنای عالم ابدعد  
 هیچ بنای نباشی نمک گل محکم صا  
 قیلد بانی از لده عنصرین بولین  
 نهج ابطل رقیق در صراط استیم  
 بدست مجبده رر و ریا است

عاشق عاشق در بطون آیه قرآن  
 کلک قدرت ابتدا تحریر اید  
 ماشار آمد آفرین مرصود و برین  
 پر تو حسن حال شوخ شریستال  
 جند ابرار ایچون معیار دور میرزا  
 انبیا و اولیاد انلد یار یار

ستاد این است بایقون السابقون  
 اسکارا دور بود استیقت ایمین  
 معنی مانع ضاده مانع دور  
 بود و مطلقه تعلیق و مانع

کاف نون کینون عشق کینون  
 چون کرب در اذن نون و در  
 مصدر صد صد است صانع  
 صانع صانع صانع صانع

رباعیات  
 این باغیات خادم لایق  
 المطره باغ فیض الله المتخلصین در روح  
 مولانا قمری علیه الرحمه است اندوه

نخست در باغ جنازه ان و ضمه عشق  
 چون مسطرد و فضای ساحه عشق  
 چون معطر و در بولار و ان عشق  
 جنت گلشن آفریده رطل تان عشق  
 در نه کو چک اسمد و رلفظه تابان عشق

قاسم لار زان قصیده همت یلیدی  
 قمری شیرین بانه لغنه الحان عشق

اصل مفتاحی او کنز دوزن اشرا  
 چون دم روح قدس در هر یکی روح  
 دار دنیا دانه ماو لما را و ناچو حیا  
 قیمتی اولب از اگر کل جمال اول طلا  
 شعر دور انجن آرای عموم لغز فا  
 او صدف در نه محبت جعد شایه کدا  
 گوش این جرد عین عالمه تا بار نهج هدا  
 کاتبی ایلیم تحت سر حر و فنده خطا

الایا ایله القری بیان یار  
 دل ایضا  
 دل ایضا  
 دل ایضا

۲

در توحید صانع

تمام سر می دیند

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بسم الله سر دفتر فغان عشق

عاشق عاشق در بطون آیه قرآن

۲

در توحید صانع

تمام سر می دیند

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بسم الله سر دفتر فغان عشق

عاشق عاشق در بطون آیه قرآن



بدون رعیت الماضی و الحاضر  
الاستقبال مثل سودای  
بخال رخا

مفتون رکس قان دفرین  
جادو مثال اوب وینا و الجاز  
قطره الحقیقه کاستان عالم  
امکان و جاز و منفه و مالان

مُؤَلَّفٌ  
مُقَدِّمٌ

کمال تعلالات فرج افرا المیاد  
السان الدومی حاشیه نامک شایب  
بلبلد واز نکتہ بر دار عقل ممتاز کامل فوار  
انسانی طوطی ناطق فصاحت آقا  
عالم خبر و روحانی دهر از کعب  
خوانیه معرض خطای غیاب محلوب  
مشرقم مقال جدو حال معقظ بران  
و جواب اول

رباعی من مثنوی	
مبتدا فتمری	خبر نظم
د گیون مدح مرتضی	بو حدیثی سنکا سوال ایدند

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي نور عيننا بكجا الحسين عليه السلام واجيا قلوبنا بشو  
عليه الصلوة والسلام على اشرف الانبياء محمد سيد المحرمين علي  
علي قانع باب خبر وفارس غر وجهين هو الذي ضربته يوم الخندق  
بجادة النضلين وعلى الصدقة الطاهرة فاطمة زهرا معصومة  
على اسبطين الامامين المظلومين المقتولين وعلى الشيعة الائمة  
ولد الحسين صلوات الله عليهم اجمعين دامت اثارهم في الدارين  
خريق لجة عتيق كمناء وبندة دليل وذب وسياه تني ودر  
الطاعت وعبوديت و غوطه در كيايالي نتهاي مصيبت اسير موار  
عبد حير كثير الذنوب التقصير محمد تقي ابن المرحوم ابراهيم

بروردن که سابق از این است  
باید که بدین ترتیب که  
ضمانت در سر و بهر آن  
که این چنان است که  
مردان را برادر است  
مردان را برادر است

و جواب ابی بکر

۵  
 مرقع آتشین آن تنیاد باغ رضوان  
 پیش آملین مقام مطلع انوار  
 منجم لوح قلمم طاق پیشان  
 معاد السکر را در قند خیار  
 متقابل در سبزه گلچین  
 کلک لایق که عابد قلبه  
 سلمان دل ایمان از کرم  
 تیرا به پیش روی چون  
 و شیر جان کیمین جان

قوام غصه زدن قوای جسم است اوله  
یاد فلان شدی هم حلت او ندان و شوب اعضا  
آفتاب روی می سر فالدی میان چشم نوز  
منادی غیب بدن ایرتدای بجز مایش  
بر سر من یاد اید رقم تم اورا اگر کوسید  
سرای عاریتد هر کلن بسکون فالور همان  
اجل صیادی مستخر و بدو جان سر قند  
گیدر انیاسی فانی آخرت امر ند قبل چای  
گلور هر گون دیر قدرین طلب حریف نیاد

ایند حکایت بوسه می طبعیم هزار می دیکھا اب لای  
اچوب درج دمان غفلت حاضر جواب لای

مناظره  
طبع با عقل

بودند با تو ندانی بودن ال کوزه  
 ای مجاز صبیحی دن ال کوزه  
 الا ما خور دیدن خطا و غیبه  
 چشم غار از کس شلادان ال کوزه  
 دوزخی نیک ای بسیار قیلا در کوزه  
 سپندان ال کوزه

طاهره زینب خاتون  
ابرهه کلایه دوم تنهن  
میلخ عتباری لذت یسادی  
عاشقون همیشه قیامی قیام  
لابه فریبش دلداران  
کجی جوانان علی کنه نون  
منازخ گل ادا نال کوته



دائم الغلبه و دو نور  
چاره نور تار ما و صفا داد و کار  
بلیو عالم افروخ آسمان و صفا داد  
تا کی یوی ملک گیر نوئی پیور  
تا رست نغز ناله و دستور  
خط و کجائی مسطر گور و چو  
خط عالم مناد بلیو خار و  
دین

[illegible]



باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین

جانین خوابانی اوسان آفتاب  
عارف کامل اولان بل باغمار بر گزیده  
دوشنبه بر کیمیه بوبلی انصاف رسیده  
عشق بر سپهان مرصده و عاشقی ز کوله  
یا جنون عشق اولور مجنون صفت صحرای  
گر دفا سینه نیانیه یونانیه لرون

دیردی جواب عطفه کنه طبع میلی  
کچر فتبوله قیلا تو تکلیف مشکلی

کیوی شک لببری نیایه دیر منم  
بیر جسلوه جلال جهان جمیل  
ابر ولین بلال نوه اتیم غرض  
هنگام صبح راحه عطر کا کلین  
هر بر نغنده نیت درج دمانی  
کلبرک بلرنده اولان شهد شگری  
دیرم دیم کلنون هر چه کله سن

باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین

مناظره  
عشق با عقل

باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین

عالمی از فاضل جاننده حاجت  
و صبح عال عارض عارضین  
باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین

شیرین و سیکه چکوب صید ایدر  
لعل لبسنده سوزا جید و زمره رنگ  
سج بلیو بله رحم ندور و شش در کلو  
طایه سن کت بزرا و زینی خله و دیر  
قان قوسماقه ایمنه قزل طشتی نیلوم  
بالمره جاک قلم که تا پولما زو فاکر  
ای حبیبه ادریه جور و در عشق موئن  
بیر دفعه گولده و ره سنی من دفعه اخلادو

چرخ آهستان اید و به کما کیف صفتی  
عارفدی چونکه و سیر شده کوزلین

دیردی جواب عطفه کنه طبع برهنه  
چکار باشد ان عشقیه سودا سی لرون  
اولمش نگاه آینه الین هر آینه  
خوشد و همیشه سایه سینه الدالانما  
عاشقده ادنون سوزی شیر نیده قدن

باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین

عشق با عقل  
مناظره

باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین  
باز منم که در خوار عارضین



کلیاتی است که در این کتاب مذکور است  
 ظاهر در این کتاب است که در این کتاب  
 ظاهر در این کتاب است که در این کتاب  
 ظاهر در این کتاب است که در این کتاب

یونخ اوز که مشقی وصل یار دین  
 قری اولو بدی عاشق شهید اولور

میلدی در مضاحی عقل کسین  
 عرض ایتدی بر طبعه که امیر دین

جانا محبت عالی برانقلاب اولور دوق ابلینه تیر اوقده مختلف بلا ارام طاقی کسل اول شائین انجم سایا صحت با کیمی عاشقون کوزی هر تار مو لین داغید ورجان ناسنی برحم و بیروت اولان خوب و دلان اهل گنایه نار جهنم ویر در عذاب رخسار مهر طلعت با خاق دخل روا انجیات تک گور و نور وصل هوشان دیر کوهل اول طایفه بد مزاجه کیم پرنوش قلبه یوزیش غم ادرار یوخه در کتاب نهی کافر کوزلرون	اهل محبتون ایشی دایم عذاب اولور هر دله هر نظر ویشی عذاب اولور بصبر و بی تحمل و پوز و خواب اولور بهرانده هر کچه اولو یوم الحساب اولور اککا کلون که رشتی بر پیچ و تاب اولور ابر دسی تیغ و کمر کی تر شهاب اولور عشاقی دلکباب ایلین لعل ناب اولور چوخ باخسه آفتاب اگر کوز خراب اولور تحقیق نفس الامر ده جان شراب اولور کرداری ناز و کلمه لطفی عتاب اولور جور و جفا سی عاشقنه بیجا اولور کافر بولاردن اصله اهل کتاب اولور
--	---

نظیر غزل است که در این کتاب  
 ظاهر در این کتاب است که در این کتاب  
 ظاهر در این کتاب است که در این کتاب

حسرت ایدیه جور طی است  
 با کام اولان ز قاسم سر دار کربلا  
 تنه صبح یکدیگر جان حبشی خمد  
 حذر لاله لب زنده دار کربلا  
 جلوه رخ نغمه زار کربلا  
 غلار باشند مجله کربلا  
 قری کی فغانه کربلا

جام محبت رخ جانانی باد فنا عسری کیدر دار کونده کامل دکل او کیم که دور زمانه ده اولما زحمید قسری شورید بنمنا	بال ایلر نصیبی می کوز اولما هر کس محبت ایشی منجر اولما طومار عشق شقی اولما زبر اولما منظوری سر و قامت سین اولما
--	--

طوبی نفس ناطقه ایتدی گهر فشان  
 سرشته طبعه ویرد عجب گلستان

عشاقه تش عشقه طومار کربلا چوخ ذوقیل صفای عجب خوش بونی عمر تله کبریم ایته تماشا یقین کور هر گلستانه نغمه میل صباخ شام چشم بصیرت آینه نمایان دی کور نهر فراقون دست اولوب قنوی قلم ناز یله قنکمه یا توب اکبر جوان داماد اطا قی حمله الوان نوحه کوس حلقه زده صغرون کنه قانی کسلیوب	اهل مذاقه گرد و بازار کربلا گلله آچوب بهار ده گلزار کربلا قیلش احاطه عالمی انوار کربلا بچا عبت دکل چکلور جار کربلا آما ده دوراد دیشته آثار کربلا عباس نامدار علمدار کربلا جسمنده زخم خنجر خنجر کربلا اولوش عجب صفای جمن ار کربلا چشم سلیه اه شرر بار کربلا
--	--

عالم اولدی که در این کتاب  
 ظاهر در این کتاب است که در این کتاب  
 ظاهر در این کتاب است که در این کتاب

در این کتاب  
 ظاهر در این کتاب است که در این کتاب  
 ظاهر در این کتاب است که در این کتاب

در این کتاب  
 ظاهر در این کتاب است که در این کتاب  
 ظاهر در این کتاب است که در این کتاب



زمان سحرش میگذشت و او را یکسایه دیدم  
مقام در منزل علیا دیدم

مکان قریب ادا دینیه دیدم  
قدم بپاسدوم رکاب از جاده

حقیقت فرقه ان اولدی فرقه  
رواق طارم میسنایه دو شدم

مناظره  
عقبات

پادشاه دهم شاه  
اولوب طبع روانم بر دواز  
سبقتن باطن منمایه دو ششم  
دولامذی الایابی احسن  
کند سرور بطحا بدو شدوم  
لندی بخت مسود

دانشان اور  
کنز و دولت عظمیٰ و  
بان قمری

راضی گردونیکه فکر ستمی ره نورد  
 عاشق حبت لازم دوزنه آسبیل  
 بزم جانان منی منج ایتون فکر  
 سایه طوبی ندور یا حبت المادی ند  
 حور و غلمان استیمر وصل رخ جان جان  
 چون سعادته در ضیبه اندکی شجاعت  
 اخر عیده رتبه اعلا یه جاده دردی منی  
 قالب بروح تک عیش با دار کیدیم  
 عشق شاه کو کشف حیدر امیر المومنین  
 باشد انور عشق حیدر اولین عاشقین کل  
 بسد و فخر نیم هراسی دنیا ده صاحب نیم

ایچونب عشقده جام لبالب صبا  
دیان طوطی طبع اولدن نالین گیا

بجدا شد شب بود ایام دو شد دم  
قوتار دوم دیرده بست سجده شدن  
بیر آیری عشق ایچون غوغایه دندم  
که گویا مسجد آلا قضایه دوشدم

جان بدیدم اگر آخری عالم بشدم  
دو آتش می جانی در لعل صحن می کشم  
کوار که زوایا زینت بخش عالم بشدم  
چرخ غریب من این عالم بشدم  
دو لعل  
چرخ از آتش ساید بشدم  
جان بدیدم

ایک پونہ سو سال  
قبل از سال اولیہ  
کئی کئی قیلاہ و قلعہ و کھنڈ  
ازین شہر و دیار و خطہ و غرض  
محل خلیفہ بنی لاندی  
قلمی علی غرضی و شہر  
باخانہ و شہر و دیار  
و شہر و دیار و شہر  
و شہر و دیار و شہر  
و شہر و دیار و شہر

بر ذره ای دم اوج هوا سنده معلق  
 غفلت که نیم چشمتی جان نادان  
 کرد آب بلادن چنار بر طالع سود  
 الدن بورا خوب روضه دنیا می فانی  
 چکدی یولومی طبع روان کرب بلایه  
 فخر ایزم عالمه حسن تبه ده کیمد و  
 قمری کیمی آغاز قیلت بل که کوکو

کیفیت ابتدائی نمودن بنظم کتاب

قویان زمانه کهنه کسانا کربلایه قدم  
کمال شو کملن محشم و تو بدی قرار  
فضا حیدر آچوب لعل شکر افشاین  
دور و بد لاله کنار نید بدل نالان  
ویر و ز نظام غزا ببلان تکراره  
سالور خیا که شهیدان کربلایان

ایدر دسکظرا این ارزمانده یازده هزار  
هفتصد و بیست و یک  
یکصد و بیست و یک  
دو کلمه شده پیرا اید بانه با هر باز  
یکصد و بیست و یک  
گردد

مقدمہ















ای اودان حافظ در دشت ارمین  
سید اسماعیل بن علی بن علی بن علی  
ای اودان حافظ در دشت ارمین  
سید اسماعیل بن علی بن علی بن علی

اچل اینچه قتل ایام بهار او که کوکل بحر کلامتون کو تو را لگو تو کلام	دور و حاضر عطر آلوده عطر اسبم روان است فکری قیل مشن بر تیار اسبم
فضاحت گستاخنده شارا ایل غزل زین اچوب درج دما نین قسری طرا اسبم	
ساقیا ایل کرم در می سینیانی کوزه لاله زار او که چمن بوز ویر و ایام بهار	قوسی کوز دم اوسته قدم ساغر صبا جام زرین اله دوت با ده جمرانی کوزه
قیل عطا خضرم کلفام فرخ بخش لال قدحی ایل لبالب بر ایچیم ستانه	لعکون است طرب اح مصفا کوزه باوه عشق خباب شه مردانی کوزه
طوطی نطق گهر باریم اچوب قیج و پنا باد بان تک چکوب و ج فلک فلک جان	بزم شاهانه قور و ب مجلس غازی کوزه لشکر اتیمیک لیکه آماده در بانی کوزه
رایت فکرم اولوب هر طرفه شفق کفن بال زرین کوزه و ب چکله شادین مهال	بیردم ایطیع روان باشم سودانی کوزه دوره قانچا فلق ایچون عالم مالای کوزه
اولمات ایل گدیز مملکت شیروانی سوله خاقانیه ایچین سخن خاقانی	نظمه و شعر شاعر لره خاقانی کوزه ارمغان ایل دو تو ب نظم در افشانی کوزه
قیل خبر دار نوانی کیمی صاحب شعی دی تماشایه تمام انصاح کوزه	

ای اودان حافظ در دشت ارمین  
سید اسماعیل بن علی بن علی بن علی  
ای اودان حافظ در دشت ارمین  
سید اسماعیل بن علی بن علی بن علی

ای اودان حافظ در دشت ارمین  
سید اسماعیل بن علی بن علی بن علی  
ای اودان حافظ در دشت ارمین  
سید اسماعیل بن علی بن علی بن علی

مذور اسکندر و دارا سلاطین کمان یا با پوشش نخ آگیندن او دکل فلک کمان	طور سینیایه کید و حضرت سانی کوزه یا چوب طرم چارند کی عیانی کوزه
یا کزوب صفحه دنیانی و دلال ایل سرخ بارد او ارسند منم تک شرف جا چول	مصر دن تختی امین یوسف کنانی کوزه شیوه نظم کبیرم یه بیضانی کوزه
غبن فاحش کوزه و دلبس ضرکال رهر عید و رایکی دینا ده حسین بن علی	اوزون اوصاف ایل عقل آیه بودی کوزه که وارون اوله سنون تمب لانی کوزه
حشرده جام بلورین ده دو مار شیر خدا بو یور ورتشند دو چوخ قمری نالالی کوزه	
ساقیا در میه بر جام که گلزار اولون فضل دی کجیدی بهار او که تو ب قیلا	می گلزنک نزع خجیله سرشار اولون باده نابی کوزه تانمنه غوزار اولون
قوت جان راح مصفا فی تیر سپیده او قدر ایل عطا خضرم شوق افروانی	مست اولوب باشد که مشن با اولون تا دیوم ذوق صفا ایل لون ار اولون
لذت آب طرب ذوقنی نادان ملو غم صهبانی کوزه تا بله قوی ارتقا اولوم	ایچمین جام محبت سنج شیار اولون ایکی چون لعل لب احمر و لذر اولون
باشه لاجر عه چکوم ساغر کلفام سرب طوطی نطق فصاحت کله گهر بار اولون	

ای اودان حافظ در دشت ارمین  
سید اسماعیل بن علی بن علی بن علی  
ای اودان حافظ در دشت ارمین  
سید اسماعیل بن علی بن علی بن علی

ای اودان حافظ در دشت ارمین  
سید اسماعیل بن علی بن علی بن علی  
ای اودان حافظ در دشت ارمین  
سید اسماعیل بن علی بن علی بن علی











قصیده اول در مدح جناب اشرف مخلوقات و سرور کائنات خاتم النبیا علیه التحیه و الشان

ای خاتم نبوت مهیمن اولان  
کورجی جبرئیل با خلق الله نازل  
فی سوره ختم باطن معناده  
رفرف سوار عرصه معراج تحت  
دین مبینی ناسخ ادیان کلف  
لب تشنگان آب لال هدایت  
دارالامان جن و بشر استانه سی  
شق الهی سر جلالون یچون بر نموده  
یکدم در که بسیار آراسته سنون کجا  
یکدم ویرتوب فی فذلی مقامند  
یکدم وراذنا خطاب لعمرك اید واک  
سند سوار بر تبه لرین یکدمی صبا  
سن خلعت بویله سرفرازیدن

قصیده دوم در مدح جناب خاتم الانبیا علیه السلام  
ای خاتم عالم امکا نه کائنات  
نور پاک علی غایت شرف  
عزت معلول معلول علی شرف  
شا انا توفیق الرحمن  
بذلک یطیعون اوامر الله  
حکیم و جلیل و عظیم  
صاحب خدایات عالم  
زات کی در جلال و جلال  
نور

قصیده اول در مدح جناب اشرف مخلوقات و سرور کائنات خاتم النبیا علیه التحیه و الشان

قصیده اول در مدح جناب اشرف مخلوقات و سرور کائنات خاتم النبیا علیه التحیه و الشان

نور ک نور علی نور هو النور الذی  
کنت کثر اکثر نبیون مخفی اولان در  
ذات احد نور واحد غیر ذات و احوال  
فطرتی نور و سرشتی نور اصل ذاتی نور  
کان ملت شمس حمت بجز شوکت رکن دین  
یا رسول الا بطی الهاشمی سنس بعین  
طابرا خاتم ولی باطنه اول با خلق  
پرتو نورون کمار الورد الدمش اشکار  
عالم ابد اعهده یوخ سبقتی انوارده  
سبقتونده شادیم مصنون لولا که لما  
حیطه حکمونه در با مصطفی روحی فدا  
کردیم معمار صنع کن فکان سلطان عقل  
عقل ناقص فکر قاصر دهن کوتاه و صیر  
جو هر ندن جسمون ما بیندن دهنون  
کر سنه صا دیم اله محض کفر و دو

کان فی الکونین مناج الهمده المرسلا  
کله احبت ان اعرفه اصل النبات  
داگر کن فکانه جله حکمونه و زود  
اسمی نور و جسمی نور و نور الهمده  
عین ایمان بانی بنیان ارکان الصلوات  
مقصده انا عرضا مخزن المستوعات  
منبع انوار قدرت چشمه عین الحیات  
خلقت عالم دن اقدم فی حجاب کائنات  
حن انس و عرش و فرش سابقون الباقیات  
خلقتونه عاجز و دایره و نور غایب  
ساکنان برزم قدس نازعات و ناسرات  
که معاذ الله دیر گاهی بر بهیات با  
نس جان ما بهتونه و الد و حیران دما  
بجز آبار علوی پر تحسیر اقیات  
اور که وصف ایتیم تمام انجمنه نوح سلوات

قصیده اول در مدح جناب اشرف مخلوقات و سرور کائنات خاتم النبیا علیه التحیه و الشان







بانی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم  
از صفات آن بزرگوار  
که در این کتاب  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است

فیضی از فیض علوم حضرت فیاض  
قرنی حیاتان عین نوالا آخار و  
قصیده چهارم در غایت خاتم انبیا من کلام ملا فیض لیس

طایر طبعم سر از عرشه شهر آخار و  
هم جلادی سر آقا غرق فولاد و  
طوطی طبع کمر باریم شارا ایتام که  
سیر معراج ایتامک بوشا ناما سون  
چونکه تنها اوج او ادنی منیم سیریم گل  
معم غیبی سرودی بید لغتند نمت  
بانی پیغمبر و نون پر ذره نور نیدن که  
بانی پیغمبر صفات عالی تبحر معرفت  
بانی پیغمبر وجودی عین جو دو الکرام  
بانی پیغمبر سلوی منبرین با ایدوب  
بانی پیغمبر وجودی شمس صداتی فر  
بانی پیغمبر اونی کتر مقام قریب دور  
الده خجرتند و جوشن برده منفر آخار و  
زورق فکر کم نجات لوح لکرا آخار و  
مصر مکنده مکرر شهید و مکر آخار و  
طبع عشقم رفرفی شوقیدر سیر آخار و  
سری دار سیر ایتامیک مولای قیام آخار و  
حضرت یوان عروج پر سیر آخار و  
طوره دوش سیر را ولوب من فر آخار و  
ما عرفا سری دار اولان مکر گهر آخار و  
یوخ او نامتا اولان بمتادی حیدر آخار و  
رواق اسلام ایچون نفس مکر آخار و  
هم تبارک تختی سیر تاج و سیر آخار و  
هم تدلی مدغم استنده محضر آخار و

بانی پیغمبر در کتب انبیا  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است

خاتم انبیا

بانی پیغمبر در کتب انبیا  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است

بانی پیغمبر در کتب انبیا  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است

باب القصائد فی مدح مولای مستقین شاه مروان امیر مکه  
اسد العند الغالب و منظر العجائب و الغرائب علی ابن ابي طالب

سراج انور برزم صفاد و مدح علی  
ضیاء مرد ملک عین زمرة الاحباب  
فروع مذہب دین زینب زیور ایمان  
چراغ انجمن آرامی ملت مصیبا  
کلید کنج سعادت شغای مرد طمان  
علی محبت مصباح حد در او مصباح  
ولای شاه بخت گلستان ایمان و  
کتاب حقه الف لام میم مضمونی  
حقیقت اینه سر سوره دن اولو مفهوم  
اولوب اشاره حق یومنون الغیب  
قیلوب قایم یومنین یقین باب  
اولو بدی بند لافاق زقین تعریف  
میر نیس نور ولاد و مدح علی  
قلوب مؤمنه بهجت فراد و مدح علی  
تمام عالمه شمس الورا و مدح علی  
فضای و سرده پنج الهدای و مدح علی  
مریض معصیت توبه و مدح علی  
لسان مهر در خشان ضیا و مدح علی  
حدیث مقبر زینا امجا لکم مدح علی  
بدون شبهه ربیب یاد و مدح علی  
هدایت فرق یقین و مدح علی  
اولو غیب یقین مد عادی و مدح علی  
صلوة کنند محکم بناد و مدح علی  
برقیق نده لی شهاد و مدح علی

علی بن ابیطالب

بانی پیغمبر در کتب انبیا  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است

بانی پیغمبر در کتب انبیا  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است  
و در این کتاب  
مورد ذکر شده است



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل في الدنيا  
مناجاة لكل عبد عابد  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين وآله الطاهرين  
الذين هم أئمة الهدى  
وأمير المؤمنين  
عليه السلام

قصیده در مدح و مناقب مولای متقیان خیر کرار صاحب  
ذوالفقار حضرت علی بن ابیطالب علیه الصلوٰۃ و السلام

ای در کسره ولایت زاریان علی  
شاهباز اوج رفعت تا جدار اوصیا  
باب علم مصطفی من انبیاء و ادیا  
بارگاه رفعتون قدیده شمس مری  
طاف خضر اطهرم اخضر و تو نیکون  
سعد ابا علوی اتمات خلوی  
چون صدق طبعه فیض خضر فیاض  
توتیای استخوان شک فردوسین  
خلقت اصل وجودن بر این چون حکم  
دین پاک مصطفی ایش سنو بر قرأ  
اولما سید دهر و فیض وجودن اثر  
لافی الا علی لاسیف الا ذوالفقار  
عروة الوثقی ولی حق و صی مصطفی

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل في الدنيا  
مناجاة لكل عبد عابد  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين وآله الطاهرين  
الذين هم أئمة الهدى  
وأمير المؤمنين  
عليه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل في الدنيا  
مناجاة لكل عبد عابد  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين وآله الطاهرين  
الذين هم أئمة الهدى  
وأمير المؤمنين  
عليه السلام

مار کز و اولدی ابراهیم سندن کمال  
لا جسم تمیز بیاض حیون تحریرینه  
دوست سندن اولدی یوسف مصر سلطان  
کر مر کب و لیسین دریای عمان باطن

قصیده در مدح اسد الغالب علی بن ابیطالب علیه السلام

ای سحر خرقه خورشید خاوری علی  
شوکت جاه و جلالون سلیمان علی  
فرقان سافرقون اوست و نه چتر نور  
برزم اجلالون چراغان قنایل نجوم  
شاهباز اوج غریت سن لایح خند  
نور پاکون عالم انوار و ارشاد ایدوب  
کن فکان دارنده سن وجود سن آدمیل  
اولدی هر شکله نوزندن سید انبیاء  
اولما سید ذوالفقار و نه صفی فاقه  
ضرب انگشید بولدون اثر دری گوشت  
برده اسلامه روتون یردی تیون شکی

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل في الدنيا  
مناجاة لكل عبد عابد  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين وآله الطاهرين  
الذين هم أئمة الهدى  
وأمير المؤمنين  
عليه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل في الدنيا  
مناجاة لكل عبد عابد  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين وآله الطاهرين  
الذين هم أئمة الهدى  
وأمير المؤمنين  
عليه السلام















اولان زمانه ده سندن  
ادامی قابون  
همان نامی قابون  
کلام خالقون  
شماره در کلام روز اول  
که دامتون عین سندن  
اولان زمانه ده سندن  
ادامی قابون  
همان نامی قابون  
کلام خالقون  
شماره در کلام روز اول

وارفاده قمری طراز حصون	والهی یو صدی اوز که تناسی مایلی
ای اسم پاک خدا عشقون شایلی علی	وجودی نور مجسم سرشتی طینت نوری
قوام طارم نیافرا زنه افلاک	نکونه گزین کل مکنتی علی
وجودی ممکن واجب شالی ماموجود	سالان تحسیر مخلصی کنه ذاتی علی
شبابی طاهره بر وجود بر صورت	دوتان نقد و جمیده شش جاتی علی
بر آن واحد و قرح مکان و منزلده	ادامی فرض امین صمد صلوئی علی
نه جن و انس ایدیش طاق افلاک	ایده سیر جنانون سرادقاتی علی
چنانچه افسر خاور و سیر افلاک	سلام ایدوب بخا قیلدی کلکاتی علی
سئون جابون با چون و شمشاد و شب	بود در جلالتیون بر مدهاتی علی
کر آیتن اجایی موت بلا عجز	ایده کوشه حشیدة الشفاتی علی
دو شتر بکره مبهوت اورد عقول فلولک	گورنده سنده اولان جزیره بحرانی علی
با خانه وقت این معجزات با هرده	مذمت اعلی ادمانده اخی علقاتی علی
اگر دسیم سنا الله کفر دور مطلق	ولی سندن دی کون کونانی علی

اولان زمانه ده سندن  
ادامی قابون  
همان نامی قابون  
کلام خالقون  
شماره در کلام روز اول

دردی ایدوب  
دولتی ایدوب  
دولتی ایدوب  
دولتی ایدوب

قضاوتی ایدوب  
قضاوتی ایدوب  
قضاوتی ایدوب  
قضاوتی ایدوب

بازویش ایدوب  
بازویش ایدوب  
بازویش ایدوب  
بازویش ایدوب

دولتی ایدوب  
دولتی ایدوب  
دولتی ایدوب  
دولتی ایدوب

نور برب خباز و خوار و نور  
نور برب خباز و خوار و نور  
نور برب خباز و خوار و نور  
نور برب خباز و خوار و نور

وجودی منبع فیض الهی شرح چو شمع	ببارک اسی هم فیض الهی لوب جبار
نظام نظمه فیضی تحسیر چو ناه	جناب حضرت مای حاجی فیض الله
همایون خطه تحریر ایدوب لقمی شیدا	نه غافلسون کون نوز سلطانی اوز کون
دکوب مکان عالم بربره عید حیر افانده	عجب یوم مبارکده در عجب عجب ناه
ایدوب نوز و صفنده قضیده نظمینی اناه	کرکویا نظمونی بر کلمه سیر لولالاه

تمهید هستیده در مدح مولای دین امیر المؤمنین علیه السلام

گورندوب فارس نظم اشعوب الفاظ برکا	چون عجب کلام اچو طبعه تماشا گورندوب
کوکب طالع ایش کنه تجول حمل	چون بهار اولدی کل دلاله حمر اگورندوب
ساقی بزم صف الله و دوتوب جام بلبل	می کلر نک فرح بخش و مصفا گورندوب
ترنم شاد دوز و لوب خط و لدر کیمی	عطر چو مشک تر حبت با و اگورندوب
ارغوان با دوه کلام ایدوب دلد و شرجام	نسترن الله و دوتوب لغز دنیا گورندوب
آچلوت کس شملاکوزی چو چشم خمار	رینق و سوسن نسترین دلار اگورندوب
درق برک درختان اچوب آیت نوز	لحن و اود و طبع کلش و شرجام افر اگورندوب
کل آفاق دوتوب شیر جبریل سے	با طنا ایدوب سبیل کوریا گورندوب

ایده سندن دی کون کونانی علی  
ایده سندن دی کون کونانی علی  
ایده سندن دی کون کونانی علی  
ایده سندن دی کون کونانی علی

نور برب خباز و خوار و نور  
نور برب خباز و خوار و نور  
نور برب خباز و خوار و نور  
نور برب خباز و خوار و نور

دردی ایدوب  
دولتی ایدوب  
دولتی ایدوب  
دولتی ایدوب

قضاوتی ایدوب  
قضاوتی ایدوب  
قضاوتی ایدوب  
قضاوتی ایدوب

بازویش ایدوب  
بازویش ایدوب  
بازویش ایدوب  
بازویش ایدوب















عاشق صادق اولان پیر وصال  
 طالب بزم نوبت کجایان  
 غمت جو اندن پیر اولان پیر  
 در بزم نوبت کجایان  
 طوطی طراز جنت خاکدان  
 اولی بزمین لاله دار و شکرستان

مستوقدن کرک یوزم عاشق سلام  
 مین شوق اشتیاق قیلد حاذق طبعین  
 یر نیم جان فرقه پیغام ناز امین  
 یر باد شاه محترم ذوالجلال  
 بزم لقای قیلد معراج آخرین  
 بجای جنت کهن دکلم بوش کل الیم

او ندان صورت دعای فرادان گورم  
 بیمار جسم در این درمان گورم  
 دلب دار تنگ ایچون جان گورم  
 احضار بلن پیر در زمان گورم  
 کوی ابراق رفرف رضوان گورم  
 آمدن او نری مرده جنزان گورم

ایشید کلین خطابی جاب جمیبر  
 بو یوردی حضرت زهرا یای عزیز

مرض ای کلین تحت قاره قوی کلون  
 بود در زمانه آراخان طاری داخدا  
 دایماناز هیچ قاپود اصا جندن ذل  
 ادر یلید نم استرامی خلا  
 دکل عرب او دور عالمده جان چریدار  
 کلنده هر یز که کیم صورتین گورمز  
 کرک می آید استرام و عزیزین

اولور آیس من دکلار قوی کلون  
 همیشه حیرت ایدین یاری قوی کلون  
 قیت گینه اونون یو خدی چار قوی کلون  
 رواد کل دایمانا انتظار قوی کلون  
 جیمینی یوزور کر دکلار قوی کلون  
 کلورده حرمت ایچون آسکار قوی کلون  
 حضور حضرت پروردگار قوی کلون

بو کون اونون ارشدین از دل جان  
 منم او غلو کولده و غریب جان  
 منی قویست جان او کون  
 منم او غلو کولده و غریب جان  
 منی قویست جان او کون  
 منم او غلو کولده و غریب جان  
 منی قویست جان او کون

اگر جاندا اسیر غم فراخ  
 نام او دن صورت کون  
 جنب جیور کرار جیور اودا  
 ولد ایضا

سنی غیلد ایونده آیده آرخاوشین  
 علم او غلو جان سنون جان قزیم زهرا  
 ریتید در او ناچوخ آغلا سا جیقلانما  
 کلنده یا ندر احضار ساسی الماسون مجروح  
 نه ظلمد کورده چک بولعین جناندن  
 ریاض ماتم آل عباده ناله کنان

ایدر سن المیرالین کوز یاشین رو کون  
 سنون یانونده امانده آرز زمان کیدیم  
 بر بنیو اسنکا قرخ گوندو میهان کیدیم  
 چکن مصیبتی من بلیشم عیان کیدیم  
 بو غلو سیم بر داغدر نمان کیدیم  
 تو یوب چو قوتی دختی نوحه خوان کیدیم

ایدوب و سیمینی مرتضایه اول سالار  
 بو یوردی فاطمه ایضی بی غمخوار

و سیمینی بود و اسی سیمین افغان ایت  
 چوخ آغلا ما دیمیم ای سیمین دلخسته  
 نه قدر ایستین کوز یاشین ایله جبار  
 سیمینه حسنه چوخ در دوشم ویر  
 همیشه ناله قیلوب غصه دهنه باتما  
 سار الماسش کفتم ای ضعیفه مضطر  
 بدینه و بچه قالدور سان قزیم و جید

ایچکی سن عموم او غلی علیسنه انجیمه  
 ایونده یا قوتور اولان وده آغلا ایسته  
 علی کلنده ایوه آغلا ماسنی تاری  
 او در کلرین بو مصیبتده قانده دوند  
 و شاقده می زمینی اسدر رضای غلا  
 علی عداوتنه یا ندر ورتا بو عی سر  
 سینه قاپور قالدور دن محسنی آیدل شید

اولی بزم ایچدی رایت طبعان  
 اولی بزم ایچدی رایت طبعان  
 اولی بزم ایچدی رایت طبعان  
 اولی بزم ایچدی رایت طبعان  
 اولی بزم ایچدی رایت طبعان  
 اولی بزم ایچدی رایت طبعان  
 اولی بزم ایچدی رایت طبعان  
 اولی بزم ایچدی رایت طبعان

رضا قضا  
 بو شوقی الوب  
 قید نام علیین  
 چوخ انتظار  
 ایدوب و سیمینی  
 بعد از حلیت  
 وفای

البندی آید غم  
 البندی آید غم  
 البندی آید غم  
 البندی آید غم  
 البندی آید غم  
 البندی آید غم  
 البندی آید غم  
 البندی آید غم

افسوس  
 افسوس  
 افسوس  
 افسوس  
 افسوس  
 افسوس  
 افسوس  
 افسوس



بنی بیدار...  
 انزل بر پدی گوشت زدن...  
 انوار حق تعالی...  
 سلطان که با بستی...  
 کوزی با شکوه قالدی...  
 قودپی خلافت...  
 ایتدی بر دگر...  
 نقیقن اولوبدی...  
 کرب بلا...  
 اولدی نکل...  
 سقط اولدی...  
 محراب ایچینده...  
 دوغرا ندی...  
 آب فرا...  
 تیغ ستمه...  
 خنجر لر...  
 قذاق ایچینده...  
 یتیمش...

ایم عسکری...  
 ناکدنت...  
 ابر قضا...  
 توکلی...

واقعه  
 ثقیفه

قرنی...  
 اولد...  
 اودم...  
 غلط...  
 او جالدی...

بیشری...  
 خیار...  
 کون...  
 زباجالی...

اثبات فضل...  
 کلمه می...  
 دفن...  
 چرخ...  
 یا ندور...  
 بیر نو...  
 اولدی...  
 سقط...  
 محراب...  
 دوغرا...  
 آب فرا...  
 تیغ...  
 خنجر...  
 قذاق...  
 یتیمش...

الند...  
 جیب...  
 ولایت...  
 کوز...  
 حاکم...  
 حاکم...  
 حاکم...  
 حاکم...

بیمپرون...  
 سیز...  
 بو...  
 قور...  
 بانسی...  
 سالدون...  
 کتدی...  
 قودیدی...  
 نرود...  
 اود...  
 اور...  
 سیز...  
 قودیدون...

کوروب...  
 حجب...

استری...  
 دین...  
 اود...  
 اود...  
 ایلر...  
 تا...  
 شام...  
 دنیا...  
 واسه...  
 قرآن...  
 درج...  
 بانسی...  
 بر...

واقعه  
 ثقیفه

ال...  
 کوز...  
 کوز...  
 کوز...  
 کوز...  
 کوز...  
 کوز...  
 کوز...



ایمان من بخلای منی چو شمشیر  
کعبه نزار ز غریب و مجرب  
ایوب بگوید که سالار نبایان  
مخبر بانی صلی الله علیه و آله  
ایمان من بخلای منی چو شمشیر  
کعبه نزار ز غریب و مجرب  
ایوب بگوید که سالار نبایان  
مخبر بانی صلی الله علیه و آله

گور و بخت عالی عدالت ایوب  
با خوب و عجز اید احاد اول نام کجا  
بوجرات اولمازدی سنده کجا یاد کیم  
دیوبت سوز کرا دل پادشاه عرش قمار  
چو اولدی قوم جنا جو بو سترن آگاه  
دوباره جرات ایدوب فرقه ظلم و جلا  
سالوبدی جل مستین بو نینه ستم کس  
چکنده مسجد شیر خدانی اهل جنا  
گور میوب یار الوجانی اول مصیبه تاب  
ویرودی حیدر کرا بر قضایه قسم  
چکوب الین دیدی ای جیایی بکر دور  
کرک حسیت سینه کونون عمل  
رضا قضایه یرو ذی انتقاری قوبدی ستم  
داحی ال آچیه حک دشمنه ولی آنه  
جنا اسیلید الی قلیله یار مغلول  
رسولدن جور خوار اولد یار حسین جن  
دوشوب النج حمله حین و خیرنا  
ایدودی فاطمه کویا بود لکرا اید خطاب

ای اهل کینه المیون خاغم او علموی  
مین دلمتیلورده کفر قارغم او علموی  
چو خدور کو کله دردی سز انجیون اول  
کله می برور کینه ذرا یقونم بترست  
بیلیم نه شهنه عداوتیوز اولدی اشکار  
دیناوه سیز لره کمرای قوم بحبیا  
دار فدا و بیکس و یارغم او علموی  
قلعه ذرغم ملاره سردارغم او علموی  
ساله ذر جو حال دیدی خونبارغم او علموی  
ناپشور مامشدی احمد محتارغم او علموی

ایمان من بخلای منی چو شمشیر  
کعبه نزار ز غریب و مجرب  
ایوب بگوید که سالار نبایان  
مخبر بانی صلی الله علیه و آله  
ایمان من بخلای منی چو شمشیر  
کعبه نزار ز غریب و مجرب  
ایوب بگوید که سالار نبایان  
مخبر بانی صلی الله علیه و آله

ایمان من بخلای منی چو شمشیر  
کعبه نزار ز غریب و مجرب  
ایوب بگوید که سالار نبایان  
مخبر بانی صلی الله علیه و آله  
ایمان من بخلای منی چو شمشیر  
کعبه نزار ز غریب و مجرب  
ایوب بگوید که سالار نبایان  
مخبر بانی صلی الله علیه و آله

دیوبت بوسوز لری خیر النسا بحال عین  
قوبوب قیام قیامت بدون نفخه صور  
گور و بخت عالی عدالت ایوب  
خطاب قلیله کای بونی خسته نقاب  
بلایه صبر املیک چو کینه سیزده عادت دور  
بوسوز لری ایشیدوب بونی حرم ازل  
ایده فاطمه ترک فغان ناله دزار  
چکنده تاج سر امل اتنی قوم دغا  
نظاره قیل مینی بی یاره یار رسول الله  
اولوب جهانده کونوم قاره یار رسول الله  
غریب عم او غلوه قیل چاره یار رسول الله  
نه ایتشم اوستکاره یار رسول الله  
چکر عداوت من داره یار رسول الله  
در یلا قلمبه مین یاره یار رسول الله  
کتور دلیک مینی پراور که زار یار رسول الله

جهای امته باغ محنت و مصیبه باخ  
سالو بلاش الینی اوز بونیه کند مثال  
میخ نک مینی امتش ارایه قوم جهود  
ادخبری کو تورن الیرمی باغلا دیر  
ابی شمراره نون ادغی اوزاده نینیا  
غریب عم او غلوه قیل چاره یار رسول الله  
نه ایتشم اوستکاره یار رسول الله  
چکر عداوت من داره یار رسول الله  
در یلا قلمبه مین یاره یار رسول الله  
کتور دلیک مینی پراور که زار یار رسول الله

ایمان من بخلای منی چو شمشیر  
کعبه نزار ز غریب و مجرب  
ایوب بگوید که سالار نبایان  
مخبر بانی صلی الله علیه و آله  
ایمان من بخلای منی چو شمشیر  
کعبه نزار ز غریب و مجرب  
ایوب بگوید که سالار نبایان  
مخبر بانی صلی الله علیه و آله

حضرت فاطمه  
وفات

جلس وفات حضرت  
فاطمه زهرا

عذرا خیر النسا علیها  
الصلوة والسلام







در امان با جان باطنی و دینی و دنیوی و دنیوی  
فرمان یمنه گوییدون نوازی گوی  
فرمان اولاد اولاد و اولاد اولاد  
فرمان امانی امانی و امانی امانی  
فرمان اولاد اولاد اولاد اولاد  
فرمان اولاد اولاد اولاد اولاد  
فرمان اولاد اولاد اولاد اولاد  
فرمان اولاد اولاد اولاد اولاد  
فرمان اولاد اولاد اولاد اولاد

حاله کل سر دم نظر قیل من قضی الحکم	قالمادی جان منده ای آرام جانم
جانب رسره زهر اجمالت میاب	
ادوخته بخنده ایلد سه بونوع خطاب	
حلال قیل منی ایشاه لافتی کیدیریم	بوخته جانم اولوب ده بکلا کیدیریم
داخی جه سانه قومار دوم عد جخله	تا پولمادی اور کیم دردینه دو اگیدیریم
سون ایونده گلوب و قوزایل جخله	خوش اولمادی ادریم کوریم صفا کیم
عد و قابور قامی سدرغی بخوب ابوی	منه بو طلمی عجب کور دیر و اگیدیریم
ایویمده قویا دلا و جلوب اولام حرت	نه قاره کونله سالدی ایشیا کیدیریم
آپاردی سجده الدن اکوب معیشتمی	قاپومی باغلادی بو قوم عجب کیدیریم
نه حشر تکی حسین حندن ایریلورام	ایکی ادغول تیر و بیخ جباری کیدیم
حسینده سنم اوز باشین اوزی سا خلا	قرنیم اوز منبر روحم بدن ایریلورام
دوباره عرض ایلدی ای امیر ملک	اماندی جان سون جان خاتم قریم
اولون طایسینه قراچره کورلیم قلاز	او جنت قاره قریم زینده جخله
یتنزه سوز بو مقام اول جالدی پر ناله	اول مال سالدی جوبی برادر کوا اول
با خنده فاطمه اول ناله سمتنه زمین	نه کوردی شاده برنجیره باغلانان

فاطمه حضرت وفات

بجیم حبیبی کان دفات امان  
جکادش قلازین باغی حیدر  
سندامن اولوم ایام عشق  
ازون بل سیمی اوزده جبار  
قبول یکن انصاف و عدلی  
اولی امانی امانی امانی

دوباره جان سون جان سون  
جکادش قلازین باغی حیدر  
سندامن اولوم ایام عشق  
ازون بل سیمی اوزده جبار  
قبول یکن انصاف و عدلی  
اولی امانی امانی امانی

دوباره جان سون جان سون  
جکادش قلازین باغی حیدر  
سندامن اولوم ایام عشق  
ازون بل سیمی اوزده جبار  
قبول یکن انصاف و عدلی  
اولی امانی امانی امانی

بودور ایکنی سوزوم ای شنه مدنی	اولان صورده اخنی سالما دوباره دوز
اور کده کز لیل اولان غلری داشدوم	جنازه مهر بولارون کوزلردن بکلام
تخلیف ایلیم دیرم قسم خدایه سنی	اوزالردنله آپار قوی کجه نزاره منی
دیرنجه غل منه ای امیر ملک عرب	اماندی قویا گلوب کورسون قریم
مقال خیرت دن جناب شیر خدا	هوخ اعلیوبدی دیدی مبت سرور دوا
سون و صیتوه یرم عمل من زار	بو شرط ایلن که جناب پیر قیلین اطلما
دیمه عیسون ایونده باشه قرا سالدوم	مصیبتیم خوخ اولوب اوج کون قلاز
دیمه عیسون ایونده بوکلن خالکت	که ال دگرانی چککدن الدیم قباروب
جناب فاطمه عرض ایتدی باشه حشر	شکایت ایتم امان الم پرور
فضای رسره سنس بکانه آفاق	ایونده دو قوزایل قالمشتم من مالان
ار اومندن اگر اولمش اوله ترک ادب	گذشت قیل کلن ای ناجده ارکاب
زمانده اگر انجدمش اولسام سنه	حلال ایلیم حسین او غلوه باغلا سنی
غرض تمام ایلوب فاطمه ویتنه	تمام جمع ایلدی طبیب عیشتنی
وداع بار پسین ایتدی آل اهلاری	چاقوردی یا نه کلشوم ورنیزاری

فاطمه حضرت وفات

بجیم حبیبی کان دفات امان  
جکادش قلازین باغی حیدر  
سندامن اولوم ایام عشق  
ازون بل سیمی اوزده جبار  
قبول یکن انصاف و عدلی  
اولی امانی امانی امانی

دوباره جان سون جان سون  
جکادش قلازین باغی حیدر  
سندامن اولوم ایام عشق  
ازون بل سیمی اوزده جبار  
قبول یکن انصاف و عدلی  
اولی امانی امانی امانی











وینا که پندار دل به بندد  
بشماران صورای کوفت منان  
کارد و باره و شمشیر  
بسیار در دل خاکی  
وینا که پندار دل به بندد  
بشماران صورای کوفت منان

یقین و الهج و شوب قاتیم سرقه گور  
تالان عیالی غریب الکرده سرگرد  
خیال املیون اردو با کیم اولمکدن  
اجل پالیزه نشنه مشراجم من

همیشه شیری نالان کیمی ایدن کوکو  
وصال بزمنه بحسره ایلده لکجا بجم

بوسوز لری ایشد و بابل مجلس حضار  
سوال قیلد یلکیده دستکافچ چکون  
بویوردی شیر خدا ایجا است امت  
بو آیی قسریه باتار عترت بنی هاشم  
حسنه حسنم گوزیا شین ایدر جاک  
کلور فراگینوب اهل بیم افغانه  
صراحتا بیلورم پرشیر اهل من  
امام جن و بشه شاه اولیا یم من  
ولی شریعتی مندن صورار عایت اید  
عیالیمون جکون ظلم اودیلد اغلا تیر

وینا که پندار دل به بندد  
بشماران صورای کوفت منان  
کارد و باره و شمشیر  
بسیار در دل خاکی  
وینا که پندار دل به بندد  
بشماران صورای کوفت منان

امیر مو و فایات

بشین سالک با شاد اغلا دی  
دو شوب با شاد چو پندار اول  
کلور کیم با شاد کیم با شاد  
باصوبه کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد

اوایلده  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد

کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد

اوایلده حاضر ایدوب قوشیدی کاشیر  
بویوردی حضرت کلشورای وفا کانی  
طعام ایده ایکی نعمت میل غافل کت  
غرض اوشه بلند اختر و بلند مقام  
دوباره ایتدی نماز به ششم مع باکین  
نازک صوره چون چشم اودک یایل خوا  
چاغوردی یاننه اهل حرمله اولادین  
کیمی نماز قیلوب اول امام عرش مقام  
باخان زماندا افق سخته بچشم پراب

چاه طلعتن عیان اول انتظارم آجیر  
صبح صادق و سکنه چون پشتر ارم آجیر

موسم بجران توکسون تایتوم جانتا  
قالما دی جان مرتضاه چک نقابون کنتا

کورن زمانده بو حاشیه حیدری کلوم  
سوال قیلدی ادب له او پیش منموم

فان امیر

نفاحت اولما قندارم انتظارم  
نی قنای چاقور و دلار هوزر جانتا  
قنیم اودر که لایق عبادتم یوقده  
یوزدم قزاد ایلیم بوش مسایم یوقده  
ایشدی بویور کلوم بویور کلوم  
دیدی اوم سنکلا قربان یا امام سین

کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد  
کیمی کیم با شاد کیم با شاد











بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

مکتوب زلزله رکاب عالم امکان  
ادنون عزاسمه جن ملکات افلاک  
تو کردی کوز پاشی بن السام والاهین  
قیلار دی ناله دیردی جناب روح الاین

وا حسرتا که خازایانی بخت یار  
اولد در دیر امام حسین آمانی  
کجه و چراغ است بصیرت مصطفی  
سراج به کجلا و یار شمع جبین  
دو دمی جهانی ظلمت کمر او که آشکار  
بکسر داغدی سجده و محراب دفنی  
غلطان اید و به قامت مولای قبری  
سالامه انار جبریل کوفیه عوفا  
باشین آچوب کوزی مایل و بیرون شین  
خطاب اید به او ای نوز عین زهریه  
نیم صجله فرسش ملا هوا سی گلور  
دیلد فانه غلطان اولوب نام حیدر

کمز در دیر اوخت باو ساجی  
کوز اچدی کوزی کجی اوختی  
آرب ملا و قیاسی کجی  
حسین ز لایق بی بی زینب  
و کله و شوق و دلاوری

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

حسرت قان دولان کوزیمون انطیلا  
یزمهر د ماه سیزمنه ای نوز دیده لر  
قلیم سروری نوز د چشم تریم بانه  
آخرد فاکو گنده اولان آخریم بانه  
ناکه نه کوردی خلق که میر نوجوان گلور  
کویا که برق پر شرر آسمان گلور

هر دم باخار بویان او یانا یا صلی  
نوز جمالی شعله سالب صحن سجده  
فریاد ایدر بولو د کیمی قان باش تو کردی  
هر کیم گورد بیری که شیر خدا بود دور  
عربان قلع المذبه گرز قاتل اختار و  
الند تیغ شمر بریز چون الماس  
کوزنده سله دی حیدر دلامه و علوم کل  
یخ و به دلازمی محسره فانه غلطان  
اولا و فاد و اتان مرتضی علی قربان  
دوشنده مشکله هر کیم سنی ملک چاقو زار  
اچوب ایکی قویلی جن دانس مولا

نورانی زنجیر کجی  
کوز اچدی کوزی کجی  
کوز اچدی کوزی کجی  
کوز اچدی کوزی کجی  
کوز اچدی کوزی کجی

حضرت وفات

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

حضرت وفات

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين







ادامه دارد ایام قیامت و در آن روز که  
 کی دوزخ را می بیند و کی بهشت را می بیند  
 کی در آن روز که می بیند و کی در آن روز که  
 کی در آن روز که می بیند و کی در آن روز که  
 کی در آن روز که می بیند و کی در آن روز که

در محشر و در صف ای که مذکور شد  
 اولوب کرمان لان ساکنان عالم بالا  
 بقیامت اولوب کرمان لان ساکنان عالم بالا  
 محرم کجای ایام صف و در روز و در روز  
 اگر عبرت کردید با خبر کیم تکرار و در  
 مصیبت بگذرد ساقی کوثر اچوبین  
 اولوب معلوم فردا شرف و در روز و در روز  
 سالوب مال غزالی بوزینه عباس نام آدم  
 اچوبین و در هر جامین محبت قاسم و در روز  
 برآمده گلوب فریاده شوریده میل کرد

مکاتبان تواریخ قصه جان سوز  
 معلان دستان غایبان سوز

مهندسان بویت بلامی محنت و غم  
 کمال محنت ایلین راویان اهل سیر  
 وفات شیر خداون سورا بوز و غم

چرا دلشده ای او شدید چنان آید  
 باغ و درخت و گل و بوته و درخت  
 و درخت و گل و بوته و درخت  
 و درخت و گل و بوته و درخت  
 و درخت و گل و بوته و درخت

در آن روز که می بیند و کی در آن روز که  
 کی در آن روز که می بیند و کی در آن روز که  
 کی در آن روز که می بیند و کی در آن روز که  
 کی در آن روز که می بیند و کی در آن روز که  
 کی در آن روز که می بیند و کی در آن روز که

قدم تویند جرم وصال جانانه  
 کمال خفیه نفسش اید روی سیه  
 یاناروی چونکه امامت سراده شمع چراغ  
 چوخ آتیش باطله آتش تو یاروی ایام

تخت نماز اوسته نه گوردی ابرار یار  
 انگشت خسته و گویا کل کلزار یار

سولدی نوحد و ریا که گلوب نیایه  
 یاکه موسایه طقب بو کلیم اللهی  
 بیر خیال ایتدی بودور بک فیل الرحمن  
 قالدی بودیم و کمانیل که عیسا و یوت  
 دیدی یوخ یوسف کنعان بوطا خند و کل  
 فکر قیلدی اگر احمد دکل اولوب جباب  
 بیر کمان ایلیدی کیم حسره نام آرد  
 باخوبان گوردی جالین تمانیدی لدا  
 لمعه لمعه او جالین اولوب عرش بلند  
 دوز و لوب جهنم پاکند عرق در شمال  
 دیسن ک کلین اوسته ششم سابلوب

قوم الندن چو کین محنت اشرار یار  
 طور سینه اولوب محرم اسرار یار  
 چون کوردی قه مخدوده آزار یار  
 بر قصور ایلیدی یوسف کنعانی یار  
 یوحنا عرش اوسته حجاب احمد مختار یار  
 حضرت شیر خدا حیدر کرار یار یار  
 یابو قصه ایچره گلوب جعفر طیار یار  
 قزاروب لال کین صفخر خار یار یار  
 فلک خنده چون مطلع انوار یار یار  
 نفسی شک تر و عارضی کلزار یار یار  
 بر ملا لوده او چون لولو شهرار یار یار

ادامه دارد ایام قیامت و در آن روز که  
 کی دوزخ را می بیند و کی بهشت را می بیند  
 کی در آن روز که می بیند و کی در آن روز که  
 کی در آن روز که می بیند و کی در آن روز که  
 کی در آن روز که می بیند و کی در آن روز که



درمان کنی دندان ای دی بر باد اویان  
درمان کنی دندان ای دی بر باد اویان  
درمان کنی دندان ای دی بر باد اویان  
درمان کنی دندان ای دی بر باد اویان

توکوب اسوده لباس زهرگر باشد  
با توروی شید لری سخت غم مایه  
تمام داخل اولوب زهر کوزه آب  
قایندی منزله جانی دوشوب تب مایه  
اویاندی خوابدن او شاه چون بختشان  
آلوسا کوزه زهر جانی مایه  
اچنده زهر جانی کدی عالمون کین  
زبا سخا سید اول سینه ای ایل فای  
ایدردی حورقار سینه بوسم ندا

ای آنام زهر انشانی نه لغزین اویان  
بختان کجسم جانی مینو ازین اویان

کیدی الدن قرداشون ای می قرداشون  
اویاندی یو خودان زمین جگر خسته  
اورده سوندان اولماز دوارین اویان  
سوروند جاسی کلشوم مینو اوسته  
اویاندی ریاض امامته لاله  
دیردی تبیل شوریده مکساید ناله

یاتما جوخ نازیل ای کلشوم عمر در اویان  
باشه تو کدی بودوران کلشوم اویان

زهر غدن یاندی جانم مایه راحت ای بابا  
علاج کورمدی کلشوم دن اول باره  
دور علاج ایت من غریه کلشوم مضطرب  
خطاب قیلدی کید تب قاسم و فادان

ای ایدنی زین کلشوم کین  
ای ایدنی زین کلشوم کین  
ای ایدنی زین کلشوم کین  
ای ایدنی زین کلشوم کین

درمان کنی دندان ای دی بر باد اویان  
درمان کنی دندان ای دی بر باد اویان  
درمان کنی دندان ای دی بر باد اویان  
درمان کنی دندان ای دی بر باد اویان

بو یوردی اخلاسیون اینیز جاسیلیم  
اویاندی یو خودان قاسیلید عیدله  
کلودی زمیت مالان بدیده خنبار  
ایندمه حال امام ملک رقابہ نگاه  
با خوب جاملار نیه محبتی مایوب جگر  
دیردی ایمیون ناله ای سیم لیم  
ایا مینون کیدون او نور عینی چاقورون  
اچوب باشین ای شیزاده بادل پر غم  
دوروب یاقون استنده کوزلری گریه  
بو کوزه فون سو یون اچیدیم کلشوم جگریم  
حسینی چاقورون یو خودان اویان  
میتیم قاسی چون قیلدی یو خودان پله  
اوراردی باشنده قاسم یاتار عیدله  
ماساروی باغریه جان مکساید شازادی  
دوشوبدی دار بقایه داخلی منم سفریم  
اچیل تب اولدم بر حسینی چاقورون  
گکیده گوردی یاتوب نازیلام امم  
زبا سخا سید سوردی آه دنا کمان

ایا قده دور و اخیلوب خاننا ملایم عوجان  
چو خود کوکله آه دفعا لیم عوجان

ایکی اوشان کچون نصفی کلشوم قاپور  
نزد و تیردیمیزه اورک دد ام لیم  
کوزا چدی کوبلان غریب در بدری  
دیردی نولوب سینه ای مبلان کچون  
داخی سیراوز کیده یو خود کلشوم اچون  
علاج قیل او زولوبدور امام ای عوجان  
ایاق یالین باش اچوق کوردی شازادی  
بو قدر اخلاسیون استین سیراوه دفغان

افادنی قون کلشوم  
ای ایدنی زین کلشوم کین  
ای ایدنی زین کلشوم کین  
ای ایدنی زین کلشوم کین



بانی محبوب از حسین زار و گریان دلداد  
 بانی دلدار جهان جویباری پنهان دلداد  
 بانی بیاضاف دلم خوار پدر و پیکر  
 کنجی ای یزدت یار و یار دلداد  
 قیامت ناز من بانی قیامت  
 کسب یارین بسری قیامت

بوی کوی کوی غلار و سرور آفاق  
 بوی جبرایه خبردار و لوب نام هدی  
 کیدون دیون و وفادار قدردان کلون  
 حسینم یوزغانم یوزم و یوزن رینی  
 جوخ استیورادر گیم هر چه یانما درون  
 دیون یوزسون و زون او لکم یوز کلون  
 گلوب حضور امام زمانه چون عباس  
 بو حال کیم سنه سالدی پوختی هرلم  
 و یا بوباشی دیرم بو کونده طوفانه  
 روانه قیلدی اوز هر دین شهید گوزاشن  
 دیدی امان اولوم یار و یاریم عباس  
 مکالماتین ایدن صور او سردارمت  
 پنجاردی جمله کناره عیال زهرانی  
 کلنده بدگهر اسما حضور و الای  
 دلوب ایکی کوزی عیله با جلد چران

بوی کوی کوی غلار و سرور آفاق  
 بوی جبرایه خبردار و لوب نام هدی  
 کیدون دیون و وفادار قدردان کلون  
 حسینم یوزغانم یوزم و یوزن رینی  
 جوخ استیورادر گیم هر چه یانما درون  
 دیون یوزسون و زون او لکم یوز کلون  
 گلوب حضور امام زمانه چون عباس  
 بو حال کیم سنه سالدی پوختی هرلم  
 و یا بوباشی دیرم بو کونده طوفانه  
 روانه قیلدی اوز هر دین شهید گوزاشن  
 دیدی امان اولوم یار و یاریم عباس  
 مکالماتین ایدن صور او سردارمت  
 پنجاردی جمله کناره عیال زهرانی  
 کلنده بدگهر اسما حضور و الای  
 دلوب ایکی کوزی عیله با جلد چران

ایشه جلیب بندنی بوی جبرایه  
 ایاق و دردی که اسما دلداد  
 ایاق و دردی که اسما دلداد  
 ایاق و دردی که اسما دلداد  
 ایاق و دردی که اسما دلداد  
 ایاق و دردی که اسما دلداد  
 ایاق و دردی که اسما دلداد  
 ایاق و دردی که اسما دلداد

سبب اولدی که اولادی میتم ایلدون  
 نه اولدی کلدی رحمون صغیر او شاقلا  
 کر و کلدی یازین سبیلده عبد الله  
 چکل کتاره سنی کورسون شهید عباس

خجالت یله اولمونه ستم آیین  
 تو کوب بر شک بصیر عرض قیلدی ایدین

مهم سبب و بوزلت که دیندن خجیم  
 دکلدی پرسبیلده بیداد ظلم قاعده  
 هوای نفسیله رسوا جان اولدم  
 دو قوم ایشده پیشما موقعیم آقا چو خد  
 جواب سولدی اولمایه رحمتون کلان  
 منم ایویدن اوزاق اولسن ایدین  
 کورودی وحشت اولمونی خوف خرد  
 دوباره باشنده جمع اولد اکل سمنبر  
 اویانده ناله کنان سله سزا به عبدالله

بوی کوی کوی غلار و سرور آفاق  
 بوی جبرایه خبردار و لوب نام هدی  
 کیدون دیون و وفادار قدردان کلون  
 حسینم یوزغانم یوزم و یوزن رینی  
 جوخ استیورادر گیم هر چه یانما درون  
 دیون یوزسون و زون او لکم یوز کلون  
 گلوب حضور امام زمانه چون عباس  
 بو حال کیم سنه سالدی پوختی هرلم  
 و یا بوباشی دیرم بو کونده طوفانه  
 روانه قیلدی اوز هر دین شهید گوزاشن  
 دیدی امان اولوم یار و یاریم عباس  
 مکالماتین ایدن صور او سردارمت  
 پنجاردی جمله کناره عیال زهرانی  
 کلنده بدگهر اسما حضور و الای  
 دلوب ایکی کوزی عیله با جلد چران

ایمان حسین  
 شهادت  
 بوی کوی کوی غلار و سرور آفاق  
 بوی جبرایه خبردار و لوب نام هدی  
 کیدون دیون و وفادار قدردان کلون  
 حسینم یوزغانم یوزم و یوزن رینی  
 جوخ استیورادر گیم هر چه یانما درون  
 دیون یوزسون و زون او لکم یوز کلون  
 گلوب حضور امام زمانه چون عباس  
 بو حال کیم سنه سالدی پوختی هرلم  
 و یا بوباشی دیرم بو کونده طوفانه  
 روانه قیلدی اوز هر دین شهید گوزاشن  
 دیدی امان اولوم یار و یاریم عباس  
 مکالماتین ایدن صور او سردارمت  
 پنجاردی جمله کناره عیال زهرانی  
 کلنده بدگهر اسما حضور و الای  
 دلوب ایکی کوزی عیله با جلد چران



جلد اول ج ۱۰

سید الشهدا

اول شهادت

اول شهادت

اول شهادت

اول شهادت

فغان ناله اید کون مکانی غلامیلا	بوا مره راضی اولوب یکی قادر داش غلامیلا
بو یوردی ایگل نو باده امام حسن	چاقور دی قاسی باغینه باسد شاه حسن
حسین و اعلان گونده عزتی او غلام	نوپاندا کرب بلان زن قیاسی او غلام
دوشنده یوزینه سر دقاسی او غلام	قوی قسمل اولوب عباسمون فرانک
گلکند جوشه نالوق محبتی او غلام	علی اکبره زینت دین زمان لیسلا
مرحض اول لوب دن شهادتی او غلام	ازل کیدوب یوزیوی ذوالجناح ایلا
نقد کسکد جیغس جراحی او غلام	یار الو سینوی اکبر یولنده ایله پسر
یادنده سا خلا بو آخر وصیتی او غلام	عمومون ادری با توفیق نه بخشی او ایله

وصیت ایدوب آخر ادباعت ابلع	تمام اهل و عیالین دوباره قلیدی دواع
دوتوب او چو محبی مامون الین کجی امام	امامت علینی تسلیم ایدوب با تمام
دیروب حسین النیر فرار امام طویل	مشخص ایدی کلوب قبض روضه عزرائیل
دیوب شهادتی ال جباریه سید خدی	داخی دوباره نفس کلدی کوزلری آخی
اوزاتدی پرایاقین پرایاقی کلدی	باشینه شیع لرون خاک در دهنم توکلدی
شراب لخی ایدوب سانی اجلدن نوش	بان قسری پرسته نطقدن خاموش

افغان لایم جنت شریک باقی  
 قورق کس شریک باقی  
 ایچا کس کس کس کس کس  
 ساروان خن خن خن  
 مایه

بیاض محنته یازمکه سینه عزین	داد غلله دبیران دفتر بجران
اولوب و ان تقریبا پی بی بی ایام	کر چون معاویه بدین اوالی شام
زمانه ده حکم کسرا خنکار اولک	یزید تخت حکومته یازمکه اولدی
ولیده نامه یازمکه یوز عین کویا	نور ولدی قل امام زمان یون شور
آتام معاویه تختنده برقرارم من	بوگون سرب خلافتده شهر بایم من
مگر کسبعینه دورت کیم ایله آوار	یقین کردیمه حک سلطنت قرا
او چو محبی ابن ربیع اول قرین قور	ازلده ابن ابوبکر کجی ابن عمر
عزیز فاطمه سلطانین حسین علی	مخصوص محرم قرب حسین لم یزلی
بودورت لغز و نادن سن الکلبان	یتیمده نامه سینه ایلید خوش فطرت
حسین فاطمه دیرسن بان ننا	اوسابق اوج لغزون امری چوخ درکا
غلام کوندر و بایندی کوسلری حضا	ولیده نامه بین قوت ده اولوب چا
کوروب جماعتی اول و خیمه تورپیام	یتیمی روحیه پرورد مصطفایه غلام
ولید محبتنه ای غلام من کلم	بو یوردی سرور بطحا امام حل و حرم
هر سرایه کلوب سبط احمد مختار	ایندی بوسوزی یار ثلاث قلیبی فرار
ویروب معاویه نون موتی او جیمه	روانه ایدی غلامی امام جن بشر

اول یازمکه اول ایضا  
 کبر شیه احمد شریک کوز  
 اول یازمکه اول ایضا  
 کبر شیه احمد شریک کوز

یزید جنت کس کس کس  
 یزید جنت کس کس کس  
 یزید جنت کس کس کس  
 یزید جنت کس کس کس

الشهدا  
 سید  
 هجرت

ای بادگار حیدر کار قار دارم  
 نعلین دینار کفر و دینار دارم  
 اولوب همه روان داده بونفین  
 می ایدوبدی ولیدون حنیون حضا











مجلس دوم مجرب جناب سید الشهدا از مدینه به سمت مکه  
ویرد بستی انصار شاه فخر چال  
قالب شجاع تو از آشکارا دلان کونگر  
فدا اولوم سیره ای بلبلان باغ عزا  
او حوله طاهره بر سر قیامت طافان  
فضاحت بیل چکر نظیر تیری نالان

بویور صبی سبر المیون کلیم ز قبال  
تخل المیون ای قاسم ای علی اکبر  
قلج اورا بریندوزین کرب بلا

مسافران دیار کدورت احزان  
کمال خرنبله مستونی کما فباق  
چو شایه سبر و بطحا امام حل و حرم  
بوفکره دوشده ای دسال از فرقت  
حرم سرایه کلوب شایه بن باده آه  
یتیمی روضه شاه فلک خایه امام

سلام اولاسنگای امتون سپاهی بابا  
حجاز سرور ملک مدینه شاهی بابا

شورایان بحار مصیبت بجران  
کمال خرنبله مستونی کما فباق  
چو شایه سبر و بطحا امام حل و حرم  
بوفکره دوشده ای دسال از فرقت  
حرم سرایه کلوب شایه بن باده آه  
یتیمی روضه شاه فلک خایه امام

سلام اولاسنگای امتون سپاهی بابا  
حجاز سرور ملک مدینه شاهی بابا

مجلس دوم مجرب جناب سید الشهدا از مدینه به سمت مکه  
ویرد بستی انصار شاه فخر چال  
قالب شجاع تو از آشکارا دلان کونگر  
فدا اولوم سیره ای بلبلان باغ عزا  
او حوله طاهره بر سر قیامت طافان  
فضاحت بیل چکر نظیر تیری نالان

مجلس دوم مجرب جناب سید الشهدا از مدینه به سمت مکه  
ویرد بستی انصار شاه فخر چال  
قالب شجاع تو از آشکارا دلان کونگر  
فدا اولوم سیره ای بلبلان باغ عزا  
او حوله طاهره بر سر قیامت طافان  
فضاحت بیل چکر نظیر تیری نالان

توری بر او سته فالور نشون اوج کچر کونگر  
علی صغری قوندا قد با غلاسون اناسی  
حسن شاه سون طوی با سیر خایطه  
حرلرون قوی با غلوه دوشه بیابانه  
یار الو سینون دستند آت کک چایا  
او جالده اسان باشی انیار آراسنده  
قیامتون کونی چانتون بو قانون عیون  
اچوب کوزون یوخودان اول نام کین  
نماز صبحی ادا طین زمان او جباب

غریب اولکده بنیل و پزار اولوم  
دوتوبه و حرطه یسکان ابد اولوم  
کرک حیا یا خاقانده ان اولکده اولوم  
اسیر ز غیون اولیون سوار اولوم  
کایستوب سنی قان اچر کر و کار اولوم  
شهادتونه اید جدن افتخار اولوم  
شفاعتونه اولاه صاحب اختیار اولوم  
اد پاک روضه نی قیلدی دواع عیون  
ز باخالی ایدوب مینه بونوع خطاب

امی یادگار حضرت خیر النسا حاجی  
زهر آمانم شاه سی کان وفا حاجی  
واردور باشد کورنچ یوزمین ملبا حاجی  
ویردی جواب او باد شهر غیب حین  
سوزد لیلک چکه بلیه آه قار و انشم  
درد لوندن است منی آگاه قار و انشم

عکسین کوننده یا نیمه گل در دیمی دیوم  
صادرا دلان مانده خطاب المین  
جان ای نشانه اسد اسد قار و انشم  
قرمان دین حاجی دلوه منیا با جون

دوتا جلال حسنه کل افانی  
لوکن ارکد دوم فزنده عیون  
شهادتونه یاز یلیون شفاعت  
او جلالون غره بیسان کربلا علی

مجلس دوم مجرب جناب سید الشهدا از مدینه به سمت مکه  
ویرد بستی انصار شاه فخر چال  
قالب شجاع تو از آشکارا دلان کونگر  
فدا اولوم سیره ای بلبلان باغ عزا  
او حوله طاهره بر سر قیامت طافان  
فضاحت بیل چکر نظیر تیری نالان























کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

تأخر اولو نجه اوشه جات تین و توب  
بزم عزاده قسری نالان عم اغلوی

تور دی نایین تماره شاه شایان  
اوکستان فوخته سرو نورسته  
دواع قیلدی عیالین کل یاخ شبر  
حرم امانی اول نایب امام زمان  
تور دی کوزیا شنه زار زار آغلار  
ولی اورکده باخاردی دلخه شایخ  
کلوب حضوره دید اقام اغلی قروش  
بووردی سرور دنیا دین مان حاجی  
یانا منم اورجم یوخده وچکون خبری  
کوردی آه زمین زمان آغلار  
کون زمانه بو احوالی بیوا منب  
کونه اولدی سنگا کورک و توکرتان  
سوروشه حالیمی باغرم اولوب قان با  
کوردی ماتیم صحرای کر بلا اثری

عندن کباب اولوب جرم یاندی ای جی  
جانیم یانا نومه خسته جانانیم ای حاجی

کیدن مسلم بیار و دلکار و غریب  
یعقوب تک منم اولاجاق در کونوم فرا

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

دولت الیضا  
دیوبت کوزاری سلطان عالم

پلادی نالا اولوب سکون دالان  
دوردی ساخا یاق کجه دیر کجه

الشهدا  
هجرت

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

امانده سرور و سردار قار دشم کیده  
یتیمده حضرت جهانیه چون بوزالمه  
قاییدی آله او ساک طاق افلاک  
اودم امام جگر تیشه آچدی قولارین  
بووردی کرب بلا و غریب تنه ایم  
اگرچه ال کورتور دین عسیر جانون  
بوچولده قانمی ال قانوه قوشوم قاروش  
دو شده یوزینه قانمون چوسر درون  
کلموم فغانه غنومده چو قسری نالان

مجلس دوم احوالات جناب مسلم بن حقیل علیه السلام

رواات قصه جانسوزال سیمپه  
ایدوب رقرز الواح خاطر اجاب  
ویار که ده باصده سزار حزن طال  
ویوب عم اغلوسه قلیله اولان سوز  
ثقات افتد یار کار خبر بشر  
که چون امام امم پادشاه عرش قباب  
ایندمه مسلم سرداری کوفه ارسال  
روانه قیلدی ایوب قلیله دولان سوزینی

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

جناب سلم  
احواله

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام

کلمه نمان چو نسی بر آغلام  
کلمه نمان چو نسی بر آغلام



میرا اوز گون اولان مطهره روای  
جواب ددی امام علی علیه السلام  
که این بستان احمد غفر  
نه قهر خرم بویالوسره جان  
نه توکل استر بولوندا قان  
الوبدی جانمی بود در دشت  
طاعت ایتمه بوبارده باغش  
خداوندی  
ایستاد سوزای  
میرا اوز گون اولان مطهره روای  
جواب ددی امام علی علیه السلام  
که این بستان احمد غفر  
نه قهر خرم بویالوسره جان  
نه توکل استر بولوندا قان  
الوبدی جانمی بود در دشت  
طاعت ایتمه بوبارده باغش

نیخوخ دالی باغبان انتظار بزرگ  
دانش دی دردوی اولما کدر بزرگ  
چوخ آغیلوبیدی ابن عم امام خیل  
دیار کوفده یا نام سنون فراقده  
بو بونلک سفردن قایمرم داخی ساق  
شاعت ایچون او تراقی قانیده بویارم  
اولونجه روز قیامت کبرده قالام  
غریز فاطمه چکدی بور مردن بر آه  
جهاندا ایستین اجا بلر محبتی  
اولن زمان منکا اولما نغم او علی غل کفتم  
کفن برینه قویالار قانولیه بر سنون  
بوسوزده سلمی بر شور آه وادود  
چوخ اغلادی کسلط طاقی اولوبیت

بو قدر اخلا ما ای زار و میو اسلام  
اولان سوزم و درده قیلاسم

مردن دایم خصلن چو سوزده  
کلام ناطق خصلن چو سوزده  
وار صدقین اولدو سوزده  
قوانند  
خداوندی  
ایستاد سوزای  
میرا اوز گون اولان مطهره روای  
جواب ددی امام علی علیه السلام  
که این بستان احمد غفر  
نه قهر خرم بویالوسره جان  
نه توکل استر بولوندا قان  
الوبدی جانمی بود در دشت  
طاعت ایتمه بوبارده باغش

غرض است در درواریا فخر  
اولان ماند نام حضورن غنا  
او جالند با اسب آسمانه سالدی  
باجوبت کبودی داخه جلوسر علی کبر  
دایان جلوسر تیشوب دایان کبر  
کوزنده سیکلم و شوزاد جالب  
انندن اندی شوش کجی  
دوشوب ناطق جلوسر  
علی کبری جان کجی  
علی کبری کران بیلکرم دانی  
خطاب قیلدی کران بیلکرم دانی  
حکمن باغده قریب بیلکرم دانی  
جناب اسلم  
احوالا  
خدا اولم  
دولکله گونده بیان  
الین پارسا  
گوتدی ظاهر  
باخوب دنیا  
دوباره عرض  
طاعت ایتمه  
میرا اوز گون  
اولان مطهره  
جواب ددی  
امام علی  
که این  
بستان  
احمد غفر  
نه قهر  
خرم  
بویالوسره  
جان  
نه توکل  
استر  
بولوندا  
قان  
الوبدی  
جانمی  
بود در  
دشت  
طاعت  
ایتمه  
بوبارده  
باغش

قدم قوییدی کابه سوره انا فختنا  
بسان ساهیبنا اوج عزت کلدی پروا  
ولسینده آیه معراج سبحان الذی اسری  
فرازا فوج رفیقه یا قوب عزو علام  
الوبنا نه بیه اسبیل حاد و شاکر  
خیل اوی عشق حقیقت التفان  
جلالنده در لدی با جدار بل نه دن  
کورن سوزد شوکنده امیر المؤمنین  
ویا اینک احد جنگا نه فصد ایلیو حید  
عموسی حیدر کرارین اولمک لیکه بیلو  
فراش مصطفاییل غار اولدی عیسی  
فصحا اغلادی قان سولردی غلخان  
قدر فریاد ایدر حسرت ایرطیه عیالون

اورالار طغنه لردا شین ساجلر بربالون  
دوشور سن مجننه چولهرتری بزم غرام

میرا اوز گون اولان مطهره روای  
جواب ددی امام علی علیه السلام  
که این بستان احمد غفر  
نه قهر خرم بویالوسره جان  
نه توکل استر بولوندا قان  
الوبدی جانمی بود در دشت  
طاعت ایتمه بوبارده باغش  
خداوندی  
ایستاد سوزای  
میرا اوز گون اولان مطهره روای  
جواب ددی امام علی علیه السلام  
که این بستان احمد غفر  
نه قهر خرم بویالوسره جان  
نه توکل استر بولوندا قان  
الوبدی جانمی بود در دشت  
طاعت ایتمه بوبارده باغش





۱۰۰  
 صبح دهم چرخ اغار سنون و افقند  
 می شمری الی دیدار یار رسول الله  
 قلوب روانی کو پیش نه تاب  
 گدوب الی کلیم دار پارسول الله  
 صلال بن کبیریم ای یارب مرادین  
 قوتانم جبر کز یار رسول الله  
 فغان و ایسکه قوتی کی ایوم کو  
 دگند و جانم

ولا يفتن

ایده برین است که هر سولی نادر که  
چون بکنار امامت برافقی  
شده بیست شریف امامت و احباب  
خامنه

خواجه نصیر

عبدالله بن عبدالمطلب

کمال حضرت امام علی بن ابی طالب علیه السلام

اداب بن عمر شریف  
نور دی اویں پنج خانہ  
سراج پیدادور

ادب ابن  
محمّد بن  
محمّد بن  
محمّد بن

نوروزی اوندہ کہ نور  
شور و نوا ہویدا اور  
علیہ

نکوردی  
خیمه‌ناله و شور و نوای جوی  
جای خضر علیا  
مهری

فرخنده باد  
زیندا و جاوید باد  
ایلیک و دینی

فغانند او جاگو  
جوانخی ایلمی و اردنی

او بمیوایه زبانی تیر سلام دعا  
 سنون کیمی با جیه چوخ چقند و داع فرا  
 تو قلم بود و رای و لک کار و کخته  
 الوب دونامه فی سر و ابیعی نیام  
 دو شوبلنچه منزل سجد و جب تمام  
 نمازش می قیلان صور او قتل طلیث  
 زمانه نون ایلدن ایگله شکایتی

کلوب اور وضع عرش آشیانه قیدی مقام  
ادبیه عرض ایلدی ای شه بخت مقام

نظاره قیل منی بی یاره یار رسول الله  
اولوب جلالی وطن عترتون دلا متی  
سون زیارتو کلمشم گنج پنهان  
ویرم اگر خبر اولسون جینوی مندن  
نه کید که یری وار دور نه کلکه آرام  
مدینه آدمی کلنه گوزی تو کرتانیش

[illegible]

دردن سالی و بیماری را میسوزان  
و اخی غم آید یون گلگلی و دیوان  
بستنی فاطمه خون کهنه و خنک  
ایام دور در پند بیدار و خنک  
دیوی پیدای دشت خیزان و خنک  
بوجود صبا جید و جان و خنک  
آه جوی ملیش کنج کرم و خنک  
که کرم و خنک و خنک و خنک  
سبک و خنک و خنک و خنک

کل ای سالان منی بو محنت ملاک  
و فالو قارداشیدون نه سوفا اولد  
او وقتدن کیکید و سن گوزوم فرا قوند  
فراقونده نه مدت و چکشم هجران  
گلور تر ننه بل صفای گلشندن  
گیج صبح با کیمی آغاز ام یوخو کسلوب  
نولوردی سر ساشدی بانه کون  
دوشوبدی جفوتیلن بو چشمیه آشوب  
اوزون صفاده صفایله خرم و خندان  
گلشن گیدن نه قدر وار حجاز بیر بدن  
خبر و توب بیکسن اولدی ما باجم قالد

شال سیرمی محنته الیم افغان

صبح و شام ایدم قرقندانه

یقین زمان عجزم افزا خوار و زاریه  
سلام ادلا سیزده می بانوان دل نشا

سلام اولای سنگای مبتلا به باجی  
نه گوردیلم یازد و لوبد و رونوشتر چو پان  
ایچاندانامه اول غم کشیده بهجران  
و قیوب گوزاوشته اشک بهاسید  
الوب نامنه فیضه اقباقه پراوردی  
مکدر اولما قیریم نصفه مواصله دور  
میدی بو ابر شتر اودن مراد  
کندی دونه

واقعه کے بلا

کی در لاس پاره خوش گلگون  
 بدو گرم بانی ناول و خون آب  
 جگر خرم آدم گلخنده خوش گلگون  
 ایدوب نوازش ادیماری سوار  
 پخاردی نامه شور و در



نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه

سنی وطنه منی که ده غریب ایلی  
گورن زبانه گوزوم ستر ایچره پکار  
نه غلو کوکلوک آچلمه پریوزوم کلن  
اوسن گورن گلر خسار عارض کلن  
ایدوب قطع تعلق ایکی گوزون خواب  
بلا و محنت اندوه درد و بحرانی  
جواب نامه فی یازسون حجازه گوندرم

ریاض عمده همیشه خوشتری نالان  
علی علی دیوبن گل کلن نوا به باجی

غرض او نایب شایسته ملک لشکر  
همان کچه دولانوب و تهادی شایسته قرا  
یانجه آلدی ایکی او غنی بنالو آه  
مدینه دن یولاد و شدی اوسر و کلن جان  
کیدن صور انچه منزل بجالت فتناک  
کیدردی خرنلیه اول صید خنجر جلاد

نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه

نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه

تصور عالمه غزم ایدوب قویماذا قدم  
فضای دشت عراق عرب بواندن  
اگر اولاسنگا قربان بلا چکن جانم  
بو غزم و جزمی غم او خلوص صلاح کوریم  
کتابی تیزوب آخره یازوب خوان  
یتن زمانه کتابت امیر کشور جاهد

قلم الوب ایسنه نایب بشر و نذر  
کتابت اوزره بو مضمونی ایلدی تیز

عم او غنی دار فاسکن کدورند  
نه قدر جهد ایدسن یخ جهانده بر صفا  
ایدوب شاد فلک قوم آل سفیانی  
الوبدی دار فاده بنی امیه عزیز  
و فاسینر اولماقنی اهل کوفون  
ندیم نه چاره بو مطلبده لاعلاج من  
مال و عاقبت الامر دن خبر دادم

نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه

جنابک  
احوال

نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه

نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه  
نقد ایلی دودنی بوقعه بنی بوقعه



این ایدی قد و ولایت محاری ازب ار دیکس بطنی پیرا  
کون نام زمانین ازب ار دیکس بطنی پیرا  
ایوب بودیغیا عنوان بطنی پیرا  
متران طایات کوفیان پیرا  
بنیان مقامات غم فراق پیرا

اچوب جماعت کوفه زبان رازدینا  
مشراف ایلدون ای نایب نام زمان  
هزارشکر اجایی شادمان ایلدون  
باخوب جماعتی سلم غم و ملائیلین  
نظاره ایلدی حضار مجله اوجاب  
منم کل حین آرای گلستان عقل  
بیان عرض بونحوطه ایتدیر آخاز  
کلن ایاقوه اولسون بو جائیم قرمان  
بیزیم بو شهر میزی رشک گلستان ایلدون  
گلوب تکلیه کویا زبان حاسیلین  
بویردی لفظ گهر باری اییا الاحباب  
سنی روانه قیلوب کوفیه امام جلیل

شاه مدینه دن سینه قربان کورشم  
اوندان صوره دعای فراوان کورشم

بیجا عبث کلن دکلم بود کل لیسیم  
کسترکه بدایتی ای قوم سینه لره  
وار سیرنجه بدیریم ایلوم بیان  
فضا طر قماره سنه ثمت اولمکه  
الده کلید حنبت رضوان کورشم  
فرمان زاده شهر مردان کورشم  
شو قیلد املیک لیکه احسان کورشم  
بیرغم لوزار سپیکر عریان کورشم

مندن صوره فغانه گلوب لره قیلماق  
نرم عزاده سیری نالان کورشم

مجلس سوم احوالات مسلم بن عقیل در دار کجفاسی کوفه

متران طایات کوفیان پیرا  
ایوب بودیغیا عنوان بطنی پیرا  
متران طایات کوفیان پیرا  
بنیان مقامات غم فراق پیرا  
کون نام زمانین ازب ار دیکس بطنی پیرا  
ایوب بودیغیا عنوان بطنی پیرا  
متران طایات کوفیان پیرا  
بنیان مقامات غم فراق پیرا

کون نام زمانین ازب ار دیکس بطنی پیرا  
ایوب بودیغیا عنوان بطنی پیرا  
متران طایات کوفیان پیرا  
بنیان مقامات غم فراق پیرا

حیاتیک  
احوالک

بیجا عبث کلن دکلم بود کل لیسیم  
کسترکه بدایتی ای قوم سینه لره  
وار سیرنجه بدیریم ایلوم بیان  
فضا طر قماره سنه ثمت اولمکه  
الده کلید حنبت رضوان کورشم  
فرمان زاده شهر مردان کورشم  
شو قیلد املیک لیکه احسان کورشم  
بیرغم لوزار سپیکر عریان کورشم

کودت حاتی اوکلب قشرب  
باز قلا شوب خنخاودون  
ضیبت لیدی ایلوم شوم  
حکایت ایلیدی نازک و مین  
وایا قاضی بولن ایلوم  
بویا قاضی بولن ایلوم  
نظاره قاضی بولن ایلوم  
مطلوبی کوفیه ایلوم  
مطلوبی کوفیه ایلوم  
مطلوبی کوفیه ایلوم  
مطلوبی کوفیه ایلوم

کرکدی شامر گلده مسلم و فاکردا  
اوسمه غزم ایلوب سبط احمد مختار  
کرک بوشلره چوخ سعی ایتام ایلدون  
یمنده حکم بیزید اول شریزشت نهما  
علی عداوتنه اولدی قلبی خرم و شاد  
بدا او جنده باشی شمس کوفده خوار  
او نون قاتله هر نوع اختیار دون دا  
علی عیالی بایلمه قتل عام ایلدون

بو حکلی چون اوزینه بولدی واجب لارم  
کمال فتریه مطلوبین ایتیکه حاصل  
کیرنده شهره اوسرخیل فوج ایلعه  
کمانه دوشدی خلایق تمام سپهر چون  
گلوب او پر دیل اول کون کابندن  
سور و بد قهر لیه اولشوم بد گهر مرکب  
ایدوب برابر دارالاماریه جولان  
بدنه قالمادی هرگز قراطلاقت تاب  
کمان بودور که علی او غلیسان امام زام  
سون قاتلوه یوخ منده کرچه تاب بولم  
دیار کوفیه اول چیا اولوب عازم  
بشدی کوفیه لیل الدجی اولوب غل  
باشنده بیرقره عمامه بخش او زند قیام  
گلوب امام حسین اوده شه مردان  
سلام ایلنده اثر کور میوب جو ایلدن  
یاماردی شعله لوب سینه سنه ناه غضب  
کون زماندا ابو اوضاعی قضر نعمان  
فرازه بامر حجاب ایلدی بونوع خطاب  
توقم بودور ایریری یرده ایلده مقام  
بو قهری دیرمنه الدن یا امام زمان

جنایات  
احوالک

کمال سهم و صلابت اولر نازا  
خطاب قیلدی بو مضمونی فرقه عاده  
متم فقیان یرا دنده بنای ظلم و فساد  
ایرون یقین ادریکده ادریم جو خدودر  
تیس فاطمه المن عداوتیم جو خدودر  
باغیم گوردن

ایرون یقین ادریکده ادریم جو خدودر  
تیس فاطمه المن عداوتیم جو خدودر  
باغیم گوردن



ایمن زمانه و فرمای این ایام  
دور و غلام یزدن بناد و در  
شابلن یزدن بناد و در  
ایمن زمانه و فرمای این ایام  
دور و غلام یزدن بناد و در  
شابلن یزدن بناد و در

با خون کورن نایون سوز لریم یو خدی  
سیری چاقورما قومون کوفیان دور  
کوتز سوز چاقور و باینگه اونا بیعت  
یزید جاننه آند اولسون اگیره اسم  
خیانت ایلمه هر کیم یزید قهاره  
او کس که سله ویرسه عارتیزه نکان  
کناسده بوغازیندن او شخصی آیدرم  
او کس که سلم ایشدن منی ایده آگاه  
آجوب خرنینه نیریم او شخصه من نیا  
سوزون تمام ایلمه دل عبید بکردار  
مکان سله بلیک لیکه او شوم عوبس

ایستدی بو خبری مسلم و فاکر دار  
قویوب و منزل مانی اونده و تندی قرار  
سراغ هر درخشانده و شندی بخش صل  
بهانه ایلمه گلوب گوردی سلم زاری

ایستدی بو خبری مسلم و فاکر دار  
قویوب و منزل مانی اونده و تندی قرار  
سراغ هر درخشانده و شندی بخش صل  
بهانه ایلمه گلوب گوردی سلم زاری

جوب بلیدی دل برادر مراد  
سراغ بلیدی دل برادر مراد  
جوب بلیدی دل برادر مراد  
سراغ بلیدی دل برادر مراد

و دواع باز پسین ایتدی سلم زاری  
یتشدی مجلس ابن یاده بادل زار  
او کافرازی بدتر از یهود و مجوس  
خطاب قلیدی که امی مرد پرفته شمار  
ایشه مشتم که عقیل و غلیظه در شکار همان  
جواب سولیدی اول جان شارا العبا  
نه مسلم عربی من علیده همان دور  
چاقور دی ابن زیاد لعین شوم و فعل  
گورنده معقلی مانی سوب پرو بالی  
دوباره جراتیلین کلدی نطق کفاره  
گلوب منم ایویمه سلم اولشه بیار  
بوسوزده تنه زبان اولدی اولکین  
مگر هر اس یو خوندور بوا مرده مندن  
اگر گتوریمه سن سلمی قبا قونده  
ترحم ایت و زبوی سالما شیون و شینه

خدای اکبره مایه و اول اول افکار  
سلام و تینت ایتدی او مومن نیدار  
کمال فترتیه با خدی غلیظه چون نمرود  
یزیده یا معنی اولوب شمسه او بسان یار  
سبب نه در که ایدوبن او یکسی پنهان  
وقوعی یو خدی بو افسانه سوز لرین اصلا  
بوباره ده و نین سوز تمام پنهان دور  
گلوب او مجله جندی برابر معقل  
او بجایه با خوب بلیدی صورتحالی  
دیدمی امیر که حبس ایتدی من اول افکار  
وایا ندی هر کچه گوئوزد و بار چندی  
عقابیلین دیدمی ایدشمن ابو سفیان  
بهانه قیلما داجی ال کو تو مشتم سندن  
اگر رسن حلقه زنجیری او زایا قونده  
بو یو ترام ایتدی چکلر سنی عقابینه

ایستدی بو خبری مسلم و فاکر دار  
قویوب و منزل مانی اونده و تندی قرار  
سراغ هر درخشانده و شندی بخش صل  
بهانه ایلمه گلوب گوردی سلم زاری

جواب بلیدی دل برادر مراد

جواب بلیدی دل برادر مراد

جواب بلیدی دل برادر مراد

جواب بلیدی دل برادر مراد

جواب بلیدی دل برادر مراد



ایمان غریب قاسم از کس که در میان  
ایمان غریب قاسم از کس که در میان  
ایمان غریب قاسم از کس که در میان  
ایمان غریب قاسم از کس که در میان

دیدی قریب بود قدر اتمه ناله و افغان  
و یروب قره اوضیفه سلی و آرام  
ادخله و یردی نظام قدیم عادتین  
مبادا گوز یا سوسی تو که چکه هرگز آه  
قویوب طحی ای دنده مر حبت اصغر  
نمکوردی چون سالوب بک آبچو کاه  
ایکی گوزی یا سالوب خلیوب پنهان  
ویوب انشوری کو کلنده من سوزی  
نمانده اشک بصیر چشم انتظارینده  
قیلوب مشاهد مسلم بو جالی فکر اتیدی  
سوروشدی ایگل کلزار عشرت مانی  
مکرنلوب سندی باغ غرت لاله  
اد طفل خسته جگردن اولانی ماند بول  
نوع تاب ایوم من بود در حجب سرنه  
اگر امام اوله جکه درلی چوخ آساندور

ایمان غریب قاسم از کس که در میان  
ایمان غریب قاسم از کس که در میان  
ایمان غریب قاسم از کس که در میان  
ایمان غریب قاسم از کس که در میان

کوز بجال محمد کوز بجال محمد  
کوز بجال محمد کوز بجال محمد  
کوز بجال محمد کوز بجال محمد  
کوز بجال محمد کوز بجال محمد

کستون او سنده نصیب اتیدی اندو  
شردا در مهر النور حیدر صف در شال  
محکم اتیدی جعبه پیکان ترنجستان  
عرق فولاد اولدی تیرانا پادشاه تاجدار  
سلاح رزم کیوب اول سحر غرت شاه  
ایکی گوزی یا سالوب سیل اشک اولدی

دیدی حلال ایلیون نوز ویده لر گیریم  
کسلدی جاره اوزاق دوشدی بو نگریم

قولا قیمة تیوب صوت الرحیل قضا  
آلودی جاذبه شوق یار طاقته  
غریب اولکه جلای وطن اورک و گون  
زمانه ایچره تقصیر و نه گناه سم دا  
کو کلده ناله جانوز فرقت اجاب  
مکدر ایلیون ای بنوا استیم لریم  
قالوبدی درد اور مکده ندیم چایه ندیم

کوز بجال محمد کوز بجال محمد  
کوز بجال محمد کوز بجال محمد  
کوز بجال محمد کوز بجال محمد  
کوز بجال محمد کوز بجال محمد

جناب  
احوال

ایمان غریب قاسم از کس که در میان  
ایمان غریب قاسم از کس که در میان  
ایمان غریب قاسم از کس که در میان  
ایمان غریب قاسم از کس که در میان











دو غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی

تمام کینه شعار تمام تیر انداز او کون بری سیر نه باغی و لایر پیکان نچه لعین شقی قصه زن اولاد پرون قیروب عیالنی قیلام ایوینی زیر و زبر زیاده ویرم او شهنه واجب انعام همیشه حسرت اولور ملک لایه نیایه بو کون کلور تخمور کو فیه عا کر شام قیروب عیالونی بلکه قتل عام ایلر تمام بریرینه دگدی اول کرده دغا آنا نه او غینی تاخیر نه باجی قارداشی که ایگر و بیل حکم ایدوبه این زیاد قریب لمن آپاروردی او فتره بیچار تمام سیتی سدر دیلار صغیر و کبیر مشخص امر و الکو فی دلا یوسفی ایمنی قولتو قینه قیدی چکدی نال و آ	دوروب فسر از عمارتد فرقه همباز ایکی گروه شقاوت ساسن بنیان مقرر ایلدی این یاد کافرون بر اول کس اولسه بو شهر ایچره سکه یادی او کس که کله دوباره ناپار زانده کام قایمتین اوزی بلیون و شهنه سودا یقین ایدون بوسوزی ایگرده بد انجام حیات ملک جهانی سیر جرم ایلر دو شوب بودا همدون کو فیه شیر غوغا سراغ ایدردی گزوب بر لعین لیداشی دو شوب تمام محلاته چکدی لیر فریاد او غول الیسندن آنای دو شوب چکر فزا بونو عییلن متفرق اولوب قوم شریر دا غلبه یی دست به دست جماعت کو فی نگوردی مسلم بکس دا غلبه یی پشت پناه
---	---

دو غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی

دو غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی

جهاندا حسرتیلن آیریلان عیالندن ولینده ناله گوزی یا شکو سوروبی یا کیمه دلو غم و دردیمی کیمه دلو غم او دم که بیت خدا دن کناره قودیمی امام نایبی آل رسول دلداره باشی اشاقه الی قولتو قینه سینه کباب زیر سن دین سله و لیکانه دا کلن یقشدی پر سیر او لمعدن غم و محنت بخوزه عورت قیلدی سلام مسلم زار ایاقه دوردی او عورت النده زاره سوا چیدی گوزله ویردی بخوزه زاره بخوزه قیلدی سلام ایچون عالیشان چکل کناره خلاص ایلدین دل آفکاری کیدوز ایلده فراخت اول ستر آتیم جواب سولیدی سلم ایچوزه زار	اولان خدیجه قرنی مطار جانم وای ایاقه دوردی یریندن علاج خیر ناچار دیار کوفه ده فی غمک رنجام وای بیر سلام ویرن کوردی نه بیر بهم ایچرمی من لغزون تا جدار سردار گزردی کوچه لردی سلو زوی حباب گزردی کوچه بچه عرب شهر وطن نه گوردی کیم قاپوده اکلشوبدی بر غور دید ای انا منبره برجه ایچم سوز زینار ویروب او سر و مظلوم ایلدی سیراب باشون اشاقه سالوب کیمه قیلدی یواره سوا چیدین ایلدی داخی کیدورده قیامگاه منم قاپوده دایانما داخی سنی تاری عیالون اوزون امیر سنی رعایایه بو قدر طعنه بنجا اورما اوزگه دردم دار
--	---

دو غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی  
 دوا غلبه یی با دود بودا یا دود گندی



















ببیند که در این روزگار چه میسر آید  
 من دانی آرام جان شایم و دامن پلوت  
 از آنکه در این روزگار چه میسر آید  
 از آنکه در این روزگار چه میسر آید  
 از آنکه در این روزگار چه میسر آید  
 از آنکه در این روزگار چه میسر آید

ای جماعت من کل کل را ایمانم بلیون  
 دین کلست مانند هر سر و خرا نامم بلیون

شاهباز اوج عزت آشیانم قوی  
 اصل فطرت در قشیم نسل پاکم ناشی  
 عالم خلقده چون سر در خاتم بلیون  
 هم سبده این ایچون مخصوص ایمانم بلیون  
 مسند تخت وفاده مندر سلطانم بلیون  
 بارگاه رفعت شمع شبتانم بلیون  
 جانشین میر بطحاشاه دورانم بلیون  
 منزله آصف ملک سلیمانم بلیون  
 کلشم هر یوسف یعقوب کفانم بلیون  
 سیر لره دریایاران سی بن خاتم بلیون  
 دهرده قائم مقام شیرز دامن بلیون  
 من دانی قلاع رکن قوم صفیانم بلیون  
 اگر طالع ایست در یای همانم بلیون

صف نکل انداختن خفایم صحرای  
 دمنه یحاکو ننده مردیدم بلیون  
 ای اولاد غار ظاهری سلام باطنه  
 شیخ مکر انصافوز آخر سلیمانم بلیون

حیاتیک  
 احوالات

اولاد اول قریب یارین خان  
 کلانست میر خج لاله قریب غلام  
 یوسفی با کیمیکین و در بلیون  
 اولادین غلام کریم و در بلیون  
 کوچه دره قالدی کریم و در بلیون  
 اولادین و اولادین و در بلیون  
 با فضل اولاد کریم و در بلیون  
 کلانست میر خج لاله قریب غلام

ایمان در دامن خدای  
 کلانست میر خج لاله قریب غلام  
 یوسفی با کیمیکین و در بلیون  
 اولادین غلام کریم و در بلیون  
 کوچه دره قالدی کریم و در بلیون  
 اولادین و اولادین و در بلیون  
 با فضل اولاد کریم و در بلیون  
 کلانست میر خج لاله قریب غلام

ببیند که در این روزگار چه میسر آید  
 من دانی آرام جان شایم و دامن پلوت  
 از آنکه در این روزگار چه میسر آید  
 از آنکه در این روزگار چه میسر آید  
 از آنکه در این روزگار چه میسر آید  
 از آنکه در این روزگار چه میسر آید

اطاعت ایلد بو فرمانه غدن اول آزاد  
 ایشدی بوسوزی اول کان غیرت ناموس

نیمه یغیر تو زای ظالم گیر لوده غار اولما  
 دل سیکیز زده جثیت پروردگار اولما

دیده بوسوز لری ای نامسلمان پر جیالی  
 دیرور جانان بولند بوقیلد جاشق صابق  
 خیلده ناکشند و دیکه لاله دور خنجر  
 بیسل الله ده مقتول دلان عشاق اجاود  
 جلالت مکنون شانه شفت قبول تمیز  
 اگر باش در میسه عاشق تیشتر وصل جانانه  
 حسین عشقه الم بکین غربت لاییده  
 انام یوخ گوز لری باغلاسون جانان خنجر  
 باجیم یوخدو رچوب باشین و یونق قارون  
 کوکر مزقربون یزاقی کوکدن باغچه یار  
 بوسوزده باطرون اوسته قویو بدی پرو

اولادین و اولادین و در بلیون  
 با فضل اولاد کریم و در بلیون  
 کلانست میر خج لاله قریب غلام  
 یوسفی با کیمیکین و در بلیون  
 اولادین غلام کریم و در بلیون  
 کوچه دره قالدی کریم و در بلیون  
 اولادین و اولادین و در بلیون  
 با فضل اولاد کریم و در بلیون  
 کلانست میر خج لاله قریب غلام

حیاتیک  
 احوالات

اولاد اول قریب یارین خان  
 کلانست میر خج لاله قریب غلام  
 یوسفی با کیمیکین و در بلیون  
 اولادین غلام کریم و در بلیون  
 کوچه دره قالدی کریم و در بلیون  
 اولادین و اولادین و در بلیون  
 با فضل اولاد کریم و در بلیون  
 کلانست میر خج لاله قریب غلام











[illegible]

یوم دوم در اولاد سالیون موم کو نیمه  
ایرون آنرا نسخته اولسون دیان  
بقانون کو کینگی اچی اوه کدزون بار  
جس فاطمه ارمنان ایزاباد

جناب المولى

تمام اید و بنی جلدی علی بن لادن  
 دیدی که اسب ان لادن را از  
 قلع بینه بر غارتی که زری خدی  
 جاز بینه بر حسین و یوسف خدی  
 را که کوفیان بی ایمان  
 را بر زبان

امام نایبی  
جناح علیہ قول باغلو  
باشون الویلہ قاتل مراد پوری  
پدر الویلہ

باخوب گوردی دوزب باشی او سپهر  
 او چو محی دفعه دینور بگزشت نظام  
 غریب کوفه او نام دیر دوزب جد  
 یاد خلاشند اجل صبر و طاقتی کنی

که ای عزیز رسول خدا سلام علیک  
حسین پاوشه که بلا سلام علیک

اگر یو خوندی خبر منو یا غم او غولند  
یار الو جانیکه جملاد شوم الیند بخام  
کتورمه اکبر و عباس کوفیه ز نهال  
قالو بد کوفه ده بی اقر با سلام علیک  
سنگا بو جانمی قیلد دم فدای سلام علیک  
بواصل کوفه یو خدو روفا سلام علیک

سلام ایلدی چون تاجدار بطحی  
با خوب نه گوروی دورک فشانمایه

خطاب قلیدی که ایو فیان ایوز آباد  
نه غرتیله تیور دوز جلاله آخری  
منی بو شهره کتور دوز یازوب کتابلر  
امام نیایی نه ایلدور عجب حرمت

امام یارین  
 جفا و ظلمت و قتل باطل  
 با شون الوسیله قاتل را و جانی  
 بیارنوشه امام زین العابدین  
 آغا و یارین سلم تبرک  
 دو کد خان ایلدایض و شکر  
 گیدی جان بکس افکار افکار  
 افکار و فحش مال و حسد  
 و دزد و دیر فدا و حسد  
 کلدی و قوی و زمره ابرار  
 معبر اموال

الویدی زنگ لری شکی که بر دست  
گی آنا چاقو و در لاری که آهسته  
یا دوسه زن بجا برین زن و مرد  
که هر قول خضر و غول می صدی  
بار بار بغض در آنجا آور  
بهار خستند به پیشگاه تو آمد  
هری کلزار سبزه با هم

مجلس احوالات سپران جناب مسلم در دارالنجاشی کوفہ

نہ شور و غلغلہ دور عالم فناست  
 بلکہ الوب کو گریہ لرون آہ دای سے  
 گورو بنو بدی بو نو عیلہ زمانہ ماتم  
 آخار بو عہدہ جگر قانی کو زلزلہ فغان  
 سنجہ غزا دیو یاران فغان ایہ عالم  
 گیو بلہ عالم باطنہ جملہ قارہ یکس  
 آچوب نیچا سنے چاک ایلو کہ پنا  
 قویوب الین طینہ ہر زمان جگر آہی  
 اورار بعقیدہ رہبر ایار الو سینہ  
 دروب امام حسن قان بحیدہ دل مایوس  
 امام حسین چاروب یاد ان او پیشہ  
 اوروب بلہ ہائے سیمون عذار نیہ سلی  
 کنار شط فراتہ باخان زمان گورم

[illegible]

این بیای می باشد  
در این مکتب  
که در این مکتب  
که در این مکتب

[illegible]



























توبه کردی بپادشاه و بپادشاهان  
فغان ایست که بپادشاهان  
فغان ایست که بپادشاهان  
فغان ایست که بپادشاهان

بناوردن بکون نگه حارث بیاک  
ز قیلدی خوف الهی شرم منبر  
گورنده خنجر اول بنواکوب برآه  
دولانزد بروب گوزینی بر طرف بخت باخدا  
کوب بپیشینه دوبار صغیر قاروشین  
حارث جفا سی عالم بالائی و اغلاوی  
قیلدی شبت عدنه پشمیری عینین  
سالدی شراره جانیه بوز تازین

سوز و روی گلسنانه ایکی غنچه کلون  
صحن چمن سده قمری نالائی و اغلاوی  
غرض او ظالم هر جسم دینه زخه سالوب  
او باشلاری کو تورو توبه برآه پنهان  
کیدوب حضور عبید ز یاد نفس شر  
چهار روی قویدی بره باشلاری پهن  
خطاب قیلدی او شوم دغایا بن زیاد  
بولار نه باشد و کوسن که ای ایوچی باد

دولانزد بروب گوزینی بر طرف بخت باخدا  
کوب بپیشینه دوبار صغیر قاروشین  
حارث جفا سی عالم بالائی و اغلاوی  
قیلدی شبت عدنه پشمیری عینین

بناوردن بکون نگه حارث بیاک  
ز قیلدی خوف الهی شرم منبر  
گورنده خنجر اول بنواکوب برآه  
دولانزد بروب گوزینی بر طرف بخت باخدا  
کوب بپیشینه دوبار صغیر قاروشین  
حارث جفا سی عالم بالائی و اغلاوی  
قیلدی شبت عدنه پشمیری عینین  
سالدی شراره جانیه بوز تازین

شهادت

شهادت

دولانزد بروب گوزینی بر طرف بخت باخدا  
کوب بپیشینه دوبار صغیر قاروشین  
حارث جفا سی عالم بالائی و اغلاوی  
قیلدی شبت عدنه پشمیری عینین

تلقین اولوندی نیت غمیده  
سلسون بالابو باشه قورقون  
سکله می و دینه و دیار  
شیرازه قاسمون باخلار طریقی  
مکملر غمیده شمشیر علی الدین  
ترنیزان آوار و آسترانی

قازوب بیرون نجبی کدی اولسا  
دوشوب نتیجه پراوز که ماجرا اولدی  
بلی جفایده هر کسیم عیال زبرایه  
چاتار جبر استه اول نتیجه عقیایه

احوالات مقدمه خروج حضرت سید الشهدا از کربلا  
معظمه و رسیدن به منزل ثعلبیه و خبر شهادت و جناب مسلم

قویدی فلک نامه ظلمون بناسنی  
دیناوه خوش کچوردی کونین کل کونون  
قیلدی همیشه بخشی لره ظلم سحاب  
بروشش دیر سه هر که یوزیش غم دیر  
کستردی انبیایلم اولیا عیسم  
احرام محرم حرمی ایلدی حرام  
ینای غم آچور که میناوه چرخ پیر  
شک ایلوب حیاتی عیال سمیره

دولانزد بروب گوزینی بر طرف بخت باخدا  
کوب بپیشینه دوبار صغیر قاروشین  
حارث جفا سی عالم بالائی و اغلاوی  
قیلدی شبت عدنه پشمیری عینین

مقدمه خروج  
مکملر غمیده شمشیر علی الدین  
ترنیزان آوار و آسترانی

شهادت

دولانزد بروب گوزینی بر طرف بخت باخدا  
کوب بپیشینه دوبار صغیر قاروشین  
حارث جفا سی عالم بالائی و اغلاوی  
قیلدی شبت عدنه پشمیری عینین







نظاره ایستادار شاهنشاهی  
ایک تیک قوی بنام کورن قوی  
دولان بوخیمه لری جتو ایلمه بریان  
دور دیست  
کلی حاکم  
فغان دیدی رینب کای رادرجن  
علم الدی حاجی ال بریانی

او شد و بر او کین ملک دین سالاری  
بیان چکدی عربی باشد دین  
عم او غلوی ایکی قول با غلوقانه غلطان  
او دگشته غریبون آخاری گوندیش  
باخاری هر طرفه ایلمدی شونین  
سنون یولنده غریب دکه لوده یرم جان  
بو یور عیالوه دولتون عم او غلوه میسی  
ترحم ایتمه دیر سینه سنده یاره لره  
سالوب یولاعربی پادشاه تهنه لبان  
قرار و طاقی الدن کیدب لوب تپان

جور زمانه دن جگری قان اولان حاجی  
نکلین کونیده در دیمه دران اولان حاجی

ویردی جواب بنین دخت خرن  
قربان یار الو دلره بوسینو باجون  
اغلار کوز یله سولیدی شاه شه عرب  
جان ایغریز احمد مختار قدانم  
سوله کوروم نه در دو غمون دار قدانم  
ایجو اهر بلاکش و در دو الم تعب

ایک ایلمه اوردوب باشته قوی  
کینه در دیمه دخت خرن  
کلی حاکم  
فغان دیدی رینب کای رادرجن  
علم الدی حاجی ال بریانی

الوب حضور کوردی خدیجی رینب  
سلامت خدیجی ادرش مار رینب  
رون کونب زینین باشی خلدی  
دیدی علیک سلام غلوی  
ادوب عرض ایددی شیشه زان  
اتام کورن جلدی رینب  
کلی حاکم  
فغان دیدی رینب کای رادرجن  
علم الدی حاجی ال بریانی

با خوب نامنه اول پند اچکوب افغان  
داخی کوزوم باخا پلمز چمن طراوتنه  
کوزنده سر دی دوشتر یادمه تام سلم  
سالوب محمدی یاده کرک حکم ناله  
دوشتر خیالیه جانیم عزیز ابراهیم  
دیدمی بو چوللار اهر باهم ای حاجی جان  
خدیجی چکدی اودم بیر افغان و اولیا  
بو کونکو کونده خوش حالوه یا خواهر  
صلح و شام سنی ای عزیز اشراف  
نه نوع غم دیزینون اوستنه اولان بنم  
نه یا خشی گوندی اوشاق طلیه نامنه ناز

بوسوزده زینب مضطر کور میوب داخی تاب  
خطاب قیلدی قسیریم اتمه تجمانی خراب

بو قدر قیلدا داخی آه زاروشیون بن  
خدیجی زینبی کور جگ مبدایدوب افغان  
ایمادور سنی ایستردایون امام حسین  
دیدمی اماندی سیکنه دلوئم گکاران

ایلمه اوردوب باشته قوی  
کینه در دیمه دخت خرن  
کلی حاکم  
فغان دیدی رینب کای رادرجن  
علم الدی حاجی ال بریانی

الشهداء  
خروج

ایلمه اوردوب باشته قوی  
کینه در دیمه دخت خرن  
کلی حاکم  
فغان دیدی رینب کای رادرجن  
علم الدی حاجی ال بریانی

ایلمه اوردوب باشته قوی  
کینه در دیمه دخت خرن  
کلی حاکم  
فغان دیدی رینب کای رادرجن  
علم الدی حاجی ال بریانی















کوب قاضی کردی که بایست ایستادنی چون بایستید به محرم  
ایستادنی بوسوزی از داده ولی این  
کوب قاضی کردی که بایستید به محرم  
ایستادنی بوسوزی از داده ولی این

همان چنینم آیدم ساق عرشه پیرایه  
منم ویرن بوجان فایه نظم و نسق  
شمنه مدنی با شتون سلاله سیم  
بود که حق بویور و بوالسالت و ج  
منم جمال جمیل خدا چون مرآت  
منم در عین دور مدار چرخ فلک  
نه باعث اولدی سیرا بیکره کینه اثر  
ازل عم اولومی قیلد و رشید خوار و بیل  
اگر قباقد یازان نامدن پشیمانوز  
کون باخون گورون انصاف ییدن

قویون کیدیم کنه بطحی ایدیه سی کرپان  
دوتوم عیم اولومده ماتم چو قمری مالان  
طور ایدنده بوسوزلر امام بطحان  
پوزولدی نظم جماعت اولدی و صفت  
خطاب قیلدی جلی صوتیکه شمنه ناس  
قیلون بعررا و ستنده حمل باربری  
باشین اشاده سالوب که فیان خجاند  
امام عصر رجوع ایتدی ایل بیه طرف  
که ای اتام شه مردان نشانه سی عباس  
دوشوب قباقد دین وقته امام حسین

کوب قاضی کردی که بایستید به محرم  
ایستادنی بوسوزی از داده ولی این  
کوب قاضی کردی که بایستید به محرم  
ایستادنی بوسوزی از داده ولی این

نغمه کجک باغی بختی بزم زلفی  
ایماند و زلفی بختی بزم زلفی  
کوب قاضی کردی که بایستید به محرم  
ایستادنی بوسوزی از داده ولی این

هانی او قدریم ای پادشاه عرش مقام  
بوسوزده سر و بطحا عزیز اشرف کرام  
دایما نماید جوانان با شمشیر  
آت اوسته محکم اولان الدقبضه شمشیر  
ال آچیه سیر لره هر کیمیه گیره سید  
ادلون قبالینه آماده مرد مردانه

ایستادی بوسوزی عباس یاد کار علی  
خطاب قیلدی نی با شمشیر بصورتی خطی

ایها شمی جوانمیری میداندی قورخیمون  
آماده قتال صف اشقیان اولون  
مردانه رزمگاه کیمیه شمرن شیر ز کیمی  
کیمید و حسین فاطمه نون باغلاسون اولون  
عالم اگر قشون اولایا لقوز برابرم  
محکم باسون و بلقعه نه ابر و لرا ستنه  
البته قانون المکه بچاره سلون  
کوجک سینه حضرت عباسی پر خطاب  
برق بلا بوچولده نمایاندی قورخیمون  
شاه مدینه دن بلیه فرماندی قورخیمون  
مین جان علی عیالینه قرباندی قورخیمون  
عباس السیده تیغ درخشاندی قورخیمون  
شیر خدا با بام شه مرداندى قورخیمون  
المکه بچولده بیزلر آساندی قورخیمون  
ال عقیده بخشی چه دوراندی قورخیمون  
گلدی یا پوتدی دانه ایفدی خطاب

ایستادی بوسوزی عباس یاد کار علی  
خطاب قیلدی نی با شمشیر بصورتی خطی  
ایستادی بوسوزی عباس یاد کار علی  
خطاب قیلدی نی با شمشیر بصورتی خطی

مجلس احوالات و رود  
خامس العجا  
همه شاعران  
بر زمین کربلای معلی  
بیم بزم تنه  
کلام تمام خلق جهان ملای دار



دخانی بیس اب دیدی بر آدی قاضیه در حال  
اداره گزید و چون بیکه اوزنگه آدی اولاد  
خطاب فیدی شنبه شرب بطی

آغلار بهار تنه ریه قمری خرمین  
تا حشر اولونجه آه علی لانتقالی آ

روایت قصه رغصه امام مجید  
چو کاروان شنبه ملک عز و شرف  
سدا به دن چو بیلر دی طلی جادو  
با خوب نه گوردی او صحرایه ناجده  
اوسرزمینده چماند در طلال و حصه  
بواشد قالدی اودم سبط مصطفی  
گیدوب دلالان بوبیا بانی اچیل  
ایدوب شبیه سبزه طاعت فرمان  
کوردی میر عربی یادگار فخر انام  
بویوردی اول عرب پادشاه عرش فرشت  
بویورده بر دو من زاده ایگلن اطلال  
جواب یردی عرب ایشه بلند مقام  
چون خلق بو منزلده چین جاریه دور

نجات خضر دینار خضر  
نمین تنه تنه شرب  
جان کیکه جلاله انان  
زافریزی زینت علی  
خبر جلاله انان  
غرض

دو یوردی اول عرب پادشاه مظلومان  
که دار اوله آدی من غنیمت یار  
دو بار اولدی اودم صدیق برین  
بیا اوزنگه آدی من پوز استقامت  
اد رگه تو زکرا اولاند اخرن طال  
فضای عالم آرامدن بلا دور  
که اغریب آقا صحرای کربلا دور

خالدی حقیق لایحه چون نام  
سایه چکدی باشه بیار  
فکدی مندرسان مصیبت  
طرح بیاطاحت خیر  
نجات خضر دینار خضر  
نمین تنه تنه شرب  
جان کیکه جلاله انان  
زافریزی زینت علی  
خبر جلاله انان  
غرض

خطاب فیدی شنبه شرب بطی  
اداره گزید و چون بیکه اوزنگه آدی اولاد  
خطاب فیدی شنبه شرب بطی

غرض امام زمان اولدی سردن کلاه  
ایشیدی کرب بلانین آدین چلوب برآه

### کیفیت نزول حضرت سید الشهدا علیه السلام در سرزمین کربلای معلی

نزول ایلی چو کجه بیلدی واجب من  
کتوردی ساق ایاقین عرض قلیدی لبسم  
قدم قویاندا اوتراقه سرور ابرار  
گوروب بو حالتی کلوم قلیدی آه فغان  
پنجن سارالدی یوزون اخدی کلونین  
فدا اولوم سنگا ای کشور ولایت شاه  
بویوردی سرور دین ای الکمش منوم  
حسین بو عجلو چولون برغریب یاقوز و دو  
ایکی الیلد و روپا شنه آغلادی کلوم  
یقینم اولدی بو کون سندن حشره ییوم

بیتارک اوزلور و جلاله انان  
اداره گزید و چون بیکه اوزنگه آدی اولاد  
خطاب فیدی شنبه شرب بطی

توقفت ایتمه دخیل چو خیر و بد  
بویوردی اولدی من غنیمت یار  
دو بار اولدی اودم صدیق برین  
بیا اوزنگه آدی من پوز استقامت  
اد رگه تو زکرا اولاند اخرن طال  
فضای عالم آرامدن بلا دور  
که اغریب آقا صحرای کربلا دور  
خالدی حقیق لایحه چون نام  
سایه چکدی باشه بیار  
فکدی مندرسان مصیبت  
طرح بیاطاحت خیر  
نجات خضر دینار خضر  
نمین تنه تنه شرب  
جان کیکه جلاله انان  
زافریزی زینت علی  
خبر جلاله انان  
غرض



دور نمای حققت نیای ال علی  
غدار تبتیه انیسام ادوب حق  
دور نمای حققت نیای ال علی  
غدار تبتیه انیسام ادوب حق

بو غلو دشته شیر سناک مصفا  
کرک ادنون چادر نیدن کور و نون  
سوال ایلی عباس ایشه ابرار  
بوریر بریدی که اولوق بیله ملا دی جا

صد بلند ایلی پادشاه عرش جباب  
بوریر اویردو که اول طواف ایڈکم  
بوسرزمینده اولوب باب امتحان مفتوح  
تا پوب مقام جلالهت بوارضدن او  
دعای اهل معاصی بوریده و مقبول  
مکلوب زیارتیه یوسته بو سکا بنشیب  
کلیم اولوبدی بو صحراده حضرت موسی  
تمام کل جهان دور بوروضه دن ایجا  
بوریرده معجز اولوبدور عیان سیحان  
چکر بو منزله افنوس جنت المادی  
اگر حمیره اصلنده فان اولوبدی سرشت  
شرافت منده بیشتر بوارضه علیتین

بنای نام ادوب بوم  
بانت شیر خدا اولدی خوار کده  
چو اولدی چو خوار کده  
باز بوزن بوزن بوزن بوزن  
باز بوزن بوزن بوزن بوزن  
باز بوزن بوزن بوزن بوزن  
باز بوزن بوزن بوزن بوزن

دور نمای حققت نیای ال علی  
غدار تبتیه انیسام ادوب حق  
دور نمای حققت نیای ال علی  
غدار تبتیه انیسام ادوب حق

بنای نام ادوب بوم  
بانت شیر خدا اولدی خوار کده  
چو اولدی چو خوار کده  
باز بوزن بوزن بوزن بوزن  
باز بوزن بوزن بوزن بوزن  
باز بوزن بوزن بوزن بوزن  
باز بوزن بوزن بوزن بوزن

برایل بقصدن کلکوت ج کلیم  
سراج عرش قضیه تبتیه کلیم  
اول طواف سجا قضیه کلیم  
چون سرجی نون قضیه کلیم

سالوب قباچه کچه کوسفند قربانی  
اولانده امردن کچه چون شیخ ختام  
اولان زمانده مشرف حضور والایه  
دوباره ایلیطیر خوش صفاشا گویان  
سوال ایلی امام ام نه قسربانده  
ایدوب شیوخ قبایل اودم بغرض حضور  
بورسم دور امزده که بیکر عظیم اشان  
اوتما جداره شار ایلیوب کرک جالار  
بوریردی سرور دین ای برادر انور

اتمام حجت نمودن جناب امام حسین اعلی قسبیه اندیا  
من بودیاره اوز که متنایه کلیم  
نفس نفیس تاجیریم اوز تاعمه  
یارلیه هم طرانه و محبت لقا  
دار کوفه اطمینانه نم بر سفارشیم

دار فاده دستری کلیم  
لکاز با صفای دل رایه کلیم  
دور نمای حققت نیای ال علی  
غدار تبتیه انیسام ادوب حق

غواص کل حتمت اناب کلیم  
توقید غوطه اودماق دریا کلیم  
امت امامی است نون قضیه کلیم  
ایندی بود که مقصد غلط کلیم  
ایکجه خنج سوزدی زار کلیم  
فان با سندن ادری صلاب کلیم  
عاش سلامت اوله لانت کلیم  
ساکدن ادری بلشی غوفیه کلیم  
ایدی اویلا اولکه بمیه کلیم  
چو هذره فدریم نه قربان کلیم







این ایام در بدین ایام نام  
زبان می زند و دل در دین  
اگر که دم می زند و دل در دین  
دولت قاضی آید و دولت در دین

ایده حبیب را ز دنیا زنی تمام  
کمال حسرتیله با خدی مجسمه نامه  
که ای ویرن بوسنی کو کله صفافدا  
زمانه ایچره نم باعث خیانتین  
روا دحل چکه لرقله داغ بجر انون  
مرحض ایورم امیه بنی باشم  
یخلدی تپس راقه عباس چکدی آفغان  
یتنه قارواشی عباس ملین تمام کلام  
بویوردی ای کل نوحینه کلستان  
منه کراذ و سنون قالا قون بوجرا  
گیدوب مدینه ده طوی دوتیش را  
بوسوزده قاسم ناکام چکدی پرناله  
منم طوبوم بودورای پادشاه حل و حرم  
چکدی قاسم ناکام اوده کنار  
قولینی بونینه سالدی کمال حسرتیلین

ایده حبیب را ز دنیا زنی تمام  
کمال حسرتیله با خدی مجسمه نامه  
که ای ویرن بوسنی کو کله صفافدا  
زمانه ایچره نم باعث خیانتین  
روا دحل چکه لرقله داغ بجر انون  
مرحض ایورم امیه بنی باشم  
یخلدی تپس راقه عباس چکدی آفغان  
یتنه قارواشی عباس ملین تمام کلام  
بویوردی ای کل نوحینه کلستان  
منه کراذ و سنون قالا قون بوجرا  
گیدوب مدینه ده طوی دوتیش را  
بوسوزده قاسم ناکام چکدی پرناله  
منم طوبوم بودورای پادشاه حل و حرم  
چکدی قاسم ناکام اوده کنار  
قولینی بونینه سالدی کمال حسرتیلین

ایده حبیب را ز دنیا زنی تمام  
کمال حسرتیله با خدی مجسمه نامه  
که ای ویرن بوسنی کو کله صفافدا  
زمانه ایچره نم باعث خیانتین  
روا دحل چکه لرقله داغ بجر انون  
مرحض ایورم امیه بنی باشم  
یخلدی تپس راقه عباس چکدی آفغان  
یتنه قارواشی عباس ملین تمام کلام  
بویوردی ای کل نوحینه کلستان  
منه کراذ و سنون قالا قون بوجرا  
گیدوب مدینه ده طوی دوتیش را  
بوسوزده قاسم ناکام چکدی پرناله  
منم طوبوم بودورای پادشاه حل و حرم  
چکدی قاسم ناکام اوده کنار  
قولینی بونینه سالدی کمال حسرتیلین

دیر ای حسن مجتبی زنی ای ویرن  
منه زان آرا فاطمه زنی ای ویرن  
کرک غریب نادری سید ای ویرن  
مومن حسین بقا بقا جبار ای ویرن  
مکرم حبیب جاتی قاسم ای ویرن  
بازر خلیفه حسن بادل خلیفه  
داخی بوجا تالت تبت ای ویرن  
خطاب قلیدی که ای مارا دوند  
غنم چکدی شازاده اوغل منده شایم  
یتزدن عجب براده اوغل منده شایم  
قربان کله کلکار خشت برید  
چرا که براده اوغل منده شایم  
سفر آ  
کلیه عای  
وقایع  
اگر که براده اوغل منده شایم  
مجلس دوم بشت عاشر  
و بیانات رفتن شبیه

حسینون اورکین کر بلا ده سندر ما  
اکسی زمینی قارواش یا نند اوارا  
غرض کچوب در اوان شهر یار فوج ام  
دایانندی حیمه کنارنده سرد و مظلوم  
بوسوزده داخل اولوب خیمه شه محشر  
گورنده قارواشی یاد کار خیر نساء  
فلک یار بویکجه آتش فنا نیمزه  
فدا اولوم سنگای بلجا صغاره کجا  
بویوردی سرد و بطی اغریز جان حاجی  
فرا ت دسته علمدار دن قوی کسور  
ایکی الیله اردوب باشه سیندا کلشوم  
عیال شیر خدایه چتندوبو غملم

غرض سلی کلشوم ایدوب شه حرمین  
دولانندی خیمه قاسم طرف امام حسین  
یتشدی خیمه کوردی دارا و زکره زینب

دو توبه در زلزله افلاک عرش دگر کند  
لوکب لاله نور  
عکرمه جردن ناله آخرت بر آفتاب  
ارواح سماوی بر سر عالم تراش  
نئی ذات البروج ایلر فغانی  
ایده حبیب را ز دنیا زنی تمام  
کمال حسرتیله با خدی مجسمه نامه  
که ای ویرن بوسنی کو کله صفافدا  
زمانه ایچره نم باعث خیانتین  
روا دحل چکه لرقله داغ بجر انون  
مرحض ایورم امیه بنی باشم  
یخلدی تپس راقه عباس چکدی آفغان  
یتنه قارواشی عباس ملین تمام کلام  
بویوردی ای کل نوحینه کلستان  
منه کراذ و سنون قالا قون بوجرا  
گیدوب مدینه ده طوی دوتیش را  
بوسوزده قاسم ناکام چکدی پرناله  
منم طوبوم بودورای پادشاه حل و حرم  
چکدی قاسم ناکام اوده کنار  
قولینی بونینه سالدی کمال حسرتیلین











دو توبدی که سینه بپوشی دار  
ناله از زبانی که از غلای دار  
بدر طبعی که از غلای دار  
ناله از زبانی که از غلای دار  
ناله از زبانی که از غلای دار  
ناله از زبانی که از غلای دار  
ناله از زبانی که از غلای دار  
ناله از زبانی که از غلای دار  
ناله از زبانی که از غلای دار  
ناله از زبانی که از غلای دار

یاروب صفوف مخالفی شتابین  
ولینده ناله و اکبر الینده حمام  
او ستمدن کتوروب مشکلی علی اکبر  
کوب کچردی تمانا صفوف اعدا دن  
بوده کوردی گلور بی سوار قلمادی  
دو توبدی مشکلی اش عالم اولدی ذکر  
نه کوردی آچدی قولین اولور بویجان  
علی اکبری عباس ناسدی سینه سنه  
بسایت بوقصه فی متری که عالم اغلار

مجلس احوالات واقعه روز عاشورا

نه صبحدر که طلوعی علامت غم  
اولوب زمانه دگرگون مگر فلکده وار  
سبب نذر که دو توب بثور ناله آفاتی  
رداق چرخه سکان آسمان اغلار

بنی امینون عالمه عبدی خفی  
نای کرب با دین حقین مجتبی  
کوب با دین حقین مجتبی  
نای کرب با دین حقین مجتبی  
نای کرب با دین حقین مجتبی  
نای کرب با دین حقین مجتبی  
نای کرب با دین حقین مجتبی  
نای کرب با دین حقین مجتبی  
نای کرب با دین حقین مجتبی  
نای کرب با دین حقین مجتبی

گور زدی چون از صبح ضلالتی  
ایا زدی دردی بریندن نام شای  
تیشدی خیمه آغلیان تیشدی  
باجوب کوردی با توب بپوشی  
کمال تسلیم با شاد بپوشی  
ایا زدی کوردی با شاد بپوشی  
ایا زدی کوردی با شاد بپوشی  
ایا زدی کوردی با شاد بپوشی  
ایا زدی کوردی با شاد بپوشی  
ایا زدی کوردی با شاد بپوشی

کتابخانه محنت ده نشان و دیر  
چو سرور مدنی نور دیده بر سر  
یتور دی آخره بیل دجانی میر عرب  
بر آیری نظم و دوشوب پرده چرخ غایب  
دفتر غم فلیش بونوعی سطر  
زمین ماریه دشتنده یوم عاشورا  
یاد قلا شوب اولاتیدیل نور بطلت شب  
حسا کر فلک تازه دن ویریلدی نظام

کیفیت طلوع نمودن صبح عاشورا

ازل سپهر نظمیده اولدی شقه کشا  
والججه انیمکه فسران عالمی تبلیغ  
فراز چرخه چوند و دشتله آتش  
قارشدی پر بره فوج ثوابت تیار  
یازیلدی لوح بیاض افقه خط طلا  
او صبحدن شفق آسمان بهانه ایدی  
قرار دی عارض گلغام صبح چون لاله  
اولوندی دامن کردونه چادر گلزار  
اولوندی قسری نالانه عنیدن العلم  
جلال و شوکت ایچون طرفه رایتضا  
یشدی لشکر شرقی الینده عریان  
دوشوب نریمه خیل سپاه رنگ جیش  
توب زواله مبدل فراز اولدی آ  
چکوب لوی سفید اوزر پرچم حمرا  
عروس قاسمه کسترگه نشانه ایدی  
چکلدی برک گل اوسقن قاطر ژاله  
شفق جوهری اولکده هوا یوزنده شام  
بوصبح الیندن ایده ناله هر صبح شام

عاشورا واقعه

گوردی پیش ازاده توب و شوق  
ذیدی عذیری قدم ۶ شش پایه  
عوض ایلدی ابدل اوزن خاکینه  
لیکلی قاری ای الدن آلان بابا  
یا حقز لوقی بوجایمده اولار سالان بابا  
قربان اولار اولار لاله کوردن

ای که بلا چو لونه اوغولوز قلات بابا  
ای که لوزدم ای دغول نو جوان شای  
صباح غم اچلوب کلدی وقت یازونار  
لکه دوشاید سن ای دغول ادای نذر  
سزن ادا زین



۲  
ایمنده کلمه الله اکبر می تکرار  
فصلان باشن لاله الله  
دینده باشن لاله الله  
ابو جالی اوج سماواته خیمه اردن  
خطاب فیکدی اوشا بنده دشته شهاب  
بمخیمه یلگون یلغوم اولدی دقت نماز  
بواخر عمر اید خال

عاشوراء واقعه

غرض امام زمانه سال  
تقلیداً و اولاداً در اولدی اما  
تکلیفی می شود جابر

سنون از انوای آفتاب عالم تاب  
سوال قلیدی علی کسب فرشته لقا  
بوگون یا نوندا دو حاضر مؤذن حجاج  
با خوب چوخ آغلادی شانه نه ریغین نه  
تنون بایر الودوشونجه قبا فیه او غلوم  
بوگون اذان دیگون سری آه دادیلا

شروع قیلمی اذانه بلنداید و آب از  
صدای ناله الله اکبر اولدی فرار

یتشذی کو گطره اند اکبر کسب دن  
 آچلیدی باب سموات ملک دنیا  
 العینده تاج تقرب جناب جبرائیل  
 تو کوب سر شک گوزیندن سان ابر بهار  
 علی نه یانوه آل کر بلایه اعلیه نظر  
 با خوب رسولی داشت کر بلا چینه  
 خطاب قلیدی که ای انبیاء صلیه یا بخون

ایده  
زول میوب به لکان عالم لا یدر  
جانب حضرت روح الامین قید  
تمام زمره روح ایی بی  
آه پگاه بخت سمان پاک  
خط المیدی کر ثلث بلان مال  
قیو غنای داغ حج یوم شام  
سلام صور اداغ رود بدیده با

البن

علم حق بن خباب  
سيد الشهدا عليه السلام  
بوكون او كوندو

الین کو توری مناجات دیدہ سی خونبار  
زبان خالید قیلدی بو مطلبی اظہار

الہی کرب بلانوں اساسی حرمتہ  
 علی اکبر میوں پارہ پارہ کل ہے  
 قوی قتلہ لاغبا سمون نکون علی  
 اسیر زمینوں زلف عنبر افشانی  
 منہ باغلا گلن امت گزہ کاری  
 چمبر عزتوں آہ و اسی حرمتہ  
 یتیم قاسمیں طوی خاصی حرمتہ  
 علی اصغر میوں اوخ یار اسی حرمتہ  
 کیسہ باشندہ وزن قر اسی حرمتہ  
 دو مان محرم آئندہ غرا اسی حرمتہ

و عالمی قیلیدی تمام اول سالار الاطیاب  
ایاقه دوردی سریندن بویونم قیلیدی خطاب

ای منم مشکل گوینده مولس و یار حمید  
یادگار مصطفی سمر از شاه لاسفته  
صادر او حکم پادشاه که بلا دین جواب  
جان سنگا قربانندی ایشانته ابرار قاف  
وار سر بر حکون بویر جان نقدیه آلام کج  
بویرودی سرور دنیا و دین نام عجب

مائی یحییٰ اکبر بیلا اکبر یعنی خاتم  
العیوب یا خدا اولی چون کلام  
مثنوی کو مکتوب کسان فاکند صلیوات  
مکتوب علی بن فیدلار بیواہ خراز  
دو مکتوب قیامی پرتاده ایلیوب اغراز  
کوترا برابریمه ملحق علی عین  
قور دلدی دستری قوم لکرتین  
ایم یادری دینا

[illegible]

مکتوب  
جغایه شکرت بر غیب  
بودن او کوندی بشارتی لازم دارا بود  
کرک جلال حسینی حکام اولون  
مهم فزا الوضه قضای

عاشق و واقعه

حبيب الرحمن ایلدی ارمین

دور دی شام ایامی

امام غزنی پیام یاورى دپاڼو  
د لوى دست لوى پوهنځي

رضی علی عین



خطاب قلیدی که ایشا که بایک  
این زمان بو خطاب امام جواد  
چند بار دیار تا جدار علی اونی  
ادون قربانی اولون عالم ابراهیم نام اونی  
دلی الله دبندی علی المرتضی ادنی  
انسان سانی کورده و اونی بقلی مظلوم

دورنده و زمانه ای امامان  
بو یوردی شاه امای مبی نام  
انام علی بالاسی شاه زاده قاراق  
عاشور  
و اینه  
نوربستاید و شب خیز  
کرک بکون اولاسان کرک بکون  
البدن آل علی انیز ایشا  
ادون قویلدی علمدار کربلا عباس  
الوباب علی نوردی  
ادب عرض ایلدی ای امام جن  
بو غرض سبزه ایشا و ایشا  
علم الیکویم و ایشا  
دورنده ای ایشا  
فغان کلایه ایشا  
موتان ایشا  
حکایت ایشا

دو توپ اسبند لوی رسول مختاری  
ایا معاشر اصحاب کربلای حسین  
تمامیوز اولون که بواشدن ای حضار  
الینده هر کیون اولسه اگر بکون بو علم  
بو بیدی کو تورن پاره پاره دوزخا قبا  
یخلدی تپله کرکونش قلیدی یزید  
بو یوردی کو هر دانه ابو طالب

بوگون یرم علم بیکیمه والا تبار اولون  
دلیر و صغیر و اعدا کین دشمن شکار اولون

علمداریم اوسد و حصدن کبک ایتون  
یوسوز لری بو یورنده ایشا و ایشا  
بو یوردی کوروم بو علمدار با وفا کیمدور  
بو یوردی سهر و لطفا که ای عزیز پدر  
دو یوب بو مطلبی فرزند شیرلم یزید  
دوشودور مکه ایشا و ایشا و ایشا

ایمان سانی کورده و اونی بقلی مظلوم  
دلی الله دبندی علی المرتضی ادنی  
انسان سانی کورده و اونی بقلی مظلوم  
خطاب قلیدی که ایشا که بایک  
این زمان بو خطاب امام جواد  
چند بار دیار تا جدار علی اونی  
ادون قربانی اولون عالم ابراهیم نام اونی  
دلی الله دبندی علی المرتضی ادنی  
ایا معاشر اصحاب کربلای حسین  
تمامیوز اولون که بواشدن ای حضار  
الینده هر کیون اولسه اگر بکون بو علم  
بو بیدی کو تورن پاره پاره دوزخا قبا  
یخلدی تپله کرکونش قلیدی یزید  
بو یوردی کو هر دانه ابو طالب

مکملات روایات یوم عاشورا  
چو آفتاب جهان تاب آسمان جلال  
حسین شنه جگر زاده شه دوسرا  
تار صبحی ادا ایلدی او صحراد  
سپاه کوفه بصره مان ابن سعد لعین  
قبا قجه برینچه دسته لعین تیر انداز  
بنای ظلم قویوب اول کرده کینه اثر  
اینده جمله او قوم سکره اصحاب  
گوروب شقاوت کفاری اول امام  
همان روا ایلد اوز قدینه ویروب یور  
گیوب یاقینه نعلین احمد مختار  
اوزون تیوردی او قوم شقاوت انجا  
دوروب صفوف مخالف برابر نیدام

گلوت حکله سلطان عالم تمکین  
بو یوردی که اولون گیره ایشا

عاشور  
واقعه  
دویم اولماسد قمار فرار ایشا  
کرک بکون اولاسان کرک بکون  
البدن آل علی انیز ایشا  
ادون قویلدی علمدار کربلا عباس  
الوباب علی نوردی  
ادب عرض ایلدی ای امام جن  
بو غرض سبزه ایشا و ایشا  
علم الیکویم و ایشا  
دورنده ای ایشا  
فغان کلایه ایشا  
موتان ایشا  
حکایت ایشا

انام علی شیره کورده و اونی بقلی مظلوم  
دلی الله دبندی علی المرتضی ادنی  
انسان سانی کورده و اونی بقلی مظلوم  
خطاب قلیدی که ایشا که بایک  
این زمان بو خطاب امام جواد  
چند بار دیار تا جدار علی اونی  
ادون قربانی اولون عالم ابراهیم نام اونی  
دلی الله دبندی علی المرتضی ادنی  
ایا معاشر اصحاب کربلای حسین  
تمامیوز اولون که بواشدن ای حضار  
الینده هر کیون اولسه اگر بکون بو علم  
بو بیدی کو تورن پاره پاره دوزخا قبا  
یخلدی تپله کرکونش قلیدی یزید  
بو یوردی کو هر دانه ابو طالب



ایده اطاعت ایستادن بن سیدین  
دو روزی ایستادن بن سیدین  
نخستین باغی ازای عجب بوم حال  
نیز دردی شاه لایک پناه دلال حال  
ان سلا اوزمان پروق این بر دین  
نیز دردی شاه لایک پناه دلال حال

بودشته کلمه من اوز اختیارین  
ایا جماعت ست اعتقاد قوم  
یازوب نه پنجه بین نه دکتا بر  
عربیه غیرت اولور ایجاغت بیار  
وصی ختم رسل اشرف انام من  
سبب ندور که اولو سوز قتلید عارف  
که ای حقیقی کفار کسری اسلام  
ندور زمانه ده تقصیریم ایکر و ضلال  
امام تانیدورای اهل کینه مارا  
بو ظلم سدی که اوچکون فراتی باغیا  
توین منی قایدوم ایکر و بداین  
ایدوم تمام ولایاتی واکذا سیره

جواب یردی اودم ابن سعد بد کرد  
که اچین علی سبط احمد مختار  
بیروق توابع خوشخواه آل عثمانی  
مالدور که توایق یرده خون عثمانی

فانی خیمه پادشاه خوش قیام  
بازگشتن از دودم خندان  
بازگشتن از دودم خندان  
بازگشتن از دودم خندان  
بازگشتن از دودم خندان  
بازگشتن از دودم خندان  
بازگشتن از دودم خندان  
بازگشتن از دودم خندان

مکمل سلام ایلم باخانی خیمه  
اشاره ایلمی کوکونو بیخ  
سوال قلیلم ایلم باخانی  
سبب و سبب ایلم باخانی  
دیدی اوز غول خانی  
بویله جید کراری اداغیان  
بود غلی قاپی خلیله  
اودمانا دوی جیدین  
جانب سبب دایلی  
سالم بود اقد  
نولیدی سنده بود  
اوز ایتدیم غلط ایتدن

مکمل بدی بوکچ این زیادیدن نامه  
باشون اشاقه سالوب و درسان بون  
حسین اولوب کیده جگ ایل عرتی شاق  
بوگون بزم الیزد و کرک اولانصرت

باخاندا قارداشنه حر دکتا زار  
دیددی که ای ایلین جاننی بلایه دوچار

سبب اولدی که اولده هققدن چندن  
بیرایش منه ایلموس که ایلمز دشمن  
سوال قلیدی اودم مصعب فاپر  
جواب یردی اوسردارای برادر جان  
کنار شرط فرات دستبیر پنجه مولا  
قور و بلا حلقه ماتم دلیله وادلا

باخوب نه کوردوم او صحراد مصطفی اعلا  
دوروب باندنه نجف شای رضی اعلا

مکمل بدی گمننه قاره عمامی اوده  
باشنده قاره سیر عورت فرجیم دا  
نظر سالانده کوردوم انام دور و مجنون  
دیر خالتم اسد سنون جیبوندن  
جگر لری توکون شسته محبت بی غلار  
اوناله صاحبید و خیره النساء غلار  
سالوب اشاقه باشین جوج چکر نوا غلار  
اورار باشینه ایدر ناله دجکا غلار

عاشق  
واقع

منه گل کیداق اول حضور ارد  
قال دغنه نابکه ایلک قاره  
سوار اولوب اکی قار دشن  
غلامی غریلمن او غلی هم کیدوب

خطاب قیدی که ای شکر ظلمه  
کوبله و صفر قورمکن کورم مطلبند  
طبل پادری ادر ملکدن کورم مطلبند  
فنی نه دین حقون هققدن دوی این سده  
آلاتوب جشابه ملکدن کورم مطلبند  
دسته دتر



















جلد دوم  
کلیات کرامت  
گلزار حسنی  
فسمری

در منافق و میصباح جهاد معصوم علیهم

چاپ کراوری

گراور با تصحیح کامل رشیدی

طهران - بازار بین الحرمین - کتابفروشی چاپخانه محمد حسن علی

از فارین مجسم

متمنی است که والدین حقیر و ارواح مؤمنین و مؤمنات را بقایا

یاد فرمایند و برای این سراپا عصیا طلب مرزشنا بند علی



بسم الله الرحمن الرحيم  
جلد دوم کمری  
کتاب کمری  
گلزار حسنی

جلد دوم کمری  
کتاب کمری  
گلزار حسنی

بسم الله الرحمن الرحيم

بوشور محشره بچند گویدی اهل حم  
سان بک خزان ترشور بوده علم  
زمین مارینه چو لقای تلمع نور  
درون خمیه عباسد چوادی طور

افق خمیدن دلوب تابان  
بیر جوان ماه عالم آرائک

گلشن شکر و جلالت  
جگر می و اغا دسینه کباب  
دو توبل شل شمس عالم تاب  
سم و صولت و همچو شیر تابان  
دبهدم نطق یا علی گویان  
تامت قدی سر عتاک  
گوزی قان علیر سان سحاب  
ایوب جوش موج دریاک  
هر سر مونی جشم بران  
بخر دریا شکاف موسی مک

باغدار صفت و صفت  
غرض تشدی حضور امامت  
نخلدی ترا قاجار و جلال  
کمال سراسر ایام و جلال  
و جلال و جلال و جلال

بسم الله الرحمن الرحيم  
جلد دوم کمری  
کتاب کمری  
گلزار حسنی  
بسم الله الرحمن الرحيم  
جلد دوم کمری  
کتاب کمری  
گلزار حسنی  
بسم الله الرحمن الرحيم  
جلد دوم کمری  
کتاب کمری  
گلزار حسنی

بسم الله الرحمن الرحيم  
جلد دوم کمری  
کتاب کمری  
گلزار حسنی

وجود احوط طاعت سراسر عالمه  
یکدب جهالی ایندن قانان مده خوار  
آتاسی سانی کوثر برادری سقا  
فراش سینه محتاج اولان سلام علیک

جواب امام حسین علیه السلام

گوربت بو حاله ساهه آرائک نماز  
که بعینه شه لافتی عیدک سلام  
علی نشانه سی سقای کر بلا قاروش  
پناه عترت هرامه بنی هاشم  
اولا سلاموه قربان بلا چکن جانم  
زبان خانی خطاب میدی بو زکد از  
کحل شکفته بانغ وفا عیدک سلام  
اتام علی کیمی مشکل کشا عیدک سلام  
یکانه کوهر گنج وفا عیدک سلام  
دی مطلبون سینه عالم فدایک سلام

جواب سقای کر بلا

گورنه بطف امام زمانی اول سرور  
قشون قتیدی ساسون پوزلدی میولا  
باشون ساق اولون اگر یار یاور اولدی  
خرانه دوندی ستمه جلالیون باغی  
بو غلوه دشته دوغاندی جلد احباب  
ادبه عرض میدی ای امام عرش وقار  
الون صحابه لر و ندن وز ولدی میولا  
بو غلوه چوله یوشوروش برادرین اولدی  
چکله ی سینه عوینده جعفر و ن اخی  
جیبون میدی آنخ ستاینی قان خضام

بسم الله الرحمن الرحيم  
جلد دوم کمری  
کتاب کمری  
گلزار حسنی

بسم الله الرحمن الرحيم  
جلد دوم کمری  
کتاب کمری  
گلزار حسنی

بسم الله الرحمن الرحيم  
جلد دوم کمری  
کتاب کمری  
گلزار حسنی







۱۹۲  
کوزله خانو باي  
دادي باي  
کندلک  
نور دیرمه خان  
کلی  
دخی غریب  
دخواب  
فغان  
بازو باو علی  
چان بوغور  
نور باو علی  
دقی غریب  
دخواب  
فغان  
بازو باو علی  
چان بوغور

عبدالله بن عباس  
احوال حضرت عباس

او کرده هر روز دل و  
منه و صیقلی بر بر بیان  
زبانجا لیسله تنای  
جواب بروی که ای  
نفعان بدوب جلیبی  
از قواری دوش عباس  
و السلام

[illegible]

۱۹۳  
فلک در تماشای دیدنی طالع غیر در  
ایر المومنین حیدر علی الرضوی در  
غضنجن در حجاب دل در دوزخ کما فاعول  
مملوک در خیمه خباب حضرت طیار زینا  
ایدر از اراج عرش عالم انوار  
داعیا روح نقد و خون چو جان  
عروج ایمن یک یک چو کبر دار و کرب  
قضا فکر الیدی کیم قاضی لا راضی  
سطحین سجد جان الما و اعلی عرش  
ایرین رخ شش ابله جان و کیم  
عین نصیب

غرض از زاده سلطان کشور اعظم از  
رجوع قیدی خیامه ابدال پرورد  
چکوب عقاب او فرزند حمید کرتار  
سوار اولدی چو عباس علی عقاب اوسته  
بسان قشور مشرق خیامه نچندی  
جمالین کور جکین قیلدی ملاطمت کربلا دشتی  
مشال سوزده انشمن سجد خطه میکنی  
چونون انقلم قوسینی قوسله طر حظه  
الف کتب بر نظام میل صفت آراوشکان  
اولوب انافتحنا طاق بن ابجا جیننده  
وجودنده مجسمه آیه نصر من اللهی  
باسوب نورتجلا چلی کر بلا طورین  
گورندهی باطن معناده کوکلردن ملک  
ویا شهباز قدره در فراز حرج رفعت  
صلابتدن مهابتدن ترزل و شدنی نیاید

قد سوید که این کلام را  
متاع جسم و جان بهوت حق  
قالا هتایان بهوت حق  
نما اوله ملائکه  
آسف حکمک تا یثیر انما  
باجاندا سعد حسن صاحب

مشرقی هاشم  
احوال الک

دیو دی الامان کچه  
عاده نئی اول ملکه  
مقابله دیو دیو

علی بن ابی طالب (ع) در روزی که از مدینه به کربلا می‌رفت  
 در راه با گروهی از یاران و خدمتگاران خود همراه بود  
 که در آن روز در کربلا کشته شدند.

باجا  
مشرقی ہا  
احوال

یاری ایمن افغان دژ و تیرتیز من  
فرغتم بایر که بودم بی جبار  
علاء خدیو این قلعه عین شهاب است  
مقابل دیوار و دروازه

عن الصادق عليه السلام قال من كان له دين عليه فليؤدبه فان الدين اذا دبره كالباب اذا دبره







[illegible]











۲۰۲  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام

غرض خیال پیر اید روی ناله و زاری  
 نسیب اوردی که ای زاده هر خوف  
 بوگون تمام سینون استقامتی آلام  
 ازل قباچه سنون اوردی تمام اید  
 اوردی که بیدین بونوع لاف کرف  
 کلوب قهر عباس و الانشرا  
 دلون باغلا آج اللرون در مالان  
 قویوب نیزه فی اور مانوک لسان  
 ایدر تغیل پهلوانلار جبال  
 قیلار فتح دعوا ده شمشیر تیز  
 باشندان گدیوب مار دون عقل و برش  
 مروت قهر یلینسیر پیر تحان  
 دو توب نیزه سین ضیغم سمناک  
 سین و بنی اوردوب سیر بره  
 چکلدی اذ ظالم جداون کفار  
 یثدی حضرت عباس علیه السلام  
 نه قدر شکر کفار اولوب الوند طیف  
 سنی شهید یطوب کانیته اود سالام  
 خیال حیدری بالمر قتل عام ایدر  
 ایسند نیزه ویر و کتان معزم مصف  
 دیدی ای لعین جباشت نژاد  
 بوگون ایش کورر تیغ خار اشکاف  
 لسان نوکی اور ماقده و کار زبان  
 مناسبدی عورتله قیل و قال  
 انما ابلی ایلر زبانی ستیز  
 غضبیلندی دریا کت ایتی خروش  
 حواله قیلان دمه نوک سنان  
 ایسندن چاروی چکو خشمناک  
 حواله قیلان دمه اول کافه  
 اسردی خسران برگی تک پیرا

او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام



۲۰۳  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام

۲۰۳  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام

حضرت عباس علیه السلام  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام  
 او را اولمادی مطلق قالدی کلام  
 غلام بیگانی ای در میان کلام



کمال قیادت و دلدادگی  
در این جنگ بزرگوار  
که در این روزگار  
دیده شد و در این  
کمال قیادت و دلدادگی  
در این جنگ بزرگوار  
که در این روزگار  
دیده شد و در این

درون خمیده سلطان کوشا عراز کنار دانه بارگاه شاه نجف تمام منتظر حکم حیدر صفدر صف معاویه دن بر لعین کس دن فزون زنده سهرن عبد و دلیر حضور زاده سفیانه اور دلاف کفر یثدی معرض آورده گاه اول غذا کلون قالیهای قوم آل عسر منم دلاور عادی لقب آدمی قلاب بانی منم بوگون هم نبرد اولان کلون سوار ابری کیمی چکدی سطو تیکه خورش ایکی جوان رشید دلاور دور قشدر ایدره الینده تیغ عثمان ادواتدی برای سرخسین بهتر تمام ن اولدی فرصت راه و طار راه گریز	اولو عبادت مشغول ایدرمی زارین دور و میشدی کمر بسته اصف اصف تفرغ عیله نماز اداسته ساقی کوثر ستون کفر آدی سقلاب عادی ملعون جدال و جنگ شجاعت و حسیله حریف غریب سخت و عجیبه قیلدی عزم مصفا صلواتیکه چکوب نمره ایلدی الهیار گورون شجاعت انضارال سفیانه کوتور مزعالم آراسیر ضرب ستمه تاب بوشیر جنگیه بر شیر مرد اولان کلون مبارز استدی قیلدی چو کج عثمان صفوف لشکر اسلام قیوت جان گوروب احوالی سقلاب چکدی نمره ایکی دلاوری دوتدی لینده مثل حام دیروبی بر قیلدی شکست در بریز
---	---

کمال قیادت و دلدادگی  
در این جنگ بزرگوار  
که در این روزگار  
دیده شد و در این  
کمال قیادت و دلدادگی  
در این جنگ بزرگوار  
که در این روزگار  
دیده شد و در این

کمال قیادت و دلدادگی  
در این جنگ بزرگوار  
که در این روزگار  
دیده شد و در این  
کمال قیادت و دلدادگی  
در این جنگ بزرگوار  
که در این روزگار  
دیده شد و در این

ایوب سان گهر ماری شمر دان نقاب آچولدی با خوب جن انس بو یورد ایلده بیان کیم دیر و سنگار ادبه عرض ایلدی شاه امته عباس ملطف ایلد منه بادل طول بابا غرو ایلد گیره میبدان بر سر گذار دیرن زمان بوجوالی او غیر توکلانی کلوب توجه کو کلنده لطف دریاسی ادوپ حبیبی سولردی مرجبا علوم بورده لودو تو بان یادی جسم دجانم زین کرب ملاده ابرگر نیده ناس دولان دیردب کوزینی جندی طریح دیردی مار داس ای شیر کردگار بابا کل ایلدی برجه تماشا ییخ بوجرته غرض که مار دلعونی ابن شیر خدا	دیر و نقابی یوز میدان گوتور کنه فرما بوسهم و صولتن گوردی او غلی عباس بو گونه کشته میبدان ایلدون آت منی بخشه کلن ای امام حله ناس ندیم که ایلدی غنیتم قبول بابا زبان طعنه آچامن دور و باخا چا ایاقه دور دیر میدان لی سبک کوتوردی باغرنیه باسد و فالو عباس اولا شجاعتوه انس جان فدا علوم نیرده قالمشدی سیکرم لی آت اورنده ماریه ضربتی رشید عباس چکردی آه آتسین آخار و خیر کج کوزوم بولونده عجب قالدی انتظار بابا قولوی بو نیمه سال حسن استخاعتیه قیلوت جسمیر روان چکدی تیغ تری
--	---

کمال قیادت و دلدادگی  
در این جنگ بزرگوار  
که در این روزگار  
دیده شد و در این  
کمال قیادت و دلدادگی  
در این جنگ بزرگوار  
که در این روزگار  
دیده شد و در این



۲۰۷  
 در روز دوازدهم ماه رجب سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
 در روز دوازدهم ماه رجب سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
 در روز دوازدهم ماه رجب سال ۱۰۰۰ هجری قمری

بگویند و در ده گاه محارب بیدار  
 چو بکعبه کعبه دل شوم بد نهاد  
 اوران نامه تلخ اول شریک و ستم  
 او دمه حضرت عباس چکدی بر آبی  
 او زاده شه مردان قوی اولد هلم  
 یخلمدی علم پادشاه ملک حجاز  
 الان زمان علمی صول اسینه سافند  
 بو حالت سید گنه کو ستر و عقارب کار  
 دوباره قیلدی کین نول بر نری  
 او بیجا و الیدان فرصتی الا کدی  
 ایکی قولیندن او سردار اولان  
 نجالت آتشی نه یاندی جوشه کدی  
 یار الو جانید فرزند حیدر کرار  
 او دمه بر سرک شامی دون بی ایمان  
 اولاند هادک پیکانی روشدن

کنار راده قیلندی حیلد ایلد کین  
 حواله ایلدی هتر تمامیلد شمشیر  
 نه دیوم کوبن قیلدی ساق قیلدی قلم  
 دیدی کسلی الهی بدیه الهی  
 قبول ایلدی غیری تخلص علم  
 دو توب صول الین هوایه قیلدی فرار  
 نه قیلدی رشکی دوشه قوجا قند  
 تیر که اوزنی خیمه ایدر دشتاب  
 بسان رده مکاره شیر ایلدی بزم  
 قلع حواله اید و صول قولین بر یالکی  
 یتمدی آبی افلاک چکدی بر فوس  
 دیشنه شکلی دد توب بک سینه علمی  
 ایکی رکابیل اعدانی ایلدی کنار  
 او دمه دیزین بر بند بر چلیه کین  
 یتمدی تیر جفا کدی مشکون استن

بگویند و در ده گاه محارب بیدار  
 چو بکعبه کعبه دل شوم بد نهاد  
 اوران نامه تلخ اول شریک و ستم  
 او دمه حضرت عباس چکدی بر آبی  
 او زاده شه مردان قوی اولد هلم  
 یخلمدی علم پادشاه ملک حجاز  
 الان زمان علمی صول اسینه سافند  
 بو حالت سید گنه کو ستر و عقارب کار  
 دوباره قیلدی کین نول بر نری  
 او بیجا و الیدان فرصتی الا کدی  
 ایکی قولیندن او سردار اولان  
 نجالت آتشی نه یاندی جوشه کدی  
 یار الو جانید فرزند حیدر کرار  
 او دمه بر سرک شامی دون بی ایمان  
 اولاند هادک پیکانی روشدن

بگویند و در ده گاه محارب بیدار  
 چو بکعبه کعبه دل شوم بد نهاد  
 اوران نامه تلخ اول شریک و ستم  
 او دمه حضرت عباس چکدی بر آبی  
 او زاده شه مردان قوی اولد هلم  
 یخلمدی علم پادشاه ملک حجاز  
 الان زمان علمی صول اسینه سافند  
 بو حالت سید گنه کو ستر و عقارب کار  
 دوباره قیلدی کین نول بر نری  
 او بیجا و الیدان فرصتی الا کدی  
 ایکی قولیندن او سردار اولان  
 نجالت آتشی نه یاندی جوشه کدی  
 یار الو جانید فرزند حیدر کرار  
 او دمه بر سرک شامی دون بی ایمان  
 اولاند هادک پیکانی روشدن

۲۰۸  
 در روز دوازدهم ماه رجب سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
 در روز دوازدهم ماه رجب سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
 در روز دوازدهم ماه رجب سال ۱۰۰۰ هجری قمری

عقاب و عقاب اوسته سندی بال پریم  
 فرات گنه ایم ایدیم شنه لبری سیراب  
 نه قدر الیم وارید قوما دیم بره علی  
 ایکی قولوم کسلبه شکیم خلا ندی  
 ادمیم زمانه سقا سواد سته او خلا نیم  
 یاد خدی جانم اولایا مال ستم ستر  
 اجل دولوب گوزیمه انتظار دی حکم  
 با شیم دیزاوسته آلب گوز لیمی باغلا  
 شکسته کو کلام آچلر نه میر یوزوم کلر  
 سوسوز دودا قلا ریمه زارام شر طوب  
 ایکی قولوی سالوب سینه قوجا قلا  
 رواد گل قوریر لده آخر عمر عید

گور و عقاب ایدیم ترک ایشان سن  
 اوزوم سواچیم ایشاه کامران سن  
 بو قوم ویر بریردم منه امن سن  
 یار الو سینه آلب خلار ایشان سن  
 بو یاندی قانیله جسم چو ارغوان سن  
 آلب ارایه منی قوم کوفیان سن  
 گوزوم یولوندا قالوب چرخ بی سن  
 کیمیم نه نوعلا ایمیر کارون سن  
 اگر مقام اولار وضه جهان سن  
 ویر لیکه سینه من چشمه روان سن  
 اولونجه روز جزا ایلرم فغان سن  
 اولوم چو قمری نخسته نو خوان سن

مجلس وداع جناب قاسم بن حسن علیه السلام  
 ایدل اویان گوز آج کچوب جان با  
 بیل باغلا ما جهان و فای جهان باقی

بگویند و در ده گاه محارب بیدار  
 چو بکعبه کعبه دل شوم بد نهاد  
 اوران نامه تلخ اول شریک و ستم  
 او دمه حضرت عباس چکدی بر آبی  
 او زاده شه مردان قوی اولد هلم  
 یخلمدی علم پادشاه ملک حجاز  
 الان زمان علمی صول اسینه سافند  
 بو حالت سید گنه کو ستر و عقارب کار  
 دوباره قیلدی کین نول بر نری  
 او بیجا و الیدان فرصتی الا کدی  
 ایکی قولیندن او سردار اولان  
 نجالت آتشی نه یاندی جوشه کدی  
 یار الو جانید فرزند حیدر کرار  
 او دمه بر سرک شامی دون بی ایمان  
 اولاند هادک پیکانی روشدن

بگویند و در ده گاه محارب بیدار  
 چو بکعبه کعبه دل شوم بد نهاد  
 اوران نامه تلخ اول شریک و ستم  
 او دمه حضرت عباس چکدی بر آبی  
 او زاده شه مردان قوی اولد هلم  
 یخلمدی علم پادشاه ملک حجاز  
 الان زمان علمی صول اسینه سافند  
 بو حالت سید گنه کو ستر و عقارب کار  
 دوباره قیلدی کین نول بر نری  
 او بیجا و الیدان فرصتی الا کدی  
 ایکی قولیندن او سردار اولان  
 نجالت آتشی نه یاندی جوشه کدی  
 یار الو جانید فرزند حیدر کرار  
 او دمه بر سرک شامی دون بی ایمان  
 اولاند هادک پیکانی روشدن



درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره

بریسی اکبری او خوشتر بریسی عباسی با تو بدی قانیه چون نوجوان لاله خدار کلوب ملاطمت قفسه غصه دریا ز باغخالی بو مضمونیه ایلردی خطاب قلوب بلبلو باشم من بلاده یا جدا ایتم فغان غم در دیم زیاده یا جدا قویو بد لار منی یا لغوز اراده یا جدا کومک سیرم حاجی وار فاده یا جدا معین اولدی منه سیرا و یا جدا آدم سیرم شین یو خدی داده یا جدا منم غم ده او بخت قراده یا جدا کوزجه بکشی نوک جدا ده یا جدا قلوب امام حسن او غلی قاسمه تاثیر دیدی فغانیه لبیک ای امام زها بیر جلاله چهارده شبه ماه	دو کمال علی جسد خنده یاسی باغوبت گوردی قریش تمام انصار کوروبت حالتی اول جن انس ملا خیام تل آراسنده امام عرش فیات دو شو بوتکله ایشیم کر بلاده یا جدا نظاره ایلد که است سلاوتی حال منی الیمدن آلدیلار انصار و یار یار منی اولوبدی ماه بی باشی یا تو بدی علم یو خود ویرجه آلان اکبر او غلمون فانی اوزوم غریب لایت غریب شمش چرخ باغوبت منه کوزینون باشینی تو کوروب اولیدمی کاشش باشان طانی رخ این ز باغخالی جگر کوشه بشیر و پذیر درون حمید اول سرناز گلشن جان افق خیمه دن چکوب ناکاه
--	--

درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره

درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره

یخلمه قاپوه رحم قیل ناه سیرم بوسوز لری ایشیده اوشا تشنه جگر بلا و محنت این اولدی قلی مالال جوان نورس گل سیریم سلام علیک یتیم جانوه قربان یوی داغش غم بیان قیلند دور دون گناه سیر قاسم دیرن نامه امام حسین سلاه جواب بودور جانا بو غرضم ایا امام حسر ای کجی مطلب او دورای امام تشنه جگر اولوبدی کرب بلا ایچره قانیه غلطان او چو محبی قاسم ناکاه یتیمی قی قی کرک بیان ایتم روح خفاک غمو بو مطلبی ایشیده شادین تشنه لب چوخ اغلادی مایه بان باغرنیه اونا کا غمون فغانیه طام و لایشه	مکرر امله دیندر منی گناه سیرم تو کوب ارنه لایق قطع شرک لبر ز باغخالی بو مضمونین یویردی مثال بو غلو چوله منم یا دیریم سلام علیک شکلا باخانه او دلار کوز لیریم سلام کلوبدی جوشه بو کون غم غم سلام او بله عرض ایلدی اول جوان شاد باشون ساق اولسون علمدار اولدی یتیم جو اغلاری کوزی یا شلو قویان عیار تشنه کانه یاد او غل حسن ساق اول کوروم اوزوم طرفدن شون لیر یتیم قاسم ایچون احسن الغراک غمو کلوب قلیدی کوزینون شرک ایچون یویردی ایدیل پردریمون دلارای سنون فراقی کورتر مسون نه اشته
---	---

درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره  
 درین باب از کتب معتبره



[illegible]

سبب دور سلوب آیم جانشین  
 او غم کشید آنا او غنی گردید  
 آمان سنون قیوه چونکه ایو اغریز  
 بولگون او خط سنون بایه نجاند  
 میشدی سمعته شهادت با سمون بول  
 قولی سندن آچدی سردی بند بارید  
 که گوردی خط بشری فی پادشاهت  
 زمین کرب بلا ده داشت اقان اعلوم  
 قالاندا اللری تویند قار دیشیم یالتور  
 غریب قار دیشیم یالواروب لان بینه  
 که ایسته سون اتایم من ضا دلائم  
 ویرنده جان با شوی من یزاد شیه لام  
 ایسنده مطلبی قاسم بذوق شقی تمام  
 او بد عرض ایلدی اشینشه دوسرا  
 مراد و کاره شیشیم تا پولدی دایم

قادیوب منی قاپوسندن عموم امام حسن  
 بیانه چکدی بو مصنونی بادل پر خون  
 اوز اللریل یازوب ناغیلو بدی برتقون  
 دوشنده مشکله حلال مشکلا تو ندور  
 قرار دی کل یوزی جندن اولد غنی  
 قیلوب مطالعه تعویذی بادل خرسند  
 یازوب مطلبی تعویذ ده امام حسن  
 چکنده تیغ جنا قوم کوفیان اعلوم  
 نجالت ایته حیدن منی امان اعلوم  
 یار الیسنوی قیل حنجره شان اعلوم  
 کرک سوز دیر بس حریک جان اعلوم  
 حسن شاه سی سن قرخان و جان اعلوم  
 رقم المیده گلوب ایلدی امامه سلام  
 نه وجه سهل المین مطلبیم اولندی روا  
 شیداد لما قه دارالده بخش فرامخ

کمالی عبادی دلالت برندی زول  
 و دیوید صغافه می نمون  
 کمالی عبادی دلالت برندی زول  
 و دیوید صغافه می نمون  
 کمالی عبادی دلالت برندی زول  
 و دیوید صغافه می نمون

[illegible]

۲۱۱  
اولسون با چون در دود غم خون داشت  
هر درده زیننده سزاوار قار داشت  
مقتضای سوز که سلطان عالمین  
ایم حسین با جی گوشت قلل صمدین  
مندان و فاطمه و حمید و یارای  
ادمان صورت بسیار آید  
سوز آرزو نیست آتش وین حلالی  
از یک سو که کوز با کسی که کوز درین  
چگون ای ییجی شمس که زین لاله  
بر غمدا چون تمام آید  
هر روز بدو دار خاوه او خول  
در هر یک که هر طوی خیالی  
او نه نام

نظا فستید درون خزانہ نبطاس  
او ماوردی قلیوب جمع مجمع النورین  
اولوب ایکی گوزی مانند ابرضل مبار  
گوزون کو تور میوب اول خطدن نامم  
دیوردی فاسم ای نوجوان لکن  
اگر بچولد سگاطوی دتوب ایم دا  
تمام اندوب متارام چونکه امر خاتمہ نے  
بوسوزد پاکت اولوب فاسم وفاقوام  
دوزد لدی ہر جب بنیدہ قطره قطره  
کسلدی نطقی داخی شردن چکلدی کنار  
ایکیتی قارہ باشینیردن سالان حاجی  
قربان دلوم او گوز یا شوق کل قیاقتمہ  
شاہ مدنیہ دن تیش وقتہ بو خطاب  
جان ایگز جیدر کرار قار داشم  
علا کہہ انکدن قارمان اوزم سنگا

[illegible]

ایندی  
ایده طونده چو اغان زنی پارسه دیار  
کادان لیساک بیون قاشی ایده دله  
کلاو غلور زامان کور باکاد  
لوب کوزون یاشی از غلای ابر  
قبا قلوب دیدی از غلای ابر  
لوسوزده داغل اولوب خیمه فایز  
نام بکری قوی یادست کوسوزده  
قادی پارسه



۲۱۲

ایستد طوی آدینی باشنه کلک  
یارالاریندن اونون هیچ کیسوتان  
جهاندا طوی ایوی آباد لار یار  
ایستد طوی سوزینی فاطمه حکوانه  
کلک فغانه دیدی ای باشی ملازی  
نه انیکه خلعتی تارداش قراسی سینه داغ  
اگر قبول ایلم طوی سوزین می من  
بویرد زینب نالان بویشده ارجمت  
یزید ظلمی کرک اولسون اهل عالمه فاش  
جمال قاسم ایلین زینت عروس اولون  
یارالواسد قبولون بومردن چغان  
یتوردی سوزلرین اتمامه زینب یوس  
اگر مراد دل ساعداق دار آتامون  
بی بونوعیلده دور خواش اامرن  
سوزدن قبول ایدرم گرچه غم ساهم

ماطوبدی قاننه طوی گورین علی کبر  
بوسوز لردن می یاندردی ایون فاکانه  
صفا کوردت کی شاد اولانلار یار  
دشدر دت برگین دوشدی دزدک احو  
ادغول فراقی ایلین سینه سی یار الوی  
عروس اولوب چکه لر عمه جان نریغ  
قولیده آدمی قیزلار زماذه بیعار  
بوگون اسیر اوله جک خ نفر خانم عورت  
جداد اوسته گیده شام ثویمش باش  
دشدر دت برگین دوشدی دزدک احو  
غریب آتما داغولینردی خاطرین چغان  
جواب میدی بونوعیلده بخت تار جوس  
کینزیم قزیم احتیاساری دار اتامون  
علاج بوخ کرک اولسون اطاعت فرمان  
بوشر طین که اوزندن برالتاسم

ایستد طوی آدینی باشنه کلک  
یارالاریندن اونون هیچ کیسوتان  
جهاندا طوی ایوی آباد لار یار  
ایستد طوی سوزینی فاطمه حکوانه  
کلک فغانه دیدی ای باشی ملازی  
نه انیکه خلعتی تارداش قراسی سینه داغ  
اگر قبول ایلم طوی سوزین می من  
بویرد زینب نالان بویشده ارجمت  
یزید ظلمی کرک اولسون اهل عالمه فاش  
جمال قاسم ایلین زینت عروس اولون  
یارالواسد قبولون بومردن چغان  
یتوردی سوزلرین اتمامه زینب یوس  
اگر مراد دل ساعداق دار آتامون  
بی بونوعیلده دور خواش اامرن  
سوزدن قبول ایدرم گرچه غم ساهم

جنایات  
احوال

۲۱۳

مرتب ایلمه لریرجه اسسین زنجیر  
دلیه شمرده داراوندان استیوب لام  
گلوب حصور اما زمانه قیلدی بیان  
اگر چه خوار ایلیو بدورنی زنجیر حاجی  
دایا نیمون میون طوی ساطین ماده  
بو طوید اکیمه لر قزنی ضاد کلک  
ادغول آتاسی منم دوشمنه کبره  
بوگون جوان بلاما طویدی سچکشان  
عروس فاطمه تارون دیزن سب  
بعقیدن گل خیر لست آنام زهرا  
امام حکمی ایلین قیلدی ایل تیغیر  
اولوبت ارکه مشول اسپین سیم  
گلوب اوسروره گو یا قیل بو غرضی  
نه حاله مصیبت طویدی داوطلا  
بو قدر خوار ایلیمه شانزاده و غولوم

نه فقره و زطلای ایل اولما سون تصویر  
علا و بسله قیدین من اوز دقلم لام  
چو آلدی فاطمه دن اذن زینب نالان  
بویرد دی شام ام ای دزیکانه حاجی  
منم بو آخر کا ممد و دار دنیا ده  
آچوبت لری باشان تمام اهل حم  
اگر قشون قریوب قاز غرق الوعیا  
حرطه دیکن باشه قار باغدا ماسون  
گور دت ارک شادی تیغیر شرت  
بوگون کرک اولایر طوی بو دشت با  
اودمه زینب بخت قر ابدیده تر  
دگوب بی برینه بانوان اهل حم  
اولاند اامردن اگاه سر آغلادغان  
ایشیدیم بلاما طوی دو تورسان  
اگر چه دایره استاده و غولوم

ایستد طوی آدینی باشنه کلک  
یارالاریندن اونون هیچ کیسوتان  
جهاندا طوی ایوی آباد لار یار  
ایستد طوی سوزینی فاطمه حکوانه  
کلک فغانه دیدی ای باشی ملازی  
نه انیکه خلعتی تارداش قراسی سینه داغ  
اگر قبول ایلم طوی سوزین می من  
بویرد زینب نالان بویشده ارجمت  
یزید ظلمی کرک اولسون اهل عالمه فاش  
جمال قاسم ایلین زینت عروس اولون  
یارالواسد قبولون بومردن چغان  
یتوردی سوزلرین اتمامه زینب یوس  
اگر مراد دل ساعداق دار آتامون  
بی بونوعیلده دور خواش اامرن  
سوزدن قبول ایدرم گرچه غم ساهم

جنایات  
احوال

ایستد طوی آدینی باشنه کلک  
یارالاریندن اونون هیچ کیسوتان  
جهاندا طوی ایوی آباد لار یار  
ایستد طوی سوزینی فاطمه حکوانه  
کلک فغانه دیدی ای باشی ملازی  
نه انیکه خلعتی تارداش قراسی سینه داغ  
اگر قبول ایلم طوی سوزین می من  
بویرد زینب نالان بویشده ارجمت  
یزید ظلمی کرک اولسون اهل عالمه فاش  
جمال قاسم ایلین زینت عروس اولون  
یارالواسد قبولون بومردن چغان  
یتوردی سوزلرین اتمامه زینب یوس  
اگر مراد دل ساعداق دار آتامون  
بی بونوعیلده دور خواش اامرن  
سوزدن قبول ایدرم گرچه غم ساهم



اینکه در این کتاب آمده است که در روز قیامت هر کس که در این کتاب بخواند...

قرن و یکم از زمانه دوت آرم  
قرن و یکم از زمانه دوت آرم  
اگر چه مایه قوزم انصار و یادیم یزد  
اگر چه مایه قوزم انصار و یادیم یزد  
بر پر طالی طایختم انبیا کله جک  
بر پر طالی طایختم انبیا کله جک  
غرض حکم امام امم او صحه اده  
غرض حکم امام امم او صحه اده  
عرومه بر دیر زینت نبات اکرول  
عرومه بر دیر زینت نبات اکرول  
قویوت قیقه صندوش عرس  
قویوت قیقه صندوش عرس  
آچانه البچه فی شاهنشده حجاز دمن  
آچانه البچه فی شاهنشده حجاز دمن  
با خوب رخ آغلا دی بجه حصر انداز  
با خوب رخ آغلا دی بجه حصر انداز  
ویردوب عیله این فرق قاسمیه کو  
ویردوب عیله این فرق قاسمیه کو  
بلس اولدی بلس امام این داه  
بلس اولدی بلس امام این داه  
دغای عهدی چون اول که در حرم هی  
دغای عهدی چون اول که در حرم هی  
وکیل اولو طیفند انام فوز و فلاح  
وکیل اولو طیفند انام فوز و فلاح  
ای اسم پاک اولان ساقی شیر آ  
ای اسم پاک اولان ساقی شیر آ  
ای بیتی بر بنه هر دماهی چون کلیم  
ای بیتی بر بنه هر دماهی چون کلیم

اینکه در این کتاب آمده است که در روز قیامت هر کس که در این کتاب بخواند...

اینکه در این کتاب آمده است که در روز قیامت هر کس که در این کتاب بخواند...

شیرین دانش کله گل خوش مقاله گل  
شیرین دانش کله گل خوش مقاله گل  
قیقه و نغمه یمن قرینه بخشی خوش صفا  
قیقه و نغمه یمن قرینه بخشی خوش صفا  
بیر آد قویوسن او ستمه عالم دیر عروس  
بیر آد قویوسن او ستمه عالم دیر عروس  
من بخت قاره سن کوزی نیاده نامراد  
من بخت قاره سن کوزی نیاده نامراد  
طوی محبند آغلاماق بر گزردو گل  
طوی محبند آغلاماق بر گزردو گل  
بدین اولور تو کول اگر طوی کوز باشت  
بدین اولور تو کول اگر طوی کوز باشت  
دنیا ده قیز آدیم کلین اولد او زومیل  
دنیا ده قیز آدیم کلین اولد او زومیل  
کویاز با سخا لیل بور کوز یا ششم دیر  
کویاز با سخا لیل بور کوز یا ششم دیر  
معلوم اولور عس او غلی کشا بون یکا  
معلوم اولور عس او غلی کشا بون یکا  
بیرایشن طالو باشو کله دلیله خلق  
بیرایشن طالو باشو کله دلیله خلق  
ویردی جواب عسینه قاسم طالین  
ویردی جواب عسینه قاسم طالین  
ای بخت قاره دوزخ عیشرت مقایده  
ای بخت قاره دوزخ عیشرت مقایده  
یا لقوز باشم دارید سلامت رخم  
یا لقوز باشم دارید سلامت رخم  
عیب ایتمه آغلا سام منه تا شر عشقه  
عیب ایتمه آغلا سام منه تا شر عشقه  
حور و قصور جنت طوبانی نیلرم  
حور و قصور جنت طوبانی نیلرم

اینکه در این کتاب آمده است که در روز قیامت هر کس که در این کتاب بخواند...

اینکه در این کتاب آمده است که در روز قیامت هر کس که در این کتاب بخواند...



نام غلامه... دیلمی نام...  
نام غلامه... دیلمی نام...  
نام غلامه... دیلمی نام...

دو ششیر کوز پاشینی سپ جالوه  
تو که ی عرو و سخت ترا شک خزن  
بی اعتبار قوی آید بی سن مانده  
صحرا یه دوشمسم قوی مانده خشن  
عاشق را چهره شهرت ایدم بر باله  
ز سحره شهرت ایدم بر باله  
قرخ کون پایده کرک و در میانه سنده  
کر مایه تمام خرابه بیدار  
قیلام همیشه با شون اولگ نیره نی طون  
قاسم عرو و قیلدی نظر دیدی سی  
باشیم قباچه کلدی شاد کوفدن  
هرگز عرو و غلی ای دیون غلامه  
تا صبحه دین کشیک اولوب آستیا نه  
دیرانه لوده یا تن اگر با پانوم  
دورام خرابه نون قاپوند جبار

نام غلامه... دیلمی نام...  
نام غلامه... دیلمی نام...  
نام غلامه... دیلمی نام...

نام غلامه... دیلمی نام...  
نام غلامه... دیلمی نام...  
نام غلامه... دیلمی نام...

چکوب خبازه می آغوشه اید آه و فغان  
چون نقش اهل عالمه طومار یاز و یلر  
هکنا خانه لنگون کار کن لری  
چرخ گل جاله و دتیار آینه جال  
فاخر بهاسی دیردی فلک نو جوانه  
تعیین ایدوب انار ایچون کام کوگی  
هاسی عرو و سی ناده عریانه سنده  
هاسی عرو و سی قودیلیر ایل خرابه  
بیل لری گل آدستنه قوتنی سرده  
طوقینه طوی علامتی ایلن تپاش  
کتاب حسنه مشاطه عریس غم  
زمین کرک بلا ایچره یوم عاشورا  
در دن خیمه ده داماد ایلن عرو و حکا  
کلند نعلین من مبارز اعدا دن  
ایاقه دوردی بریدن کل ریاض فاع

نام غلامه... دیلمی نام...  
نام غلامه... دیلمی نام...  
نام غلامه... دیلمی نام...

جنات احوال

نام غلامه... دیلمی نام...  
نام غلامه... دیلمی نام...  
نام غلامه... دیلمی نام...















ایمانی بود و در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران

باید و دردی بود و دردی ای دلبرم  
ای خلعت الوانی نوش ای سرین

عروس عرض ای ای هزاره حنبت  
خوشا سعادته اولدی آخره حنبت

اولد و بگویند افح نعمت خطایه سزاوار  
بیرکنه خزانه قوری بر دور قوری یوار

مجلس سیم وداع

مشرعان تصاریف قصه هجران  
کتاب غده وقایع نگار در ذوق  
وداع دقایق عروس سید قیلدی از دنیا  
دیردی بر برینه در دینی ایکی دلدار  
دیدم که ای ایلمن عیشیمی چانه تبار  
فلک آراهنه دنیا ده ایرلیوق سالدی  
کوکلده گزلین اولان دیمی عیانه کور

ای که در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران

خواجه دانه دار و دانی نامی باک  
خواجه دانه دار و دانی نامی باک  
خواجه دانه دار و دانی نامی باک  
خواجه دانه دار و دانی نامی باک

غنچه یار غار چکان سیل قان ابرون  
صدر رسیده تماشا ایله بزم عشرتی  
فرش تب عطر نسبت بزم وجهه نور  
دیده عارلمده هر بر صید بر صیاد اولور  
زخم ساغر دور شراب و ساقی شردن  
قولارون بخیر این باغ غنمش اولور  
زلخون زنجیری سال بوینه بنزاد اولور  
من شهبه عشق یارم مامند صبح شام

غرض نامه یوب صحبت زمان صال  
کمال خرنیلد آرمه دار بر شام حال

خزان توب یکه مبسب سارون کجی  
وصال غنچه فی ترک ایتدی عند لبین  
یتدی سمعه ارج صلی باقدن  
کش کشید چکو چنه جمال و جمال  
زمین ماری فی لاله زار قیاق ایچون  
نکار لاله رخ کله دارون کجی

ای که در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران

جناب سقا

ای که در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران  
ای که در میان آن بزرگواران







صدای ابدی در دوزخ و سوزی دل  
باغوب کو چهل ایغین دهنان  
چاقوری کیسند در دوزخ  
گلور خنجر زان غلظت است  
باغوب بهترین دوزخی که بود

دکلمی منسجم جهان ایچره ننگ  
ایدم طفلستان ایله حرب جنگ  
خطاب ایتدی ای ارزق بهیات  
اوشاق صانما بونو جوان رشید

شجاعت بولاده بالذات دور  
اگر چکمه بر نغره حیدری  
قدم قوی میانه بهرستیز  
القرایله استیغ بلا  
خیال ایتد بر طفل دورنی سوار  
سرشت رشادته مافی الرحمن  
سوزده سرشتونده ای پهن  
گرا دل شجاعت گیدوب ایلاد

بورقرفیدن اولدی ارزق کباب  
ایدوب بارار قم کیمی چیچ و تاب  
اوروب ال له نفس چکدی حیث  
چکوب سون اولوبان لحن  
اگر مانعیم اولما سیدی بو عا  
دید ای استمک درینا دریغ  
منی طفل نادانه دوتون لحن  
که ارزق ییدوب طفل امین کارزار

ایک بلدی اول خالسی تاج  
ایک بلدی اول خالسی تاج  
ایک بلدی اول خالسی تاج  
ایک بلدی اول خالسی تاج

دوبه خاوار ایشیم از غلبه ناز  
بوجالت جوش و فاختی  
ایدم جلدی غصه ای چوب  
قضا سولیدی حیرت جاب  
عقلدن مکن سادان  
چون چوب زین تابان  
ایدم جلدی غصه ای چوب  
قضا سولیدی حیرت جاب

روان ایلدی با ساس تمام  
یوتوب پور ارزق بهیا هوکنان  
مقابل دوبرور و به شیر مست  
قیلوب حمله طعن و سنان جفا  
نکاح ویردی شهباز دشمن کجا  
اوروب خصمه اوز نیره سین میکن  
اولاندا هم اغوش خاک سیاه  
اچلیدی سحرخی چون خارشپ  
ات اوسته اوشباز حرج بلند  
چکوب قتر ایلد یا علی نفس  
بورقرفیدن اولدی ارزق کباب  
نکاح ویردی فسرزند میر حجاز  
گمان ایتدی لرا شقیات شگری  
بو حالته دل کان عز و شرف  
خطاب ایتدی بیر باخ منه حسین  
که قاسمدن آلیا قلفه نقتام  
یولین کسیدی قاسم چو شیرین  
آلوب تیزه و باه الوب پیشیت  
اتوب نیره سین اول شرب بلا  
جدانی ایسندن چخاردی کنا  
استدان بره ایلدی سترگون  
باشند انکاره دوشو طاس کلاه  
توکلیدی بره کاکل بهرشت  
قیلوب پنجه بین کاکل خصمه بند  
بلند ایتدی اله کبر سی  
دولان ویردی میدانی سترپا  
گو تور دی ال اوسته باشند از  
که گویا قوپاردی علی خیسری  
دونوب باجندی بر خیمه کاهه طرف  
نجه غالبسم دشمنه یا حسین

صدای ابدی در دوزخ و سوزی دل  
باغوب کو چهل ایغین دهنان  
چاقوری کیسند در دوزخ  
گلور خنجر زان غلظت است  
باغوب بهترین دوزخی که بود

ایک بلدی اول خالسی تاج  
ایک بلدی اول خالسی تاج  
ایک بلدی اول خالسی تاج  
ایک بلدی اول خالسی تاج

ایک بلدی اول خالسی تاج  
ایک بلدی اول خالسی تاج  
ایک بلدی اول خالسی تاج  
ایک بلدی اول خالسی تاج



در آید ای سلامتی عالمی  
 مال و تن و نفس و جان و مال  
 ایمن کن از هر دزدی و دزدی  
 ایمن کن از هر دزدی و دزدی  
 ایمن کن از هر دزدی و دزدی  
 ایمن کن از هر دزدی و دزدی

بسم الله الرحمن الرحیم  
 الحمد لله رب العالمین  
 ربنا انک انت علام الغیوب

بسم الله الرحمن الرحیم  
 الحمد لله رب العالمین  
 ربنا انک انت علام الغیوب

بسم الله الرحمن الرحیم  
 الحمد لله رب العالمین  
 ربنا انک انت علام الغیوب

بسم الله الرحمن الرحیم  
 الحمد لله رب العالمین  
 ربنا انک انت علام الغیوب

بسم الله الرحمن الرحیم  
 الحمد لله رب العالمین  
 ربنا انک انت علام الغیوب

نه گوردی از زرق بدین دکان فرعون  
 دو لایه بر بوی زین خیمه چشم برب  
 که اسی نام قری زین خیمه چشم برب  
 باشد تبار بقیون تمام ایل حرم  
 یتیم او شاد قاری جمع ایلد باشو بر دم  
 دعایه ال کتور و صدیکه دیون این  
 بر سوزدن ایل حرم چکدی جمله ناله آه  
 الین کو توردی امام امم مناجات  
 دیردی بار خدایا بو حالیم حرمته  
 دشمن قوی بنده و فالو عباسون  
 بلا لوز میمون زلف عنبر افشانی  
 یتیم قزلار میمون زلف عنبر افشانی

دعا ایدرد امام امم کمال عین  
 دیردی آل علی سوز قلب امین امین  
 نه گوردی بر بوی زین خیمه چشم برب  
 بو یوردی سرور بطحا بو خون جگر کیدرد

بسم الله الرحمن الرحیم  
 الحمد لله رب العالمین  
 ربنا انک انت علام الغیوب

و باکی کتور و بوی زین خیمه چشم برب  
 خطا بکیدی از بوی زین خیمه چشم برب  
 خطا بکیدی از بوی زین خیمه چشم برب  
 خطا بکیدی از بوی زین خیمه چشم برب

ضیغم بر پهنم صدف شکر شکم  
 یکرین فعل نمندید اولوز هر شکاف  
 قیلا مندن بیلده بیوده سوال ای افر  
 او غلغون قاننه غلطان بیلدو زنگر  
 ضرب بر خیمه بازوی کوبدو دروغون  
 تو بتوند و کید چکس بلیوم سیرا  
 رقم قلوئی قاسم آدینه خرخ یازو  
 پنج گوذ و سوسوزام ایچمه شمش آب فرا  
 کر بلا شاهی عموم چون منی امادایوب  
 شعله قار اطلاق قار نام قار کوب  
 اتامون بر نغزایت کلو غریز او غلی سم  
 بر جوان ششنه جگر سیل ملا کیمی قش

صدف لطفه و سر سوز و بوی یتیم  
 ایسته سون بو سوزی کلا شعرا دن خیرال  
 تمام ایدنده سوزی قاسم دفا آیین  
 چکوب زبانه جنت تک ازرق بیدین

بسم الله الرحمن الرحیم  
 الحمد لله رب العالمین  
 ربنا انک انت علام الغیوب

جناب قاسم  
 شهادت

جناب قاسم  
 شهادت

جناب قاسم  
 شهادت

جناب قاسم  
 شهادت

جناب قاسم  
 شهادت



















































بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان

شبه مصطفی حسرت ناکام علی کبر  
عموم عیال تشنه فرات تشنه سید  
یا نارسوز عطش دهن خیمه کرده آن سیمه  
دو تو هم سوز گشت کار و قلمون افسانه

سکینه قمری نالان کمی فریاد اید بر مردم  
بولنده آرموب سن تک جوان سر قاتل

تمام اید و بجزین ابن سرور لولک  
سوزنده کلمه غم قتال و دعوی  
ادوب بصیر تو کور قالمو حیران  
ایدند جسد جالی عیان لولک

توکوب سجاری کلا اوزمه کافر  
دیر دیر که کلوب کر بلا یه سیمپه

ز باخ حال اشتیاق در وصف حضرت علی اکبر

عارض هست باد وریالاله اهدا  
قد موز و ندو ویا که شاخه طوبی دبو

بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان

بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان

بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان

اید لیران عرب سبط شیطانی دبو  
اشتباه دو شیمون ایقوم پیغمبر گل  
باشمی کرده صفات احمد امین نصف  
یا دکار مرتضی آرام قلب محبت  
نادر او خلی حسین اکبر یوسف حال  
اهل کوفه ابن سبط طاهر و یردی جواب  
سویله اولی حمیت شوکت دنیا دبو  
کر کلمه میدانه یوز پیغمبر ادرک کرک  
باخاق اولماز مصطفی مرتضی وحیده  
قتل اولاد علی اولمش من چون فرض عین  
سر و قدین پاره پاره دو غریب آن سالک

عرض سر و کلزار دین مبین  
گل گلشن قاتل المشرکین  
غزال حرم کجک باغ جنان  
دور و صد زین اوست چون آفتاب

بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان

بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان  
بناست نوبت کز کوفیان  
چند سبب از این جهان















بیاغی که در کتب قدیمه از او یاد شده است  
و در کتب دیگر از او یاد شده است  
و در کتب دیگر از او یاد شده است  
و در کتب دیگر از او یاد شده است

سبب اولدی که سر لوحه یازدهم قیام  
که در مذہب اولسون طلائین قرآن  
نه نوع ذکر ایوم آه واد واد

نامه نوشتن جناب علی اکبر در صحرائی که بلانجو اچرد فاطمه صغری

سلام اولاسنگا بکین حاجی امان اولوم  
دخا ایشم قوتاروب خدی منده جال اولوم  
یتوبد و آخره عسیریم دخی جوان اولوم  
بونا مراد ایوب حالیمی بیان اولوم  
جوانلو قیده اولوب قایمتم کمان اولوم  
خایرین اولوب لایقیکه قان اولوم  
گیندیر یولاسالیدی و ناتوان اولوم  
کوبد و یولاری قیوم کوفیان اولوم  
نه چاره قویا دیلار شریک سنان اولوم  
دخی دیر میکه یوخدی برکجان اولوم  
اولوب خطابتم خجروستان اولوم  
کوکله در دوشم و نوزش نمان اولوم

جناب علی اکبر  
احوال

خداوندی بانه سواد و  
ان سواد و سواد و  
ان سواد و سواد و  
ان سواد و سواد و

خداوندی بانه سواد و  
ان سواد و سواد و  
ان سواد و سواد و  
ان سواد و سواد و

بیاغی که در کتب قدیمه از او یاد شده است  
و در کتب دیگر از او یاد شده است  
و در کتب دیگر از او یاد شده است  
و در کتب دیگر از او یاد شده است

بیج کوی محبت قیتل قوم ظلم  
خیا مظاهره ز خمدار جانی این  
ایدوب کتات مضمون نامه لی اتمام  
کرای اسیر گیدن شکره بنوا خواهر  
دیوب بوسوزاری قیتلک دوع المجرم  
گورنده اغیوب آخرداغنی یسیر  
اودشکته سحران بلا و درده اسیر  
صبر ایله کتمه حسرت دیداروم اغول  
بیردم قیتلوم دو یونجه نظر بوکل بوروم  
شملاکوزدن بو سمت لاندی نظر اغول  
اول منی قاشون قلی این شهید ایله  
کوکلوم قوشی اسیر دوز لغون کینینه  
مرغ خیال دانه خالون بو اسینه  
گوز نورسین گوز وید اوزان کیمه برن  
ای یوسفم اگرچه شکلا چوخدی شتری

جناب علی اکبر  
احوال

خداوندی بانه سواد و  
ان سواد و سواد و  
ان سواد و سواد و  
ان سواد و سواد و

خداوندی بانه سواد و  
ان سواد و سواد و  
ان سواد و سواد و  
ان سواد و سواد و







نظا سید اوخ آتا غار و دوتون بیجا  
اگر بودی در کوه بید  
بوسوزده غنچه کله ی تمام تر اند  
قشون چو سیل بلا بر نغز غریب و جید  
اد قدر حسنه انگشتی تر ظلم و جفا  
کله ی طاقی چون کندی قان ریانه  
بیلند حالتی منقذ بن نه شوم  
اولیدی کاشش و لیم لاله داهنا  
یتدی فسه قنه جانی اوز خمدن نام  
چو فرق اکبر شهزاده ز خمدن اولد  
آچلدی خرم کل گویا زبان سحر  
پلدی برگ کل اوسته لاله دراله  
داغلدی نقره صفا اوسته شده مرخا  
ز غنچه دگل در جان ژاله دلاله  
ریاض جنت ارمصطفی جالینه

تو کون بوسیر نغزون اوسته تر بار  
او چان قوش اولده ممکن دگل بولیه چا  
دیزین در بره اوج بین لعین تیر اند  
یار الو سینه سنی قیلد یار خدنگه شان  
اکورن یردی کپر وانه پر آچ غنقا  
کناره بسته ی چنچون قشون آراشد  
ایسند تیغ بر سنه قفادن ایتدی هجوم  
قیلچ اورانده حواله اوسر شوم دغا  
باباسی حیدر کراتک یار لالانده  
جهان غم آتشد یاندی پر شرار اولد  
معطر ایلدی گلزاری عطر بار اولد  
اودم که قان رخ گلبرگه تک نار اولد  
غنیمت ایست ایچون شتری عیان اولد  
عشرت دیدیم که گلستان لاله زار اولد  
نثار گوهر یاقوت ابدار اولد

غرض شیبز اوز خمدن خمدن  
نخلدی زین غنچه اوسته تر خمدن  
ایده ایکی قونیه کیم خمدن  
خطاب قیلدی کیم خمدن  
دالنده باغلا گلشن خمدن  
چاپ بوسوزده غنچه خمدن  
رایجی بوسوزده غنچه خمدن  
نورانی خمدن خمدن

گوزنده قاندا غور کیم خمدن  
قورلدی ز غنچه خمدن  
برای کیم خمدن  
دانشیون کیم خمدن  
برای کیم خمدن  
دور و جاکا کل شکسته خمدن  
تو کیم خمدن  
برای کیم خمدن  
خایا خمدن  
برای کیم خمدن  
اناسی اوسلدی قونیه خمدن  
برای کیم خمدن

اولن زمانده ایتورونده بخشی کاره منی  
هلاک ایدو قوریان قانیده عامه منی  
ز بسکه قان قوریوب بخجده در جابه  
اجل کلوب پورن قنده تمامه منی  
دولاندی سمت خایه کیدردی شینه نانی  
کیدردی سر عین دته لار آراشد  
ایوزی اشاقات اوسته یار الو شجده  
ایکیمی ادراردی هولندن کیمی ساقندن  
کیمی محمود یله که تادک سناسین  
حسین فاطمه فرزند نیون سراسی بود  
مقام عشقه عاشق درون جزای بود  
تمام شیع لرون یایه عراسی بود  
یاراچوخ ایتیم تاریمون ضایع بود  
اوقوم ددن آراشدن تیشدی برشون  
تمام رحمة کلوب یار قیلد یار بنیاد

قباقچه یردی یتیم پشوا از میسه چنچون  
قبله لانا با شمون یاره سینه باخون نام  
باسی بد مندن باجم بویوند درون  
دوباره قانلو گوزیم بر سینه فی کورون  
اولوب ب مطبله حالی اوباد فاجوان  
اولوردی قان اوخچون روان یارشد  
دولوب ایکی کوزینه قان جان علی کبر  
کیچنده هر کون اول نوجوان قاتندن  
کیمی ادراردی لشمشیر جانتانین  
دیردی بخشی اوردون دریمون دوشی  
محبت ایل کرکد در بلاد انجبه سون  
کرک عزاد و تولا کر بلا مصیبتنه  
اوردون قدر اوار سوز باقوم قرققا  
دیردی بوسوزی بحر عینی کلوب جوشه  
یانشد احاضرایدی اول جاعون عجم را

جناب علی  
احوال

برای کیم خمدن  
اناسی اولده قاندا خمدن  
اوش سینه قاندا خمدن  
خیال قیلدی بوسه خمدن  
دیددی اناسی خمدن  
یار الویم اولدیم کل میانه خمدن

ات اوسته تر خمدن  
اولن بود لایم خمدن  
اوقوم ددن آراشدن تیشدی برشون  
تمام رحمة کلوب یار قیلد یار بنیاد



اعلامه ان ایوب در میان  
فی المثل ایوب در میان  
ایوب در میان

ایوب در میان  
ایوب در میان

جوانی او در میان البسته حق رخصا  
تو کوب قبحاری اول کرده کنه خصال  
بوا و ناله و یعقوب عسقلانی شوم  
دیدم بکون جوانی لیسیده بر دم  
یتیمی قهر تمام سید اول سکن  
تو یون بشتون او غول سوزانا آنا سینه  
تمام آغلا و میرا الله آتوب دستمال  
ایسند خنجر عریان بریند ایتدی بجم  
اگر قوایم آنا گورسون جاندا نامردم  
باخوب گوردی بخلش آت وسته بر جان

گوردی صدر زینده بر لب رخسار یاقوت  
قدی چو سر و سنوبر گردنی بنیایا توب

لمعه نوری قالحاق فوق عرشه قریب  
کیم ابو القاسم محمد دور بخش و یکن  
یا علی المرتضی در گوشه محرابه  
کویا بر صورت کیمش تمام انبیا  
اغزی قاشیلن دولوب کلبر عسقلان  
خطی چون تشدید تن قل هو الله احد  
زلفی قانن ملون فکر ایدردی گون  
صفی رخساری گنج حسن صنع الله اید  
ایوب کرب بلا فی وادی بنیایا توب  
یا که عرش فرشت اید و اول شاه داد اید  
پیشوائی والذین جاهدوا فینا یا توب  
جمله بر حسین باطنه انبیا  
سویور و فرقا و اخوت و اخر غایا  
قاشکاری چون فی انبیا گنج یا توب  
سارما شوگر بر سینه چیه نبی یا توب  
بلکس گنج اوسته ای مار ایوب سکی یا توب

ایوب در میان  
ایوب در میان

ایوب در میان  
ایوب در میان

ایوب در میان  
ایوب در میان

بوحاشیه ایوب در میان  
ایوب در میان

فوج ایسند آینه گور سواد  
قرانه باخ یا تان بره باخ جسم جانی باخ  
دور باشم اوسته ایلد قاشکاری  
باغلا کسن زبان دیمسم ال یا معنی  
خنز ایلد جبریدی قربان گورمین  
قوی تربت اوسته یوزمی کر بلا دیر  
جان ویر منم کلجه سن ایشاه کر بلا  
برده سفارشش ایلد مشم نوحه خا  
قائید سرمد چک کوزمیه بر عطا یکل  
شوق آرتور و باخنده بوکوی قاید  
گور ذوق و اشتیاقی ذوق صفیه  
از سکه خنجر عسقلانی سن رضایکل  
الما عوض غنم ایلد جود و بخا یکل  
باخ اعلیون و فاسنه حمد و شاکل  
او غلن اولور بو جلد کفن سیر عاکل  
قمری غنم ایمه کورمه کر بلا

بیلنده او غلنن احوالی امام زمان  
کسکدی دیز لر سنون طاقی کید آرم

اوشدیرد او لرین چکدی آه ایشار  
رکابون اوسته و بره ویردی شیه  
سور و آت و لانوردی فضای سید  
باخاردی خنجر و تیغ برهنه عریان  
که بلکه نیزه ادجی یا طبعه تان یا پون  
کمال سر عین ذوا انجاده و لدی  
یتدی شکر کفار مثل طایر تیز  
کزدی یوسفین آخار ماقه سیاه  
کوره که مانسی قلعه قلند الوان  
اد قانید بالاسندان کز و تان تان

ایوب در میان  
ایوب در میان

ایوب در میان  
ایوب در میان

ایوب در میان  
ایوب در میان







رضا قضایه در دلبسته نامی که در این عالم کجاست از کجاست  
خداوندی که در این عالم کجاست از کجاست  
ایمان منان ایلم او در این عالم کجاست از کجاست  
نام تقدیری که در این عالم کجاست از کجاست  
سوز دینی که در این عالم کجاست از کجاست  
تمام عالم ایچون که در این عالم کجاست از کجاست  
براق در دین که در این عالم کجاست از کجاست  
جلال در دین که در این عالم کجاست از کجاست

باغبان و طغیان در روی ایلک طغیان  
بویاندی قاضی علیه من و غلن جعفر  
سوز عمنون شدانی چار دی وید  
غرض و طغیان ال اوسته آلبان  
خطاب قلیدی که ایقونم ناکس خدار  
منم او که وجودیم سراج انور  
صفات ذات سرشده نطفه پاکم  
فروع نور تجلی رادی طورم  
تمام حاصلق اسد بچیده مستازم  
منم الیده در دوران گنبد دوار  
منم وجود عین در ثبات ارض مهادر  
من اولماسام داغور عالم ساد  
من اولماسام کل اولمانه کلتان  
رسوله جای نشینم و کیم الفهمه  
منم الیده در عالمه ارتق قیامور

اصغر  
جناب علی  
احوال

تمام قیام در این عالم کجاست از کجاست  
جلیب محمد علی در این عالم کجاست از کجاست  
آنان شیشه خلیفه در این عالم کجاست از کجاست  
یکه که در این عالم کجاست از کجاست  
اصده و صفه در این عالم کجاست از کجاست  
وصی ختم در این عالم کجاست از کجاست  
فان قاضی در این عالم کجاست از کجاست

برادر من که در این عالم کجاست از کجاست  
برادر من که در این عالم کجاست از کجاست  
برادر من که در این عالم کجاست از کجاست  
برادر من که در این عالم کجاست از کجاست  
برادر من که در این عالم کجاست از کجاست  
برادر من که در این عالم کجاست از کجاست  
برادر من که در این عالم کجاست از کجاست

بوصالده از شادمانی که در این عالم کجاست از کجاست  
قائیدی شرم که در این عالم کجاست از کجاست  
بوصالده از شادمانی که در این عالم کجاست از کجاست  
قائیدی شرم که در این عالم کجاست از کجاست  
بوصالده از شادمانی که در این عالم کجاست از کجاست  
قائیدی شرم که در این عالم کجاست از کجاست  
بوصالده از شادمانی که در این عالم کجاست از کجاست

اوزون زمانه امامی سپردن نرهمی  
ایمن وحی حسد او ند جبریل امین  
الوب قنادینه قناتی کید و حبشه  
جلال رتبه ده سوز یوخ نجه قیلوم انکار  
ولی حکومت دنیا به صادمه آخرتی  
حسین بکس بی یاور اولدوقین سلوم  
اوشا قلو قنده سنگانده کرا اولدوقین سلوم  
زیار تونده ملا سکر اولدوقین سلوم  
یریدر و سیون کافرا اولدوقین سلوم  
کسم بوغازیسی بوخبر اولدوقین سلوم

بویوردی شمر شکاره سرور ابرار  
یقین سینه دوته جاک قهر قار قبا  
بوش کون عمرده دنیا نون غزو جاشی  
اگر مرادنه چاتسا جاند اظالمدر  
منی گرا دلدره سوز اولدوقین ضایم  
سوال قیلدی اولمغون ظالم مغرور  
بویوردی سرور بطحا ایبا شریانام  
معین و یاور می ایلدور شهید تمام  
خجالتی بر صغیر و نعره ایبا شدن  
اودوبدی اوج کجه کوندور می و قیاب

بویوردی سرور بطحا ایبا شریانام  
معین و یاور می ایلدور شهید تمام  
خجالتی بر صغیر و نعره ایبا شدن  
اودوبدی اوج کجه کوندور می و قیاب

کونجه الان علاج خوار  
سلسله حاشی که در این عالم کجاست از کجاست  
باقصا بر دیار ایچون که در این عالم کجاست از کجاست  
یاره دارم

اصغر  
جناب علی  
شهادت

نمن اشک چو شوی قیام بکس  
تانی دار جو موده حاضر من قیام بکس  
من اوجسم زار دی بی قیام بکس  
ایتر من او غلو ایچون که در این عالم کجاست از کجاست  
من سنی هم او غلو ایچون که در این عالم کجاست از کجاست  
قانه عطا نذر در در و باره شهادت  
من سون قربانوی قیام بکس  
ما یمنو بدور اوج که در این عالم کجاست از کجاست  
کونجه الان علاج خوار  
سلسله حاشی که در این عالم کجاست از کجاست  
باقصا بر دیار ایچون که در این عالم کجاست از کجاست  
یاره دارم



نارنگ بوغاز امانه کی بر خوار است  
اما تو که کسوف را بر سر غلجی  
نصفین یا غیب عالمه نصفین  
ادامه کسوف را بر سر غلجی  
نصفین یا غیب عالمه نصفین  
ادامه کسوف را بر سر غلجی

یاره اورام قلبه طلیعه یابند و رام سنی  
دیوب بر سوزری اول نا بکج خجیان  
جنا خدی چوب دست پر خطانند  
بر اولدی حلقه دکنده مطلق پنهان  
ایده نخراد پکیان سوسوز بوغازی  
با خوب آتانه بر گولدی آغلادی کنه را  
دود افکاری دگوبن بر بره گوزی آغدی  
ایده حستین سمت خیمه گاهه نگاه  
با خوب اطفله کباب اولدی تلبان

ز باخالیسه گویا او گوهر نایب  
مناسب ایدی دیر یه بود لر لیه خطاب

قربان اولوم بو حاله ای چغان بابا  
کولدم بطلبه کسون تک آتامنی  
شکر ایلرم چار علی اکبر ببا قیمة  
عباس عموم کوزمیدن او پرنایمی چکر

عجب اول و داع اما کجاک  
عجب اول و داع اما کجاک  
عجب اول و داع اما کجاک

قلم از او بخت قاده روح روان بابا  
چکدی غریب ببلایه جانکده از  
گویا بودی ایدر ایدر با غریب  
از چند اوزده غریب بزم شهادت  
اما کسون او غریب از امانان غلام  
اکبر جناب علی شهادت  
قورادی از امانان او غریب  
الین از امانی که حکون او غریب  
چغان زمانه بخاره او غریب  
روان اولدی چو آغدی تو غریب  
الین قورادی که کون او غریب  
که قویا بودی او غریب  
آمانی قانی او غریب  
بیشتر خنده طرشت او غریب  
سکده قانی او غریب

بیا دجی اگر ارسد و بر سر غلجی  
مسکله مسکله و بر سر غلجی  
ادامه کسوف را بر سر غلجی  
نصفین یا غیب عالمه نصفین  
ادامه کسوف را بر سر غلجی  
نصفین یا غیب عالمه نصفین

نه بر ند و گرسه یاران صدای ناله گلور  
یواشش یواش آچلور آه دنا له غنچه لری  
دو تو ب سحاب مصیبت هوای گلزاری  
تق طر مطر محنت دکه در تدور  
دو شوب اور کلره هر باینده عشق سودا  
سبب نه در گنه گوزدن آخر قزل تاج  
در دن سینه ده خونا به جگر مایان  
مگر خضای چمنده بهار ماتم دور  
سوال مسم غمیدن الیم وار  
خطاب قلیدی که اسی چننه غافلن  
زمین ماریه نی چو لقیو بدو طلیه شام  
برگون سجالا شینی ذوالجناح استن  
دیدمی حسین قمر طارم ولایت دور  
جلال جابه گوز پایه بلا آرتار  
همیشه چوخ او جایر کرده کور سوراقت

ز باخالی بو مضمونی ایلمدی  
عجب اول و داع اما کجاک  
عجب اول و داع اما کجاک  
عجب اول و داع اما کجاک

زمانه مردی کی سر غم و ملاله گلور  
چمنده تقزیه طلیه لری مقاله گلور  
او دکه بارش غم مزع خیاله گلور  
می محبت یچن عاشقه پیاله گلور  
خمار دن امیوب لحظه لحظه حاله گلور  
دو نو بدو کوز یاشی بر چشمه زلاله گلور  
ایده بدی قانیده کوز یاشین استحاله گلور  
بنفشه گردنی کج سینه داغ لاله گلور  
تمام کون و مکان یاسد دو طاب لکه گلور  
بصیرت املی خجیه بر سبله خیاله گلور  
یقین که شمس اامت دو نو بدو لکه گلور  
ایسند خنجر یوزمین نفر قاله گلور  
جواب یردی که آید در سنده مالک گلور  
اگر زمانه بفضان کله جلاله گلور  
بر لود کون اوزنیه الیم یرم جلاله گلور



دار عظمی جانده مقتوم دل برافراشت  
 کیم زلال بزم و صمیم ده فلکین پلار  
 اصل جهان بخاران جانده کیم زلال بزم و صمیم ده فلکین پلار  
 تشنه جام محبت بخاران جانده کیم زلال بزم و صمیم ده فلکین پلار  
 عاشق دینار اولان جانده کیم زلال بزم و صمیم ده فلکین پلار  
 طالب دینار اولان جانده کیم زلال بزم و صمیم ده فلکین پلار  
 باریدن جور و جانده کیم زلال بزم و صمیم ده فلکین پلار  
 بیعت علی اذن تکلیفین جانده کیم زلال بزم و صمیم ده فلکین پلار

مذیال من معین امام  
 حضور یارده ناز و نیاز اولوب انعام  
 گنه دوباره امام من معین دینار امام  
 صدای تاله بلند اولدی اینار امام  
 دالخورم ابرار اولارون  
 ای امام الم حجت خدا بیک

عاشورا  
 واقعه

شون عشق من زینب کبری  
 وحی است عشق من زینب کبری  
 غریب شایان کربلا طر  
 کوکبیرم دیکه شایان کربلا طر  
 گلبدار سینه ادا دانه شایان کربلا طر  
 امامت سید قطره شایان کربلا طر  
 زکریای قاطبه انبار آغلار شایان کربلا طر  
 قبا قدا جدی حبیبی شایان کربلا طر  
 در غریب دینار شایان کربلا طر

ادخل مفارقتده قدی کانه دون	یارالانم ن جگر داغدار جانم وای
مدینه ده گوزی یاشلوتا فراقده	فالان علیله قزی آتظار جانم وای
حیالی قاره کیوب اشک حشی فانه دون	الی اور کده گوزی اشکبار جانم وای
جهانده احسرتلین آیریلان عیالین	یانان فراق او دینه بقیرار جانم وای
سکینه سسی سودیوب کبریا کیمی سالان	امان نجلست اولان شرمسار جانم وای
دوبت سوزری هرسته سالدی نظر	گور و نهدی گوزینه غلگ بریرجه نغز
خطاب قیلدی امام حسین اغوشا	یانی اولان منه یار و معین و اغوشا
کو کینرم سوسوزام یالقوزام غریب	یانار فغانده عرشین برین و اغوشا
امامتین سسی لدم که شکار اولدی	ازل جواب یرین حی کردگار اولدی
زبان قدرت قنار دن ویرلیدجی	یتشی سینه گویا بود لایله خطاب
غم چکیر بریم اولیش غزو جانده حسین	یخماسون عالم لری فریاد و یهون حسین
لاحت لبیک عبدی من معین ناصر	قیلما ناله دار منم تک و ادخواهون حسین
سن جلیلم سن غریبیم سن صدیق مہدم	من حیاتون من نجاتون من نپاهون حسین
چون تا پوب جانان لبیک یا عبدج	گل کیمی الدی شکفته جسمی بدنی ز روح
عرض قیلدی بارالهارا عشقون مستقیم	قالشم زندان غمده شوقون سرستیم

امامت سید قطره شایان کربلا طر  
 زکریای قاطبه انبار آغلار شایان کربلا طر  
 قبا قدا جدی حبیبی شایان کربلا طر  
 در غریب دینار شایان کربلا طر  
 امامت سید قطره شایان کربلا طر  
 زکریای قاطبه انبار آغلار شایان کربلا طر  
 قبا قدا جدی حبیبی شایان کربلا طر  
 در غریب دینار شایان کربلا طر

ارضیال من معین امام  
 حضور یارده ناز و نیاز اولوب انعام  
 گنه دوباره امام من معین دینار امام  
 صدای تاله بلند اولدی اینار امام  
 دالخورم ابرار اولارون  
 ای امام الم حجت خدا بیک

است امامی سن قبا قناده بو سینه	دیر کدن اوتری حجب سید و گلشم
یالقوز لیوبله اولسه سنی اولما دل اول	جان قویکه یولونده بو بر باد گلشم
کتر مک قبا قناده اولان مهربانم وای	میدان کربلای معلا ده گلشم
ویرن منم باین منم که غمده یان منم	روز استی سالماق ایچون دیکشم
هرکه شهادت ایستیمون یکلن دعا	ایین دیک لیکه اولوب آد گلشم
سلطان کربلا دیرین وقتده بو خطاب	گویا ادا بله جید ویردی سید جواب
من کربلانی قیلکه آباد ایترم	یاتک لیکه بو بقعه دشت ایتیرم
عشان تیغ دینیزه پیکان خنجرم	چوخ شایقم شهادت ادا دایترم
کوبت جهنی فرج انبیادین حسین	دوباره سکه ساداته بانک شون حسین
ایدن زمانده امام من معین جهانی محیط	تزلزل ایتدی دوشب اضطراب حسین
قارشدی بربره سکان عالم جبروت	تو کولدی کرب بلا عساکر مکتوت
جواب یردی که ایشاه مشرقین لبیک	فدا اولوم سنگا غم چکیر یا حسین لبیک
توجیلده نظر سکه پور شاه نجف	نه گوردی فوج ملائک صیف اصنف
ادوبدی باریه صحرا سی شک و ادبی	نظامیله دوزدولوب آتینده حریر نور
قبا قناده روح الامین عرض قیلدی میولا	کو کینرم دیوبن چسکه آه وادایلا

عاشورا  
 واقعه  
 شون عشق من زینب کبری  
 وحی است عشق من زینب کبری  
 غریب شایان کربلا طر  
 کوکبیرم دیکه شایان کربلا طر  
 گلبدار سینه ادا دانه شایان کربلا طر  
 امامت سید قطره شایان کربلا طر  
 زکریای قاطبه انبار آغلار شایان کربلا طر  
 قبا قدا جدی حبیبی شایان کربلا طر  
 در غریب دینار شایان کربلا طر

ادوبدی باریه صحرا سی شک و ادبی  
 قبا قناده روح الامین عرض قیلدی میولا  
 کو کینرم دیوبن چسکه آه وادایلا  
 نظامیله دوزدولوب آتینده حریر نور  
 نه گوردی فوج ملائک صیف اصنف  
 فدا اولوم سنگا غم چکیر یا حسین لبیک  
 توجیلده نظر سکه پور شاه نجف  
 جواب یردی که ایشاه مشرقین لبیک  
 قارشدی بربره سکان عالم جبروت  
 ایدن زمانده امام من معین جهانی محیط  
 کوبت جهنی فرج انبیادین حسین  
 عشان تیغ دینیزه پیکان خنجرم  
 من کربلانی قیلکه آباد ایترم  
 سلطان کربلا دیرین وقتده بو خطاب  
 هرکه شهادت ایستیمون یکلن دعا  
 ویرن منم باین منم که غمده یان منم  
 کتر مک قبا قناده اولان مهربانم وای  
 جان قویکه یولونده بو بر باد گلشم  
 دیر کدن اوتری حجب سید و گلشم











دربارستان از حسن ان جاسوس بود در تمامه قریه  
بسیار از قریه های دیگر در تمامه قریه  
بسیار از قریه های دیگر در تمامه قریه  
بسیار از قریه های دیگر در تمامه قریه

شیدا اولان صوره سن زرع علاج کیم ایل  
هلال تک سارا لان تکلیه نجه شامی  
دوباره فاطمه خرج آغلادی چکوب افغان  
سنی یوردون عجب عزت جلالت بابا  
منه نه وقتیم ایدی ایلدون دروچا  
نه قویا دون چکم عالمده وز قراکونچی  
نیر کس ایلدی لنگلوب اوپه اوزیمی  
منه نه چاره اسیر ایلنیده شمر شیر  
گیرنده شمر اگر اولماسه یوزمیده بقا  
نعروسد ووردیوب ایلدی خرج شمسک

بو یوردی سرور دین ایساره جاهه قزیم  
دخل زمانه ده مکمل هیچ ایشا ماته قزیم

امام استیه ارکان عالمی داغیندور  
اوزدن امام قزیم هم امام باجی سن  
بها سوی بد نودن کرک آلا دشمن  
قنا جانی سالور تازده نظام قزیم  
یا ونجی اولما کلن هرگز اهل شامه قزیم  
کلن جادیلده بیست کهنه جاقزیم

غمنده کار اول  
غمنده کار اول  
غمنده کار اول  
غمنده کار اول

بوجولده سن اولور شمسک صلیح  
دولتین کردار اسم شمسک صلیح  
دولتین کردار اسم شمسک صلیح  
دولتین کردار اسم شمسک صلیح

دیر نذکر محنت بلای فراق  
چو یادگار علی میر برزم فوز و صلاح  
تسلی ویردی عیب ایلنیده آرام  
ملای ارتوق اولوب چکدی حسرتین  
ز باخالی بو مضمونین ایدردی بیان  
قالیم دیار غربت آریا ویریم مانی  
ایکاشش ایلیدی ایلین عباسیه خبر  
کوزیاشنی توکوب عمو سین سالما قایل  
نعشم دوشن زمانه قزل قاراقار  
پترا قاراقار اوسته حسرتین تا پشور اید جان  
غلم ویروب و توب کهنه قبره قویا  
دیوب بوسوز لری قیلیدی نظاره هر طرف  
یتشدی کو طره فریاد و ناله واهی  
وفات ایلنده ایلین ده حضرت سلطان  
اوزالکر و نکلن بیچیدون ایلیدن بختیز

پادشاه اولی بازار شده  
پادشاه اولی بازار شده  
پادشاه اولی بازار شده  
پادشاه اولی بازار شده

عاشق و واقعه

عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه

عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه







موقوفه ایلداری نازکی بر خطه عادل  
در دوزخ مذکور بیان ایلداری نازکی  
موقوفه ایلداری نازکی بر خطه عادل  
موقوفه ایلداری نازکی بر خطه عادل

زکریا و یاسیحا دور  
نه تعجب و ای خدای صمد  
یا که رفیع سوار اولوب  
محمدی گویا خطاب بانی  
امتون سینه داغلو قربانی  
اولدور و بثمر آلتی قدشین  
چون چیتین امر دور بونالان  
قوی باغلو دوشه بیابان  
حشره دین ماستی اولور بر پا  
خشیور درد و غمده یحییاه  
وار باشنده بلاسی چونج بجد  
چخا جاق طاق عرش اعلایه  
بوحسیند در محمدون جانی  
ویرجک باش یولنده اعدایه  
اشک چشمی دوزنده دریایه  
بش او غول دوزغرا نوب لیلان  
زمینسی بے نقاب و پیرایه  
قور و لوب عالم آچیره بزم بکا

هر زمان قسری ریاض عزا  
نوحه خوانلوق ایدر بو مولایه

غرض امام وحید غریب تشنه جگر  
نظاره قیامدی نه گوردی امام جل  
یول دسته اکلشون اغیلور چکناله  
دو شوب آتدان اودم باخدی شهر ناله  
خیام طاهره دن ایلین زمانده گذر  
چخوب کنار چرخانه دن و فالو حرم  
او بمنور اوکی گلگیر دانچه حاله  
خطاب ایتدی بو مضمونین اومد ریو

اول  
موقوفه ایلداری نازکی بر خطه عادل  
موقوفه ایلداری نازکی بر خطه عادل  
موقوفه ایلداری نازکی بر خطه عادل

سوار اولدو سینه ایلداری نازکی  
سینه ایلداری نازکی بر خطه عادل  
سینه ایلداری نازکی بر خطه عادل  
سینه ایلداری نازکی بر خطه عادل

اول گوذن حشرتم اودل آرا جالوه  
بل خزان قیده گلکلهستان آرا  
یوسف سن اوله منده زلیخای عظم  
عشق آتشی توکر جگر میده شمار بر  
دیر مک لیک بو کون سنگا قربانم اودی  
جانم یانار فراقه سیل دهنار آقا  
ایر فغان دماله سینی آشکار آقا  
گفته قویوب ایکی گوزدی اشکار آقا  
بیر آه چکسم عالم امکان یانار آقا  
بس در خجالتیم اوزیمه بر نه دار آقا

بو یوردی شاه امم اولدو لکران مندن  
بو کونکه کون من اوزدم چونج خجالتیم مندن

بو چولده بر نه کوربان کوبدی بو شکر  
گلکله محشره اولمار صولیده ساقیده  
دو بار عرض ایلدی شهر باغوشی  
نه مر قننی قزیم من ش دختر شکر  
کیمه پناه آپاروم سایه سنده الاله  
کو گلده در دیم اولانده کیم ایلون چاره  
تام سینه برابر دوز بو علی کبر  
بو غازی اوخلی گلون صفرون قبا قده  
کیدرسن ایلدی اقا باشه تو کوب  
سن اولمین صور اقرار اولام ایل عالم آرا  
دوشنده مشکل ایشتم بر کیدر آخالام  
کیمون امینه فالام الو بکونم قاق

بو یوردی سرور دین ای قالان جهان اعر  
گلکله جیمیه من سیز بودو الجح نجیب

اول  
نظایر گو کور دوز بوز جالیمه  
اشد دوشدی آتدان امام کون سلطان  
توقا قویوب ایکی گوزدی اشکار آقا  
بیر آه چکسم عالم امکان یانار آقا  
بس در خجالتیم اوزیمه بر نه دار آقا

عاشق  
واقع  
عاشق  
واقع



کند با قوتند یار الو جان بدین  
 زین اولین او چگون تن میر نم اولون  
 عرض ایلدی در دانه زهر اچوب ای  
 کیم دوزن دصفا که دزدون یاشو یک  
 بمانه بکین بکیم دوزن دصفا که دزدون یاشو یک  
 چگون کی کیم یک دوزن دصفا که دزدون یاشو یک

پیکان می سینده آجان کرب بلاؤ  
 بر آه چکوب آغلادی تن  
 عرض ایلدی ای پادشاه شرب بطحا  
 الوان شیدا آقا شنه طلمنم اولون  
 بش قادی سالان باشه کللمنم اولون  
 نیلیم آتام ادغلی بوراوشن کیدنجبه  
 زنجیره چکوب باغلانان التلمنم اولون

سلسندی منم باجی بو منصب لایق  
 الدن کچون باشنه گل اولما قد شائق  
 دورتین یار ابر سینده آتوق  
 ارم باشی توز ایچره کل اوستنده بولاق  
 عریان تن مجسمه رخ سوبلیق  
 جمال منافق کسن اللمنم اولون

زینب دیدی ای من الم و درده گرفت  
 کید ذوق دصفا کاشینه جانومی قوتار  
 قوی درده دوشم من اوزیوی الم  
 چپاق ده دستیه باشن چوخ نعره  
 آل کسری آغوشه بو قیر ایچره فرا  
 قول باغلو جگر دغلو حرم منم اولون

زهر اقرزیه سولدی اول سر و عطشان  
 سن قستوه اولدون اگر ناکه عریان  
 غدن آقارن تسالیمی قانه بویا نفاق  
 آل قانمی فوج شهید قانه قائما

جواب  
 من بایک دوزن دصفا که دزدون یاشو یک  
 بمانه بکین بکیم دوزن دصفا که دزدون یاشو یک  
 چگون کی کیم یک دوزن دصفا که دزدون یاشو یک

اوشا غلقدو چکوب کیم دوزن دصفا که دزدون یاشو یک  
 بمانه بکین بکیم دوزن دصفا که دزدون یاشو یک  
 چگون کی کیم یک دوزن دصفا که دزدون یاشو یک

قان آغلادی زهر اقرزی او عالمه منیب  
 عطر ایلدی قدش شنه مشکدی بو  
 کلمه سنون شام و سحر قبره زوار  
 اولونله سننه قمری لالتک غرادر  
 من سندن اوزاق شام قیر ایچره یاقوم خوا  
 حاجی یولینون کونلری حسرت منم اولون

محلس سوم وداع جناب منطلوم کربلا و اتام حجت باقی

محرران صف و استان غم نخام  
 بیلر روایت ایدوب طمروز عاشورا  
 مؤلف کتب قصه الم فرجام  
 وداع عمرت اظهار ایدوب امام هد  
 مصمم اولدی که کیدسون قتال اشهر  
 نه کوردی ناله سسی چندی چرخ دواره  
 ردوب خیامه نظر سکه شاه تشنه جگر  
 کلور دالجه دیرای شرمینه بابا  
 بچونبد کو کلر فسر ایدو آه واقفانیم  
 اگوروب بوجالتی دلبند شرباینجب  
 کلوب یوردی امام اوزون کینه زار  
 دیدی اماندی بابا قومیه سن خاد منی  
 مؤلف کتب قصه الم فرجام  
 وداع عمرت اظهار ایدوب امام هد  
 مصمم اولدی که کیدسون قتال اشهر  
 نه کوردی ناله سسی چندی چرخ دواره  
 ردوب خیامه نظر سکه شاه تشنه جگر  
 کلور دالجه دیرای شرمینه بابا  
 بچونبد کو کلر فسر ایدو آه واقفانیم  
 اگوروب بوجالتی دلبند شرباینجب  
 کلوب یوردی امام اوزون کینه زار  
 دیدی اماندی بابا قومیه سن خاد منی

دوب کیم دوزن دصفا که دزدون یاشو یک  
 بمانه بکین بکیم دوزن دصفا که دزدون یاشو یک  
 چگون کی کیم یک دوزن دصفا که دزدون یاشو یک

عاشورا واقعه  
 عاشورا واقعه  
 عاشورا واقعه



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطاهرين  
الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائق الله  
وآية على العالمين  
اللهم صل على سيدنا محمد  
وآله الطاهرين  
الذين هم خلائق الله  
وآية على العالمين  
اللهم صل على سيدنا محمد  
وآله الطاهرين  
الذين هم خلائق الله  
وآية على العالمين

او کوبه قلب بخاریم داخی ملول بابا  
منم دلیدن عمو مہ یور سلام دعا  
بو یوردی سرور دین انیمہ شانه قریم  
محالید و داخی دوشیز بلیہ خیالہ قریم

عمود یوب چاقور و گے زلمہ اونون لینی  
غرض و داغ قیلوب عترتین امام امام  
امام کون مکان کسرن زمان مہینہ  
اوزون یوردی صفوف مخالفہ بیباک  
قیلوب نظارہ اوراردی او شکر شاک  
آچوب سان حسن پادشاہ ملک جلال

رجز حضرت سید الشہداء

ای قوم بی پروا بیون من ملک دین آریم  
مندن کو تو ریش و نقین برعید ابر آسان  
المش طرادت و قنی مندن عروسان چین

چاہ جو آدسون من علم الاسما  
صل جو آدسون من حج جہانم  
شانجہ وار و نودون ترج جہانم  
خلقت استم دین و تہ الذلیم  
یوز و غلبہ لستیم کوبی غلبہ  
خلاق حی دارون سالک کما یحکمان  
مقصود اصل کن فکان رعدی کما  
اسلامو اس فی غلبہ یارب یارب  
یوخ و غلبہ یارب یارب یارب  
نہ یارب یارب یارب یارب

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطاهرين  
الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائق الله  
وآية على العالمين  
اللهم صل على سيدنا محمد  
وآله الطاهرين  
الذين هم خلائق الله  
وآية على العالمين  
اللهم صل على سيدنا محمد  
وآله الطاهرين  
الذين هم خلائق الله  
وآية على العالمين

یار بکیف یحیی المونی دین مد خلیل  
اسحق و اسماعیلدن اشرف منم ذی عظیم  
سیندہ قرآن فتری علم لدنی منطری  
اصل حقیقہ منم قرآن منزل ماطنی

شائندہ نازلہ در منم اجر المودۃ آیہ سی  
هر سورہ قرآنندہ بر برد لالت آیہ وار  
سبط النسب المومن اخ الامام المومن  
کیدیش جلال و شوکتیم ارتوقد درود منم  
اولد و رمیوز عباسی ناکام قیلد و قاسمی  
دوغراندی یار دیا ویرم تویندہ قالدی الیم  
ایقوم پر تویر و غش نه روم و زکم جیش  
کیمش عیالیم قارہ لرتان اعلیو یچارہ

محشر دیت سن ادیجہ جو خدو کریم چین  
سرور یاض ماتون بر قتری شید ایم  
عام ایدوب جبرین سرور قتریم

چاہ و جلالت چرخون مهر جان آریم  
قلب و داغ خضرون چون سجد قصابیم  
دین بین گلزار یون بیر لاله حمرا ایم

ای قوم بی پروا بیون من ملک دین آریم  
مندن کو تو ریش و نقین برعید ابر آسان  
المش طرادت و قنی مندن عروسان چین

عاشورا واقعه

ایده شانه ان چولی درمای جان  
افاردی رودی چون کی قافله  
کوبت باشار او دله مایون جانی  
با توب قانوردی بسیمون رخانی  
آکوب افغان سیمی او غلکان  
یم خون کیدی کا دیل سکدن  
نی اعدای دین او سستی هر یان  
الایا ایما الووم  
دردی اول امام عالم آرا  
دیده بوگون کیمش و کور  
دویمش سیری بی غفور  
قربارام غمش  
ایمور







دولامبور در نیمه جنوبی و جنوبی  
بزرگ قومیان بقوم باستانی  
درین شهر کوه درون کوه جونی  
این زبان متعلق به زبان  
و گویشی بر زبان عالم  
بخت و کوه درون کوه جونی  
دولامبور در نیمه جنوبی و جنوبی  
بزرگ قومیان بقوم باستانی  
درین شهر کوه درون کوه جونی  
این زبان متعلق به زبان  
و گویشی بر زبان عالم  
بخت و کوه درون کوه جونی

او که بلا ده اولان شش خنجر نیه قلیل یتور بو عرضی محبوبه که یو خد و رسم محبت عالمید و اولارام پریشان حال قبولد در بولار من دل افکاره ایدوب و دواع ملک قلیدی آسمان خروج دو باره ایلک عزم قتال خیل سپاه باشده چادر چکنده مشک بر عورت یکدم و بوجوله قانه غلطان اولان یون بر بار دیوار قریلانده دریشد میثم سلطان شنه کام شنه دل کباب سن آختاران دیکیم بخیا نمان شسم دیران اولوب ایوی قاپوسی غلطان سپاه عورت باخانده احضرت با چشم بشار قلعه آه و ناله یا هو کتور شسم چوخ اسید و هوا جگر دن یازدی اینرپ	جواب یردی که ای پکی در ابلجلا لیل بویسنوده سوسوز جان بر غریبه شسم کرک بلا چکه عشق املی استیده صل جزاده رحم ایمن امت گنه کاره نظر سالوب قشونه ولسکاه ذت بروج نه کوردی بر و سیا باذن و شونگاه دیراوشکره ایقوم شوم بد فطرت او چگون سوسوز قالیق کتبان اولان یون پس مانسی دراد خانه سی میران اولان یون کویا عجزه عورت قلیدی بلیه جواب بش او غلی پاره پاره سوسوز و غرمانان شسم حسرت قلوب خراسته سوسوزان بایان شسم عرض ایدی ای اولان غم داند و بی شیا سن جان دیرنده یولما که کیو کتور شسم آل نوش قیل نه بخشی سرین سو کتور شسم
--	--

آدمی  
کوزم قالیق اولان  
دیدی عجزه آه و ناله  
پان کتور شسم  
بویسنوده سوسوز جان  
بخت و کوه درون کوه جونی

دولامبور در نیمه جنوبی و جنوبی  
بزرگ قومیان بقوم باستانی  
درین شهر کوه درون کوه جونی  
این زبان متعلق به زبان  
و گویشی بر زبان عالم  
بخت و کوه درون کوه جونی  
دولامبور در نیمه جنوبی و جنوبی  
بزرگ قومیان بقوم باستانی  
درین شهر کوه درون کوه جونی  
این زبان متعلق به زبان  
و گویشی بر زبان عالم  
بخت و کوه درون کوه جونی

آدمی حسینه و جدی جناب معنی سنگافدا من اولوم اینرپک عجزه چوخ آشکار دیوم ای اولان بلا کمن بویوردی سوسوزین در و ده و اولده سن استین امام زمین و زمان شسم پنجه ادر غلی فاطمه در دانه سی حسین عالمی قویان کوزی یا شلوز مازده	بیراوغلی دار آقا مون آدیدور علی اکبر داحی نشانه بود و زینت آدلو جهی آتاسی سانی کور شود قار و اشی عباس داحی غم ائمه آنا مطلبون و اولده صحبه ای کر بلا ده اولان باغی قن شسم شتراده اکبر او غلی سوسوز و غرمانان شسم قری مصیبت ده اولان نه خوان شسم
---	---

مجلس چهارم محاربه جناب الشهدا بایزید الطحی

رقم نگار هنر یای دشت کرب بلا چو سبط احمد مختار سیند بطحا بدن یار الو جگر تشنه کوز یا شی خونا یتور دی ظلمی زای ابل کوفه جان منی یار الویم سوسوزام تشنه ام مسلما ملار خراته حسرتیلین کوز لریم با خارا دلورم	ایدوب بونوع همنه داستان امل زمین ماریه ده قالدی یکده و تن دور و مقابل شکر دیلمور دی خطاب عقیق تک بو یا دوب سوسوز و ده قانی کباب ایدر بوسوز لوق حکوت یا منی بو قسم ایلمیون او خلا ره نشانه منی
--	--

آدمی  
کوزم قالیق اولان  
دیدی عجزه آه و ناله  
پان کتور شسم  
بویسنوده سوسوز جان  
بخت و کوه درون کوه جونی

عاشورا  
واقع

عاشورا  
واقع



در بارگاه خورشید  
امام کون دیکان باضی بک  
عزیز قیدی ملک  
رضی تمام بدین صورت سوال جواب

ای نازنین ای من گشت در فاطم  
در دانه گزندی کرد گلستان و فاطمه

سلام حق یوردی او شاه بطحایه  
ایا اولان تن مجروحی قاننه غلطان  
بو نو عیلس بو یورد خالق زمین وزمان  
نه دو متیوب سبب قتل لازم و ملزوم  
ایدوم جبال سنون چون شقیه طلا  
گر ایسته سون اولاسان پادشاه ایلده  
شهید اولانلار و آمازده ن حیات یروم  
تمام عالم امکان اول کلن سلطان  
زبان حالده اول تیر سپاه جلال  
دو توتم که پادشاه الدوم خزانم غلام  
چاندا پادشاه اسم دیر لمر عباسیم  
اگر کلمه باشم سوسوز بو عالمده  
اوبدی جذبه عشق اختیاریمی اولورم  
دوباره عرض ایلدی اول ملک کیامولا  
اگر سنون غرضون وصل یار بیکده  
بو یوردی سر در سلطان عالین گویا  
بیل گیرنده صحن کاستانه ناز ایدر

ای نازنین ای من گشت در فاطم  
در دانه گزندی کرد گلستان و فاطمه

و شوق  
روزگار  
واقع

ای نازنین ای من گشت در فاطم  
در دانه گزندی کرد گلستان و فاطمه

ای نازنین ای من گشت در فاطم  
در دانه گزندی کرد گلستان و فاطمه

قارشدی برین بوب  
اولوب جلد جان واپس  
نظام درود خلیل و حاج  
سکوب برین بوب کلن  
ارازد حاج شکر درود  
کچک فرزند دم و فقر  
نکست بک قدرت کردگار  
ایوردی او جلد سوادان

قیلیم خلیل الله من عالمده نارگی کلن  
دزبات نوریده نسیم نور تجلی لعل  
شائیده اوج یوز آیه وارطن کلام الله  
اصل حقیقه منم نور وجود انبیا  
جدید حشمت انبیا سلطان کل اسوا  
حیدر بابام شیر خداز هر آنام خبر لیساک

عزق گنا هم یحسین بوش ال فیمین سنون  
بزم عزرا کلزارینون بر قسری نالایم

یتوب چون تمامه کلام امام  
سنی جمله شکر تا نور یحسین  
نه لازمه دهمیکت بو قدر احتیاج  
تو کو نجه بوجمه اده آل قانوی  
چکوب نمره اول شاه والاتباس  
اورانده اوزین شیر تک صفله  
سکوب کردش چرخ تک ذوالنجاح

ای نازنین ای من گشت در فاطم  
در دانه گزندی کرد گلستان و فاطمه

ای نازنین ای من گشت در فاطم  
در دانه گزندی کرد گلستان و فاطمه

عاشق  
واقع

ای نازنین ای من گشت در فاطم  
در دانه گزندی کرد گلستان و فاطمه



دانی قیامت با خوان که در چشمش آید ای ایشیه معلوم  
دوستانه با خوان که در چشمش آید ای ایشیه معلوم  
دوستانه با خوان که در چشمش آید ای ایشیه معلوم

یاروب صفندی امیوب تاروما  
عظم و حبه داند و دن دلکباب  
دیردی که ای زار و دلالان حاج  
من اوسم اگر قور خاجان زینم  
گمی و دندروب رزنگاه به عنان  
نه قدر اوج اورا سوزا و درون صمیم  
سکنیم اگر آغوشه اور میون

قویون ایسون بچو قور می فغان  
اولاذا قوی با غلوشه شامه ردان

عرض اما زمان این شهر بایر خجیب  
آخاردی قان اوز و نون هم آتین بایر  
جداله گرم ایدی سلطان پناه عریب  
اوروب کالین بره دور و دیول اوسته اویول  
نه قدر جهدا میدی ال یا قین آچیزدی  
بو یورک دایمه مشکله یار اولان کون

یاروب سپاهی یوردی اوزین فرات طرف  
یاروب کچردی اودر باقشون آراشدن  
قدم کو توردی کشت ایدی و الجناح خجیب  
تو کردی باشنه یرون جناب شیکمان  
باشون اشته سالوب آغلیو دی کچردی  
زلوب مگر قدموندن قدم کو توردی

بگفتم که قوردم که با کمال کمال  
فغانه با خوان که در چشمش آید ای ایشیه معلوم  
دوستانه با خوان که در چشمش آید ای ایشیه معلوم

عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه

دوباره اولوب زوایا  
عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه

جانب قلیوب برین است  
خودشان چون غنچه  
خودشان چون غنچه  
خودشان چون غنچه

سر بی تن و کشته نیم جان  
دغیلدی صفوف یمین دیار  
او حصارده بر نو عین سالدی شود  
بو بهنگامه بیه بعین عنید  
عمر سعد امین اول شفتا و تده فرد  
نه گوردی اوصحرائی دوشش شرر  
دوروب حینه دن چندی دیوانه و  
صد اوردی قوم بی ننگ و عار  
نبی غیرت عاریز بی هسره  
بو یال و بو کو پال دستار و ریش  
نه نامرد سوزای سپاه عراق  
نه لایق سیزه جوشن هسین  
مگر کیم گوردی در که یوزمین سوار  
تاشا قیلون ای سپاه عنید  
دیوب بوسوزی اولخدا ناس

اولونشده می خواص دریامی قان  
باسوب بر برین قیلدی یکسر زرار  
باد قلاسه قیلون قیامت ظهور  
اوزی اطعی اسم غشی یزید  
اولوب بارگاه ایچ مشول نزد  
پنجوب کو گلر ناله الحذر  
گوردی حالتی اولدی بی اختیار  
گوردی سیزه بنیت هیچ نوع شمار  
هانی سیزه مردانه لو قدان اثر  
سیزه حیفا می ملت کفر کیش  
گوردی کلید دزب و صحرا یساق  
مگردن بطن آتیه مثال جنین  
چور و باه ایده بیه نفزون فرار  
گوردی ایدی تنه ایلر یزید  
نه جوشن کیمندی نه رحمت قبلا

دوستانه با خوان که در چشمش آید ای ایشیه معلوم  
دوستانه با خوان که در چشمش آید ای ایشیه معلوم  
دوستانه با خوان که در چشمش آید ای ایشیه معلوم



بایام ناتوان در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم

گوروب گوروب کوه ایلین سرون بری بقا قنده یونخ پهلوان لیسر منم جنگیه بخش اولدون دوچار قوروم ایندی قلو زده بیستان کرکه در سنو نمده هم آورد اولام عصب لندی سلطان ملک و جلالت داخی اورما چون بسد و پوده لاف کمر بلیورسن کیم ای شیر آتام شیر دور منده شیر او غلیم منم زاده شیر دلدل سوار بیر آشفته اولدی او کبر لیر پناه خالف چلوب طبل جنگ سالانده دهل نالسی چرخه صیت خبر دودی آل رسول مجید کیسه آچوب باشین ایتدی فغان	الوبان قال جداله جری قروبن بو صحراده جمع کیشیر سنی گورنجیه ایلرم خوار و زار اولاتاه سر داسانیم عیان ایمان ویرسم البسته نامر و اولام بو یوردی که ایطالم بد مال دانشاز بید هر زهره مرد مصفا کر زمره روبا اولوزره شیر او شیر خدا نون لیر او غلیم منم زاده صاحب ذوالفقار چکوب قمر ایلین بخدا و کین تماشا چایان قیلدی میدانی تنک دوشوب رعشیه منیا اهل بیت قال حسینه کلوبه در یزید دیدمی ایش دوشوب مشکله عمت جان
--	--

بایام ناتوان در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم

بایام ناتوان در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم

صدای عدد بانک ضرب حاسم بسیر اضطراب اولدی شاه امم قیلوب رد ضرب یزیدی امام سحاب سپر دن اولوب ناگهان چکوب نصره سلطان گردون قار صد اوردی ای ناکس بی مهر قدح اورما قین مشق تعلیمین آل بوالدن آل ای طالم نابکار بوالدن آل ای کفر کین همدی اوران آل یدانه قیلج ذوالفقار	دوتوب کر بلا دشتنه بالتام نربازو سینه درجه یشدی غم بروز ایلدی قدرت لاینام جالی چو خورشید تابان عیان دوتوب قمر ایلین قضا ذوالفقار داخی دور ماچک باشه محکم سپر همیشه جهنمده ده یاده سال سر شتمده وار قدرت کر دکا اشاره بر باد ایدر عالمی ولی یال قوزام یوخدی پرنمک
---	---

بایام ناتوان در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم  
او ظالم قوی پس کوه در غم و غصه دن بایام اولدی دینم

عاشق و واقعه

عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه  
عاشق و واقعه



اما متیلہ شہ دین نظر سلاوب گویا  
او لو بلا سلسلہ اغبیایہ پیرایہ  
گورن زمانہ او حالی امام عترت قیام  
فضامی غزوہ جند قدامی شہ امت  
نہ گوردی جدی پمپر آتاسی شیر خدا  
تمامی گوزلری گریان ورتماشاہ  
مناسبی یخفت شانشایدیدی خطاب  
اور اندہ عبدو دون او علی عمرہ بر صرت



والوند چکش ایدی صنف نظامی شکر  
اد ضربت افضل اولوب مرعیه الثقلین

و عاید رسوخون جبا عین پر  
قلنجی لبخه باخ گورادر ارامین

الی دعا و دعای  
 کبیر و سر نالان کبی  
 ختم سید الشهدا  
 شکر اشقیاء و اکابر  
 ز غفر جی حضور و اولاد  
 علیه السلام  
 و بسط اخلاص و توبه  
 از یاد الخبی المیدی هموار  
 از یزید کج زنده

[illegible]

او زین کناره چکوب کوفیان آراند  
ز بانجای سده کویا سلاته الاطیاب

یخا مدن ال چکون ایقوم کوفیاں اولوم  
یار الو سینم اولوب اخلار نشان اولوم

او قدر او میزند اعضا و ساق بریم یو خدو  
 بیلم بکولدی علی اکبر بیلم اولن جوده  
 باشن آچوبدی یولاز لفظی سکنه قریم  
 سوسوزدی ابل و عیالیم اوز و پدخس سوتم  
 من اکیشم سو قویون دا انجناح اولایم  
 یارالودور بودا من تک با تو ب العاقه

دینده یوزوری سلطان بنه کام عرب  
مناسبی قیلا عرض و البنا حجب

الربا یا جبریم اسی شہنشاہ حسین  
منہ اودم سو حرام اولدی ایستہ مد  
مقال سرور بطی کلام میر ہدا  
سن ایچین سولی من ایچیم قایمہ دین  
یار الو جانفیلین سالد یار بو حالہ منی  
او قوم بد گمرہ قلیوب اثر قطعاً

باب ایدک بونگون بود و فاداری انچه  
گی ایلیک بدو سطره پیل اتقارای و انچه  
کم اینجه کوز قانیه من بود

فادر استیلا

[illegible]

عاشق واقعه



معنی قرآنم از دم من دفته الانبارم  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
گید و میگشاید شایسته ایات قرآن عید  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا

قادر شوق ایزد زنده انام کمی  
بهر چاره ایلد تا باش حق شامی کریم  
گورده رو که با علان قواری ذوق  
شامون ایچده کوچه بازاری ذوق  
قیلوب تمام سوسوزین تا جدار کو نمکان

رحم جناب الشهدا در مقابل شکر اعدا

ایک یغی سلون من ملک دین سرداریم  
نوریم بنان کاف نون الیقون ان یقون  
نوریم بهر نظم و نسق دین ملکون سماریم  
نور الوجود خورشید نور مندن تجلی بادی طور  
آدمه نوریم اولما اولما دمسحو دملک  
موسایین اولدوم دلیل دوشد المجن جزل  
دیرانه ظلمتده من خضره اولدوم رهنما  
من بادی عیسی بار ابریم بار ازهر هارا  
وارد دوبرا جسمه اتخابت الجلال  
ما جلد من تب العباد قد کان عن المستفاد  
باغ نبوت لایسی نخل ولایت باریم  
معموره ابد اعد صانع خدا آماریم  
منند و نور ارجلی منند و عالم منجلی  
نور السمواتون بی من مطلع انواریم  
انوار عزت منده دور بر انبیان یاریم  
هم خالق دریا می نیل نور نبات انواریم  
عین الحیوة ماسو انوار اولو الابصاریم  
قودانی کو کلر زینتی عرش خدا انباریم  
لیکن جمال قدرتون اینده رخساریم  
اتی لیل قوتم باد ملک مدی کلر ابریم

ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا

عاشق و عاشقه  
عاشق و عاشقه  
عاشق و عاشقه  
عاشق و عاشقه  
عاشق و عاشقه  
عاشق و عاشقه

من بادی عیسی بار ابریم بار ازهر هارا  
وارد دوبرا جسمه اتخابت الجلال  
ما جلد من تب العباد قد کان عن المستفاد  
باغ نبوت لایسی نخل ولایت باریم  
معموره ابد اعد صانع خدا آماریم  
منند و نور ارجلی منند و عالم منجلی  
نور السمواتون بی من مطلع انواریم  
انوار عزت منده دور بر انبیان یاریم  
هم خالق دریا می نیل نور نبات انواریم  
عین الحیوة ماسو انوار اولو الابصاریم  
قودانی کو کلر زینتی عرش خدا انباریم  
لیکن جمال قدرتون اینده رخساریم  
اتی لیل قوتم باد ملک مدی کلر ابریم

غرض از این امر زاده از خیر نیت  
خاتون تو سنی و نیت و نیت  
و نیت که اودم از نیت و نیت  
و نیت که اودم از نیت و نیت  
و نیت که اودم از نیت و نیت  
و نیت که اودم از نیت و نیت

موش اولما د اولقو من چون کلام امام  
اوشا هب از فراز اوج افلاک  
ایسند ذوالفقار برق کردار  
دگر دی هر که اول صید مجروح  
یاریم جانار کسوک باشلار بدن لر  
ایدر دی هر استمکاری دوشیه  
شزار تیغ خون آسمان زبان  
بدن لر زیر پای ستم تو اسن  
دیر دی گر نسان که آشکارا  
نه جانم دار کوز میسده نه عیالیم  
دار میسده ورسینده ده بیسخت و درد  
اوزون آگاه حسن ای ابر حجت  
شور سالت شادی و صحرایه می زلی  
گر امام ایستیه دنیانی سر سرگودر  
ند و شکرند و خضرند و دیر لوده خلک  
باسو عیال منی ابر و سینه الید حیا  
اچوب سبب خیرترین غضبناک  
باشده سوز عشق بمجلس یار  
قویار دی قایلین خاک اوتیه پر ج  
اورار دی غوطه فان ایچره دوشنلر  
چکودی مالک نیران جیمه  
یا غار دی دشنه چون نار نیران  
آخار دی هر قشدن خون دشمن  
السا قادر ابر و دگار  
نه اذ خلوم قار و اشم نه ملک مالیم  
قالب پنهان کما الورد فی الورد  
منم در دیم غم امتد در امت  
کل موجود علیه مخلوقه مشخصه  
بر لری کو کلری انجشده کیس کو توره  
کر اشارت ایلدیه عالمی قشبه کو توره

ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا

عاشق و عاشقه  
عاشق و عاشقه  
عاشق و عاشقه  
عاشق و عاشقه  
عاشق و عاشقه  
عاشق و عاشقه

ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا  
ای کجاست شایسته که کافیا باین صدا











ایمانی بر سلطان و پادشاه دادن  
 کتب خاندان و کتب دین  
 کتب خاندان و کتب دین  
 کتب خاندان و کتب دین  
 کتب خاندان و کتب دین

من آخار و بچو لری تا پیش من  
 اولاد و اولاد گاهه مولایین آخار و

دولان و بچو لری تا پیش من  
 باخوب گوردی ایکی نور و دید

برسی باغ نمین بهمش او تار و دام  
 دیر دیر طوطی یاسه و دن جان قادی  
 بو یوردی و عفره شانه فرشته سپاه  
 قالد و ورمیمه دار فاده بر عت  
 رجوع قیلدی چو اول سرور و فاکردا  
 قشون امیر لری کید سیوب چکر افوس  
 حواله قیلن سینه بر خد است ایل  
 بو یوردی میرینی جانده سر برابر  
 می شهب اید و جگه در بو چلد شمر  
 اگر چه محشم عالمه مال و جانندن  
 منی بو چلد و قویار قمره عابد سیاه  
 قریلدی اولسه اگر جمله یار و نصیب ایم

ایکونان پونا  
 کولای مولای اتم  
 کولای مولای اتم  
 کولای مولای اتم

جز امام علی  
 انبیا و اولاد

ایمانی بر سلطان و پادشاه دادن  
 کتب خاندان و کتب دین  
 کتب خاندان و کتب دین  
 کتب خاندان و کتب دین

بوسوز ایلدی اهل کوفیه تاثیر  
 میر جرحه سو ورون منی پیاره اولد  
 مطلب و در حسین سوز اولدی دین  
 دینه بو کلانی امام جن و بشر  
 احاطه ایلدی آفاقی ناله و افغان  
 امام شایسته جرات و اریدی گویا  
 نه گوردی کیسم چلوب با نجات رضوان  
 دو توب ایلد تا نایسند جام بلور  
 دیکلرای ویرن عالمه جزاده نجات  
 زبانه لیل و لیل و لیل و لیل

اگر مدوم هیچ عاشقی سن تک خفا ده حسین  
 پاره پاره و دوشه ناکوی و فاده حسین

سن کیمی فرمان اولوب کوی فاده حسین  
 وار جلال فتون اربقاده حسین  
 قالمادی جان حضرت خیر النساء حسین

عاشق و واقعه

ایمانی بر سلطان و پادشاه دادن  
 کتب خاندان و کتب دین  
 کتب خاندان و کتب دین  
 کتب خاندان و کتب دین

ایمانی بر سلطان و پادشاه دادن  
 کتب خاندان و کتب دین  
 کتب خاندان و کتب دین  
 کتب خاندان و کتب دین



اینها دایب احواله قان اغلور  
مالی عاقل و دیرینه دوق صفاده یاجین  
قلمادی آرام و طاقت مصطفیاده یاجین

وله ایضا

بندی سینه گویا بس ابر  
از در آفتاب دلبسته دین یگانه

ایو فیان فاعالم تا پوسندن صفا  
قلمش بلالده بشم القان ابو بدو یاجین  
آخر امام امه ساله زمینی یوزمخته  
قویده بناسین یاسین قلید وز طنین یاجین  
سزودن کرکد ورفان لام ما چشده ورفان  
انصاف و زاکو فیان یازیم سوزان  
بیرکیم خونین جگر جانده واروخ یاره لر

اعلار بو عهده نس و جان اغلور قان لالان  
هم قمری نچان صاحب ادور دگل

تمام اید و زجرین لیسر سما زین  
تایموز تا نیور سوز کرکن ایاسم  
یانوب لیم دودا قیم ایگروه سخرت  
بوسوز لایتمدی اول سحاله تاثیر  
صدا صدای پرو سکنان بزم قلاب  
گور دق هیچ انبیانی سن فاده یاجین

غرض از ادوار و زجرین  
وله ایضا

ایده بی سینه نشین  
کره بی سینه نشین  
ماکو اولد شطرنجی  
ایده زجرین سینه نشین

دیدی کاه جیگس  
زین دلبسته دین یگانه

اینها دایب احواله قان اغلور  
مالی عاقل و دیرینه دوق صفاده یاجین  
قلمادی آرام و طاقت مصطفیاده یاجین

بو کردی صفری مانده صفحه طومار  
بو گیر دارده بر شوم عجیب ای یاجین  
حواله ایلدی فرق امامه تیغ جفا  
او تیغ شمشیر عرش کبریا یاجین  
گور دق حالی سلطان عالم ایجاد  
عنان توتشی و نذر دی خیمه کارام  
یتیمی شاه ام خمیه لر برابرینه  
کحل ایزمده محنت کش جفا و عقب  
آچوب ایکی قولینی زمین فاپرور  
اتام نشانه سسی سلطان کر بلا قارداش  
سنی بو حاله کیم سالدی ای امیر عرب  
دیوبت سوز لری اول بانوی حریم جلال

ولی بو حاله هندوستانه بر سلطان  
شکاره چنچشیدی با اکابر و اعیان

جزایری دولانوردی کجای چون هر  
اولوب قبا قینه ناگه د چار بر آه

قلمش اید و زجرین  
وله ایضا

روان او کور د قتل قان او د چنچین  
قون حلیه امین ایوب قفا ده کین  
یتیمی فرقنه گلشیدی آه و افسا  
سجده یوم که مبارک باشی یار لالان  
یقین بلیدی که ایمان ایوی ادور بر  
کونا و داع ایون آل مصطفائی تمام  
خطاب ایلدی گویا بو نوع زمینه  
اتام نشانه سسی ایشکلو خواهریم نوب  
جواب یردی که ایجان عزیز پشیم  
کلبیدی جانده باشونده کی بلا قارداش  
باشون یار اسنه قربان اولما بوجون  
یارانی باغلاما تگندی سیر قرا دستمال

ایده بی سینه نشین  
کره بی سینه نشین  
ماکو اولد شطرنجی  
ایده زجرین سینه نشین

دیدی کاه جیگس  
زین دلبسته دین یگانه



کدام دردی که بشازده نگار کجور  
بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو  
بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو  
بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو

الان ایزاده شیر خدرو حی فدک  
آز قلوب نطق کسک جهم اولون هر چه  
قالمیو بدوزا توان جسمه آمار حیات  
شیر غران صولتی مندن آلوب صبر و ثبات  
یقینه سمعه چون استغاثه سلطان  
دیو بکلمه لری شاه آتمه ناب  
برای کید کنی چو کج بلیدی عین لهرن  
بر استغاثه گرم اولمندی چون سلطان

که ای منی چاقوران زار و ناتوان کلیم  
غم آتمه اتمیه چون ناله دفغان کلیم  
باشم یار اسنی با غلاما دیم کلیم  
عیالیمی قویان شیرالنده سرگردان  
یولیم اوزاق یار چو کج بلیدی  
با خوب و حاله سلطان قیل لوغجی  
نه کوردی بر و بیابان کوردی غبار

بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو  
بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو  
بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو  
بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو

تعبیبی با جانی چشم  
از دکان بازده شکرش اشون  
بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو  
بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو

که ای امام زمین و زمان سلام علیک  
اوشا قلو قنده کیدن اوج عرشه قدس  
جواب دقلوب پادشاه کون مکان  
بود و همیشه پره شیده فاکردا  
بوندی کاه قیثون منم و صالیدن  
ادب و پراقة دوشدی او شیرتیه بان  
گوردی حالتی شهزاده ملین مقام  
خطاب قیلدی کراشا ایش جان کین  
قویو بله پراقة باش در گونده خوش طویو  
یوردی در بطحا امام کون مکان  
عزیز حضرت هر ایشمنده حرمین  
بوسوز لری ایشدوب پادشاه هندتین  
ادوب با یقنی تو کدی عذاره اشک بصر  
اور و بدی سینوه کیم بو قدر یار آقا  
نه حاله در کوردی امام کون مکان

وصی شیر خدای جهان سلام علیک  
اولان لازمی کروبان سلام علیک  
خطاب قیلدی او درنده شیر اچون  
بو قدر شیمه ایت اذیت و آزار  
قایم مقاموه دو تا خبر ملا لیدن  
رجوع قیلدی مقایمه دید که گریان  
گلوب حضور اناه ادب قیلدی سلام  
یار الو سینون اولوب خلایق کین  
ادوب ملا لور نوزدن آسمان کین  
منم او کیمه چاقور دون برای سلطان  
غریب کرب بلا تشنه لب امام حسین  
اوزین سالتوب آتد ان بل قیلدی  
دیددی نه گوندی بودای یاد کار سمینر  
کیم ایلیدوب سنی طلیله پاره پاره آقا  
اید و بدی سنی بونوع قانو غلطان

بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو  
بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو  
بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو  
بازار بیدان آغاقان کور کوی قانو







باغبان گوردید اولاد  
 کور صلابت دصولت سید الشهدا  
 طریقی کفیه پایی ادره ادره  
 و لم مصطفی کلیدم

کورد بوجانی زمین بده قالادی تا		زبانجا سید ایلردی قارداش خطاب	
کول ایستکه دغش ساسی داش گل		زمانه دن کورتوشن ساهی داش گل	
دوتوبدی کجا بوجان اولمه مشرخیای		سالوبلا باشی قارداش اسی قرداش گل	
اتام شالی آتام اوغلی جدمون بده		اوزون الیم غم در دیم دو اقداش گل	
اوزون هلاک ایلیدی قورخون کینه قور		داخی ادره نیکیز انا ساهی داش گل	
اوزی بر اوسته کلش بالادوب آغلا		قوجاقه آلمکده رضاسی قرداش گل	
دینه ساقه در آمان هیچ ایتمورن		الوبدی جانمزی آه واسی داش گل	
قتون قاقن کس قوریم خیمکاه طرف		کلن یاغون اولام فدا ساهی داش گل	
بوسوزده دامن صحرائی دوتدی کرد و غبار		گوردی رعد صید سید برق آتش بار	
کون زمانه بواضی عترت جیرا		دیر دیر ک قیامت اساید و بر پا	
جناب منبایدن قده قستیل نظر		خطاب قیدی ای ایل مبت سیمیر	
داخی غم غم غم غم غم غم غم غم		نه دوشمون غم داندوه در دوشمون	
بور رعد برق کل ذل انصار شکر سید		جانه رعد سالان بس حین لغز سید	

دیر دیر ک قیامت اساید و بر پا  
 خطاب قیدی ای ایل مبت سیمیر  
 نه دوشمون غم داندوه در دوشمون  
 جانه رعد سالان بس حین لغز سید

جلالین جان بزرگوار اولاد  
 کورد بوجانی زمین بده قالادی تا  
 طریقی کفیه پایی ادره ادره  
 و لم مصطفی کلیدم

بوسوزده گوردی ادره سکنه چکدی		دیدمی مروتوه من فدا اولوم بابا	
ترحم ایلد بودرد اولم فاده سینه		حاجت مینه هند شاهزاده سینه	
سالوبلا باشی یوزمین بلایه دنیا		بابا کورد کلیم من جهانه شهنشاه	
نجات میرمنه دوشمردون جناسدن		چهار دکناره بوخلالردون آراشدن	
آپار مدینه قوی قیل خلاص مختدن		قوتار بودرده دوشن جاعتی ندندن	
بو یورد میر حرم ابن صنیع غم غم		قریم مدینه کیمت محالید در هیات	
کرک اسیر اولسان بو یورد کچه کچیر		سنی دشت چکه دستیلد شمر شریر	
سکا خرابده اولمک شهادت اوله		قیامتون کونل استدر شفاعت اوله	
غرض حضرت خیر انصار دل پاره		دیر دیر سالی عیال رسول مختاره	
گوردی سر کلن ذوالجناحی جولانه		اوزین سوزدی سپاه شریر عدوان	
کوب قشون قباقرین بچو مهر عالما		اچوب لسان جز ایلدی اوقور خطبا	

رحم جناب سید الشهدا در برابر لشکر اعدا	
بیلون ای نیران ایلی نوکارتا تم	میر نیرانوار کل ممکن تم من
صفای منصر صدق صفه صفوه بار	خدای لایزاله منظر عین صفاتم من

دیر دیر ک قیامت اساید و بر پا  
 خطاب قیدی ای ایل مبت سیمیر  
 نه دوشمون غم داندوه در دوشمون  
 جانه رعد سالان بس حین لغز سید

دیر دیر ک قیامت اساید و بر پا  
 خطاب قیدی ای ایل مبت سیمیر  
 نه دوشمون غم داندوه در دوشمون  
 جانه رعد سالان بس حین لغز سید

عاشق  
 واقع  
 بان شمس  
 و له ایضا



سران درین سپاه عدا  
نوکوشدی مکر ایمنی کدو  
دلی خدا قدرت دکار  
ایرودی بمنزل ملکین  
اودنچلک شاد والایب  
نیکو روی بابا باندن  
اودلوب نایب دیاپور  
گلکدر افرنجی ایلمد  
جلد سنده

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائف نبينا في كل عصر ووقت  
والمؤمنون والمؤمنات المسلمون والمسلمات  
الجميعين أجمعين



ازند ایستادگیان  
و از اسب افادان  
مهرین باد و خالین  
مجلس ششم خار به نام

زین باریه ده دله کار عالی بیا  
علیه فاطمه و نون بیا

چرخ آغلانا اوخی بونا مه لی سنی تازی  
 بر آه چکدی شنه شاه عالم ایجا د  
 با خاندانه نامه همه دیندی جان نریب  
 دوباره عرض ایلدی نیریب ای برادر جان  
 خدا اولوم سنگا ای گلشن غم ناله  
 بویوردی سرور دین ای حاجی اولون گام  
 بقا قحط آل رسوله یازوب سلام کشیر  
 بو نه سفر دو کی بوخ حد و نه تاسی بابا  
 مکر چندی یادی و ندان جیا لوده دوشنر  
 عراق یولارینه صبح و شام باخدا  
 دوشوب سیزون بادیوزده ایتدیم من بیمار  
 قویوب منی بو قراکوند هالموز یاده  
 منه گمان بوایدی چوخ و فالیده و رعایا  
 سالوب پنچون سنی گوزدن غلیم بی نیم نریب  
 غرض بودور قزینون داغی بحر ابر این

گر آغلاماق سوزی ابریزده آغلاماق باری  
 بو یوردی ایلدی بونا صبر ایوین بر باد  
 داخی او دختامنه نامه فی امان ریش  
 داخی بالام نه یازدق میه نر لری بکران  
 شریک اولوب غنوه یزده ایلک ناله  
 قزیم بونا ده اول یاز ویدی بسم الله  
 او نون دالجه بو مصنونی ایلیوب تفریر  
 عجب صفالو امیش کر بلا هواسی بایا  
 بو حبر اوینه یانان درد بیتلاسی بایا  
 گید و بدی گوزلر یوت قالمیو ضیاسی بایا  
 نه اولدی اکبر یون مهر دنگاشی بایا  
 مکر بودور باجی قار داشلقون ناسی بایا  
 اولونده بیچ یون خوش عهدینون فاسی بایا  
 اولون لینده دی بو طلبون واسی بایا  
 با سو بدی عالمی قمری مکین نواسی بایا

فغان دنداسین قیامت کی  
دوربت کی آخر امام کون مکان  
دو باز پس ایتری دیدی گران  
دو لب داشت آستان او قدر

واقع شد  
رواج قلبی قدسین آب  
پیشدی جنیب مبارک ملا یام  
گورنده جاننی قلبنده قالمادی یوب  
نیکو روی خیمه بزار رفته حال یوب  
خانقن قلب صراشته  
نایاب

ضعیف  
 بانو بی (سر بر خضر  
 دو کعبه ای که از جانب  
 الودیدی بن المکمل اول  
 لبان بل (سبب لای  
 با خاند کوزلر نیز  
 با خاندن عقیده  
 حصار خند چمن  
 اگر دیدی بن  
 غرضی نام

غرض امام امم گو بگلیں ادب بیاری  
ر با خایله اول پادشاه عرش و قاف  
نج گوزون سپهر شو گل امی در دی <sup>ایمن</sup> پند  
و در ایاقه گورمان کرب بلا قربانی  
کر بلا بیگار و غلوم قولار و نال <sup>ایمن</sup> بینه  
یا تاجاوخ نازلیه امی سکر اتانون <sup>ایمن</sup> الی  
کو گفتو ده ای دی پادشاه یوم معاد  
نه گوردی سرور دین پادشاه کون <sup>ایمن</sup> و کلان  
و قدر اوخ دوز و لوب سینه سنده لال  
تو کوب سر شک بصرا یلدی خطاب باب  
نه مهر بانلق ایدرسن من دل افکاره  
و یوردی عابد بیاره سر و هرین  
مصمم سفرم نقد جان مست اعدو  
شید بو سوز لریمی ای عزیز جان پدر  
شهید ایدر منی امیدی جماعت عدون

اکوب باشین دیزنیه قلیدی گوزاشین چار  
 ایدردی او غلنه گویا بو مطبلی اطلال  
 دار دنیا ده ولان گوزاشی قرخ ایقان  
 ایلونجه شتر طالم فانه غلطان او غول  
 سیقراقم چون تیویدور موسم بحر ان غول  
 دوت خبر حال دلمدن جاننه جانان او غول  
 اگوز اچدی گلدی اودم شو سید حجاز  
 اکوب باشین دیزنیون دشته دیدی گریه  
 اچوبدی بکیری غقاسی قاف کتیر و مال  
 بو قده بلایه قلید دن نئوع تاب بابا  
 یو خودی حال اوزیمه مایینه ایدرم چار  
 یوتوبان شهادت صح اتمیه شون سن  
 او غول سنوله داعی آخرین و داعی  
 کرک سنگا ایلوم پر نخه و صیتلر  
 قوتیلا جسمی دچگون بودشته عریان

۴۲۷  
عام ولان صورا و چگونگی جان فزون  
قتلیدگی مکرر ایلمی منی مد فزون  
زیر دودن او و لون تار و سم  
کرک و قمر و قمر و قمر و قمر  
او گوئی کون و قمر و قمر و قمر  
منی هزاره قمر و قمر و قمر و قمر  
مبادا او ایلمی نقص فزون و قمر  
ایلمی منی منی منی منی منی  
ایلمی منی منی منی منی منی

که در این کتاب  
مفاتیح و مستطاب  
در این کتاب  
علی کتب  
از این کتاب  
از این کتاب

عاشق و واقعه  
جی مندن اوان تا ماقیله بو عیله  
انام صحابه سید و ریاضه داران  
علی اصغر اداش قدیر یار فرشته  
کرکه دوزخه یانئون نم و جان  
بوچو له جو ناله

قوتون خوات کنار مذبح چای  
 بود در ادب و جمعی سوزن ای ایام کلان  
 عالم شیشه را من خردن دی سلام  
 بود در ادب و جمعی سوزن ای ایام کلان  
 عالم شیشه را من خردن دی سلام  
 بود در ادب و جمعی سوزن ای ایام کلان



رتبة ده والى بس  
 وصفه زوار عدو الله  
 زاده صفدر شکر شکر  
 ان حق شکر هزار صفت  
 علی حسین و محمد و علی  
 بال جلیل و یزید و محمد  
 برادران شکر شکر  
 آیه کی کعبه

در دنی اذن گلک سینون آیه مایه  
نور اخدی قوس

[illegible]



بو قد ز رحمتی حلیم بود چو لاله سنون  
 گیرن زمانه فراته کجی کدم قالدیم  
 دو شور مر مشی عهد استین اگر تن امین  
 بو یامشتم نجی باخ کور بود خانه آقا  
 با خوب سرین سوید حسرتی یانه مایه آقا  
 بو غلو دشتند دایم کلون بغانه آقا

از آن بیرون نمی خروج ننماید  
سبب برین کار تحلیل جان  
اشاقه و دو شکمگی است که  
دو علامت است و اگر این دو علامت  
هم بخانه را برآید موجب بیماری  
و بفرموده می شود

با خبث عالمه عهد دهر قرار داد  
 گراو گنده نم اوسته سوار داد  
 دیزین ابرو دیره اول تو من فاشین  
 عا شوی  
 واقع  
 با خبث فاشه من فاشی و کاشی  
 دار دندی دو شکم سوار داد  
 رکابدن باغین جلکدی خنیا آبی  
 قبتاده میل جلکدی دوشه بی چوبی  
 نزل قلیقه قلکدی دوشه بی چوبی  
 رکابه فالخدی کنه دوشه بی چوبی  
 اوچوچی فاشه و فاشو فاشو

بویوردی سرد سلطان عالم ایجاد  
 دو لایم بودی زایم سوزم بهمانوزد  
 قباقدان استورم دوک من مضطر  
 دیر قوجاقیمه کل نور هر دو عین و غلوم  
 کر استرم که دوشم ساق طرفه آن سه  
 ز بسکه قلبی مایوب استش فراقیمه  
 دیر قوجاقیمه کل در دیون طبعی او غول  
 بواشته تالمش ایذ الحاح سرگردان  
 بو عهدی همیشه خالصکن روز است  
 دغل رو ایام آغوش جده ماده  
 دیوب سوز لری اول امام حل حرم  
 نسای عش حقیقه اول فرج است  
 یکی دیر اوسته انوب و بقبله اولیو لا  
 قضا دیدی تیوب ظرا اولدی قضا

ایرادی قانقو گزی کست خیمک به نظر  
گزی خیمک به نظر ای قولا ری دین خیمک  
قزری براد است کجندی خانه عظمی  
یار الوجانی امین دل امام تشنه بدان  
ایرادی کل ادبی قولا ری ای عی بر  
بافاری



داعندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی  
 نان ظلم سنان زخم جانان اولدی  
 دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

دیردی گل کو زیمی با غلامی باجم غریب  
 کلوب منی یو لاسان نیوا باجم غریب  
 هزار شکر که اولدم دفا یولنده فدا  
 گو تورشم الیمی جان ملک مالیدن  
 نه طوی طاقیه خسرت قالا ان قام  
 کیدیلر باشتی پر بر فرات اوسته  
 بوزارین بدیم دوزغانایدی خجرائین  
 اسیر اوس بکیده شاه خاتم باجم غریب  
 اوتور مشیدی دیزا دونه دسور دوج  
 یوجندی طاقت اکلشکه بوایدی سلب  
 کچردی ساخلان او خلاتر تماشای مگره  
 امینه سیر دیردی کانل کین  
 حواله ایلیدی کی گفتنون آراسیند  
 یاروب یان او کین چندی سینه دین  
 آچلیدی سینه ده قان چشمه سی اولوب جایی  
 چکن زاندا جدائی اد کبر بد کاره

محل از دنیا زده افغان چو بخت  
 سالوبدی با بختی ناز با بختی  
 سبیل دوزخ شمشیر کین  
 دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

افغانی کی کین با بختی ناز با بختی  
 بخت با بختی ناز با بختی  
 دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

الین اوزاندی اوقانیکه دستماز ایلد  
 بلندا لوردی اوزان خندان کیمپر  
 همین بو قانیدی اوقان شرق غرب عالمده  
 حین شنه لبون کر بلا مصیبتنه  
 ازل خدا صور اجبریل نوحه خوان اولد

جهاندا چون شکر اکلیدی کندی لی  
 کلام قسری مالان گهرقان اولد

چو صید غرقه بخت اول شنه بطحار  
 ترحم ایلوب اول کرده دن شیر  
 کیمی ادرار دم تیغ جانتانلین  
 ضعیف اولوب بچ قانشدی طاقت با  
 من پر غریب بکین لی یارم اولدور  
 دنیا ده یو خدی قانمی سیزدن لان ستم  
 جرمم بودور زمانده سیمپله وعلیم  
 جانم کرک وکل منه جاسدن صور  
 دور دین یار ابو قدر قشون پر نعره غریب

دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی  
 سبیل دوزخ شمشیر کین  
 دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی

دایندی غنچه بخت در جانی ناز با بختی  
 غنچه دل بزم با بختی ناز با بختی



دلم بوف اوشاق ادب سدا بر غم خود در  
دلم بوف اوشاق ادب سدا بر غم خود در  
دلم بوف اوشاق ادب سدا بر غم خود در  
دلم بوف اوشاق ادب سدا بر غم خود در

قلبی چون هواده سلا میون  
گوذرون شری تیز گلوب کسون  
مانی تر آن تلاوت ایگه  
گورن مان عوسین دستیله عبد الله  
صد بلند قیلوب چکدی ناله سولیدی آه

بویور یخ بلایه تقصیر این بایانه  
جواب یردی او طفل صغیره شاه بشید  
آدم سیرام کیگیم بونج پنا سیر اولورم  
بواهل کوفه ده عادت آراد لوبدی سوز  
آتام علی نیده اولدور دیر غار اوست  
ایسینه خنجر آکوب لدی قلنگا برده  
بود لکرا ایلده او طفل صغیر ایدردی خطاب  
ای شهر کر بلا عمو گلکیم  
مین غمه مبتلا عمو گلکیم

گوذروب منو ابا جون زمینب  
سنگا چون چون دعا عمو گلکیم

صد بلند ایلدی چکدی ناله سولیدی آه  
آتام شری بونج پنا سیر اولورم  
بواهل کوفه ده عادت آراد لوبدی سوز  
آتام علی نیده اولدور دیر غار اوست  
ایسینه خنجر آکوب لدی قلنگا برده  
بود لکرا ایلده او طفل صغیر ایدردی خطاب

منطقه فانتسکیردی در خنجر  
اوشاق ادب سدا بر غم خود در  
اوشاق ادب سدا بر غم خود در  
اوشاق ادب سدا بر غم خود در

اوشاقان ایلده علوم و ادب فغان گنجه  
عزیز قارداشی مین یاد کاری عبد الله  
گورنده عمه سنون فلرین اوشقزاده  
دیددی بوراخ منی داللی دوشیم جان  
فراق یارسا لوبدور بوخته جان شری  
غریب عموم بویور ور گلده دار بوجولده جل  
بوجانه خوشدور اولوم طغنه لرا ایشدکن  
بویور دخی میب ایا نورعین شاه زن  
آمان بوجل بدنی سا خلیوب قوجا قنده  
چونخ آغلادی بوجوالی ایشد جگین دیم  
مگر عزیز دوجایم منیم اولسردن  
اولار بوجولده یاتوب ایدکی قاقنده  
نه نوع تاب ایلیوم عمه جان من مضطر  
محالده در حاجی با خون زوم بودیتا  
دامایارام منی قوسی کر بلا ده آد ایلیوم  
یقین بو طایفه ویر بر سنگا امان گنجه  
تو کله قانونی ظلمت کوفیان گنجه  
اوروب بره یاغین بگلده منی فریاد  
بویانماق ایستیرم لاله تک قنانه  
تیکوبد و گوز یولیمه قاسم علی کبر  
آتام امام حسن سلنور گل اده علوم گل  
اسیر اولوب عرات ایجره شاه کیدکن  
رواد گل بو اوشاق قلعه ده غار اوست  
چتند دیم ازلده آملارون قاقنده  
دیددی بویوره امان عمه باغیم اولدی دیم  
حصوص قاسم این شاهزاده کبر کن  
بخه روداد دیا تو مین انا تو قاقنده  
گوزوم با خا با خایا لقوز عمومی لدره  
حسینی اولدور دهر من دوشم تاشا  
کیدوم هر اید و عوسین عمومی دیلیوم

عاشق و اقصا

عاشق و اقصا  
عاشق و اقصا  
عاشق و اقصا  
عاشق و اقصا

امام عظیم قاسم سنون قارداشی  
امام عظیم قاسم سنون قارداشی  
امام عظیم قاسم سنون قارداشی  
امام عظیم قاسم سنون قارداشی



میتمیم کیدوب جانمون طاقی  
کلون تو کیون قانو گوز یا شمی  
کیدوم یا نه در دو حالین سیلوم  
قویون باشم اوسته آنام آغلان  
آنام یوخ بودده آلا یا نه

بودگون تالشتم من عموم حسرتی  
 عمومی گوروم بیر کون باشی  
 قوجا قنده حسرتله من جان دیروم  
 اولنده گلوب گوز لریم با غلاسون  
 عمومی نینه منده دیروم جانمی

غرض قشون آراستندن کچوب و طفل و حید  
یتیمی با خدی نه گور دی دوست امام شهید

بدن یا رواجگر داخلو قاننه غلطن  
گورنده قاداشون اوقلنی بشون دین  
گوتور دی باغرنیه بآسد اوطفل معصومی  
که ای امام در انون نشانی خوش کلده  
اولان بودشته زوار کر بلا اوقلوم  
اگر شهید لری گور که حیا لون دار  
گلن بر قلمگه شکل ایثد و ساق کیدین  
چرخ اغلیوب دیتیم عرض قلیدی ایمو جان

اولو بدی گون قباغه کباب یک سه یان  
اچوب ایکی قولینی کر بلایرنده حسین  
بو یوردی ماریه نون و شکسته منطومی  
حسین فاطمه نون جسم دجا خوش گلدن  
زیارت اتیکه من منویانی خوش گلدن  
دو شوبت لاشه اکار وانی خوش گلدن  
خراب اولیدی گوروم کر بلانی خوش گلدن  
منادن بیج گور و نور می کر ساق گیده یان

شادی قیلد اما حاله شکر  
قهر بودن و غلظت زان  
قادر و دالین و ازاد  
افش حکم و خاشاک  
حسن و حسن و حسن  
قبح و قبح و قبح  
زبان و زبان و زبان  
زبان و زبان و زبان  
الهی

آلہدی قلیج یار اسی منم جانمی غمو  
قائدوم بوجولہ قانہ اوز قانمی غمو

تا با غلا سون بودیده گریانی عمو  
روز جزا ده فترتی مالانخی عمو

اوله علاج آنامه تیور حشرت اولیوم  
بیاندی بو عجزه قویما جهنده یا نفاقه

مجلس ششم حملہ آوردن مرہ شقیہ بنو زیدہ  
حضرت زہرا و تمام شدن امر شہادت سلطان کربلا

دیر و ب ند اگر بزمند عالمه مشرق  
شید لاله رخ کر بلا امام حسین  
آخار دی قان یار اسندن مال فوار  
ایدر دی خالق امین بو نوع راز و نیاز  
یولوندا انا سر بلا چکیم رضایم  
دو باره ایترم خجریار اسی  
نه قاسم نه بوغاز می اخلوا صفر  
نه زینب نه سینه وار گوزمیده

دلیل راه وفا جان نثار جاده عشق  
چون نور دیده ز سر آشفته صحرین  
قوری بر آوسته جگر داغ غلجی صید  
باشند ازوق شهادت اور که نور گداز  
خدا یا من عسری بی نوایم  
منه چون آزادی بو قومون جفا  
نه دوشمنز یادیمه عباس واکبر  
یا پشمن لخته لخته قان اور نمیده

اولیدنی کاش که زدم کبریا  
دو بار یک بار بقیه دل من بیا  
کوثر قادری لازم دگر من بیا  
دو بار یک بار بقیه دل من بیا  
اولیدنی کاش که زدم کبریا  
دو بار یک بار بقیه دل من بیا  
کوثر قادری لازم دگر من بیا  
دو بار یک بار بقیه دل من بیا











اولاد بی لال دلم غرض ایدم زایدی به عالم به خواه  
گوئی دوی تاج تو بختیاب سحر لالین  
دو توبه زار از ارکان آسمان بدین  
گوئی دوی دفعه به غم قدم ادیدم

بویوردی امی قسیم شمره باخا  
امیر المومنین شیری گورنده  
دیدم اندا و غول داعی چشده  
سکینه آغلادی قان خیمه لر  
دیدم عمه بابا مے اولده و لکر  
قارشدی بر بره کلثوم و ریب  
بو ظالم تیغ خون افشانی دوتدی  
اسیلن دیده گریه نغ دوتدی  
قغانی عالم بالائی دوتدی  
یا پوشدی ز ریب بالائی دوتدی  
حسین و امی عالم بالائی دوتدی  
باشل آچدی امن صحرائی دوتدی

غرض او بدکهر و قان دوتوب کی گوزنی  
امام عصره طرف قویدی خسلان اورتی

قالاند ایتکه سلطان دینه بدی قدم  
چو اول شقی جهان اولین قدم باسدا  
بجوم ایدوب کو تورن قتل کچی قدم  
دو شوب او چو محی قدمن جهان شوب قفان  
چارمین قدمینده دایاندی چرخ فلک  
بشچی دفعه قدم کندی چون اکر دغا  
قویان زمان قدم ششین حسینه طرف  
تمام اولمکه گوردی تدارکین عالم  
تزلزل ایلیون عرش کبریا لیدی  
بلند قیلدی حسین امی صداسی ایل حرم  
او جالدمی لکسی بیار آغلاد قفان  
بهشت عینده با بدی قرایه حور ملک  
ایوب باشین با چینی اولدی حضرت زهرا  
ادارادی باشنده اعلا رومی پادشاه

دو توبه زار از ارکان آسمان بدین  
گوئی دوی دفعه به غم قدم ادیدم  
دو توبه زار از ارکان آسمان بدین  
گوئی دوی دفعه به غم قدم ادیدم

بغیر از این که در این عالم  
دیده ام که از این عالم  
دیده ام که از این عالم  
دیده ام که از این عالم

قوی باشوی کوم منی لسون جهنمه  
بویوردی شمره دوباره غریز جان بول  
بو مانسه دینه روادور یا جفا کانه  
یا نار دلیم دو دایم ایشیر ایل من  
خوات اوستنه چک من غریک یار  
جواب یردی و مظلومه شیری ایل  
قویوب سولخ بو لگا مننه خبر  
بویوردی قاتلینه حضرت امام حسین  
سبب دور که او پرده همیشه معین  
دوباره قویدی الین شمره دو قفان  
الوردی خجری التند شاهین پیا  
شکلدی شمره دوشدی ایشیم یا محمد  
خجری ای بریم قوری تراق اوزم بوز  
ادحایلین باشی جلاد الینه بکس ازار  
بو قدر یاره دکن خسته جانم حرمه  
حاشا بهشت خالق اکبر کرک دگل  
بیر التماس ارمید و رونی گل ایلد قبول  
سو میرش کسر تو پراق اوسته قربا  
کسده باشم هر جرعه سونه دیرین  
گوردم اولنده او قوسوز دوشن عکدار  
کرک باشیوی کون ظلمکن کم عطش  
نقد رحبه ایلدی کسک اونی خجری  
یقین که کسبه جکد و رانی بو خجری  
چون انجیور بو غاریم باشی قفان کس  
شروع ایلدی فوج ایتکه قفان  
ایردی جکد گویا بود لکر ایلد خطاب  
گوزدن وان دی قانلو شیم حیا  
جلاد لیسند قالدی باشیم یا محمد  
بو اشش باش و انشور دی یردی یا خفا  
اکنه سیر تو کون ال قانیم حرمه

بغیر از این که در این عالم  
دیده ام که از این عالم  
دیده ام که از این عالم  
دیده ام که از این عالم

عاشق  
واقع

تایید دولی ارب بلا حسین  
بکندی یونی شینه اردن ارب  
قان اغلادی شه دوسر ارب حسین  
قالدی سیکه دشمن الینده دوسر  
باشنده ناله مازده ارب حسین  
کرب بلا غریبی اولده و دوسر

اولدی اسیر آل عباد حسین  
دو توبه زار از ارکان آسمان بدین  
گوئی دوی دفعه به غم قدم ادیدم  
دو توبه زار از ارکان آسمان بدین  
گوئی دوی دفعه به غم قدم ادیدم

اولاد بی لال دلم غرض ایدم زایدی به عالم به خواه  
گوئی دوی تاج تو بختیاب سحر لالین  
دو توبه زار از ارکان آسمان بدین  
گوئی دوی دفعه به غم قدم ادیدم

عاشق  
واقع

تایید دولی ارب بلا حسین  
بکندی یونی شینه اردن ارب  
قان اغلادی شه دوسر ارب حسین  
قالدی سیکه دشمن الینده دوسر  
باشنده ناله مازده ارب حسین  
کرب بلا غریبی اولده و دوسر

اولدی اسیر آل عباد حسین  
دو توبه زار از ارکان آسمان بدین  
گوئی دوی دفعه به غم قدم ادیدم  
دو توبه زار از ارکان آسمان بدین  
گوئی دوی دفعه به غم قدم ادیدم



درج وحدته در سنه رخا اولده و سن  
مخزن گنجینه بی انتها اولده و سن  
عالم لاهوت سیرنده بها اولده و سن  
سن بکر اکیم پر حسین کر بلا اولده و سن

بلکہ باطنیہ تمام انبیاء اولاد و مرسل

کینه دین کسب بد فلاح ساله دین  
ظلمت کفر و نفاق مهینیه حله دین

مکر عرش غنیمت مکر ما اولدورمن

نفس نحر شود بیدون شقا و فرخند  
لاله رنگ اولمش او قاندن شرقین و مغربین  
تو کیمن سرقان اشوب آفا که بانگ و  
فکر اید و ریخته مقتول ایوب بن حسین

لا فوا السمل كل نفس ما سوار اوله درن

بیر بیلکه بیدادی ناسی کفر و غداریدو  
طاهر چهارمده عیسی روزگارین خوارانیدو

مهر انور بن نور و لا اولد و رسن

صلح صلحاً تو گویان اوزار تو خنجر  
 زینت و اسلح تو حج تضرع اودید  
 الا امان حج زندن افسوس کفر  
 زعدو بدو ایدو بدو کفر  
 قتل شاه کشتی ایدو کجایی  
 حق

الفن داود دی نارنگون  
الدی اول نارنگی ایله ریثا  
دوستان فن یوشدن ایلمین بدیم  
قالب روح ایدوسن جن وازکی  
قیسمان دارالضامن فادالدین

روشنی خوار عین روح الامین در دایه

عاشق و افغان  
عاشق و افغان

لہی اس کی تہذیب و تمدن  
جس مخلوقات پر شعرتنوع

اولاد  
سالمیان علیہ السلام  
اجان منیدین خدا اولاد  
الکافی

جنیں بیاہ کر کے  
سن اغتدول ملت سہم چون کہ  
دین یون بادایدو بخیدن پور  
الموسان بدو

قتل شاه لوكشفه ايلويب سمي بلع | عاق اولوب بالرحيمه حليمه قزانه

منزل قرآنی اول ابتدا و اوله ورس	
---------------------------------	--

اولدور و بدو قلبوی اغوی شیطان حیم  
کور من حاشا بهشت جا و اذا یرسیم

رحمة للعالمين نور بدعي اوله درسن

محمود و خلیف سبجانون جلال حمدی  
قویسان بالمره اوصاف شای حمدی

فیقولادخا سراج العباد اولد دین

ایله دون افراشته سلطان کفرین بین  
یوم عاشورا کوب باشین امام مصلحتین  
غرق دریای ولا قیلدون لاس تفتین  
یوز میان اوج او ان الف لام مومن نصین

الف الف الوف أولها اوله ورس

اسدی چون بادستم اعلیٰ گزارینه  
مصر محنت پیسین جکد و ن بلا بازینه  
باعث اولدون کل آیات مبین انجازه  
با حمیوب اهل اناسل تقوا مکرارینه

ایست که مقصد ای تقیبا اولدورسن

چون حفا ایدون غمال مصطفای مومبو

[illegible]

صطفی اولدورن

مجلسی عربی و علمی  
از دیون داران و غلبه و زکار

گر دشمن در آن خوار است  
نیز از تندی زبانی پاکوین خوار

عاشوراء

وَأَمَّا

سید بن ابی طالب  
سید بن ابی طالب  
سید بن ابی طالب

ی روز خزان

سلطان بجان الدنی ساری بودین  
اشفا اولدودین



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

دین اسلام و دین فہم و ایمان  
دین ایقان و دین حق و حقیقت

ایمده دن با وی چار و دان

بفرض انصاف و عدل

عالمی بربادیدو

۱۱۹۱

عاشوراء  
واقعه  
نهمین

سفر

الحمد لله الذي جعل في كل شيء  
دلالة على قدرته وجلاله

بسم الله الرحمن الرحيم

صَادِقُ الْكَلَامِ ابْنُ  
عَلِيٍّ

طعن آبرو

سیدین قلندر و فرخ  
ال حیدرون کو کونین و بوساری  
فیض و کرم

حق آل احمد گور درون و بیرون  
نقد و بر مضمون خالق نور و حکم  
سرد و بستان شایسته اجاب و نور و حکم  
سخت و پخت و ناز و غریبی و اولاد و حکم

وہی کہ جو منقبت میں ادب و احسان

مظالم الملوك

حق مودع  
نخل بدین در دانه خیر است  
سرودن غزل

۱۱۱

عاشوراء

تجدد واقعہ

میں نے اس عالم کا نام لیا

سازمان امور مالیاتی

بسم الله الرحمن الرحيم

صاحب المصنف

و له

کتابخانه خاندان خاندان  
کتابخانه خاندان

وہی کہ جو منقبت میں ادب و احسان

حق منظوم الملوك  
نظمه ابن بردانه خير ليس آ اوله  
سردن نزل

عاشوراء

قیدون ای عالم عالم سگانی بودا  
واقعہ

سائیم یوم اقیامت قلبان سندن گزین

ولہ







دینا یونده گورده کورده سادات شاد کورده  
قیناش کورده کورده مصطفی  
حاضر دورده دینا یونده کورده

پیرم باعث اولدی ای حسین خطینه  
اوغلی چون یکس اقرما اولدورسن  
هر اکی دنیا ده عار اولسون کجای شکار  
ال سفیانی غریز اتیدن لی اللهی حیا  
شاهین باشین قیلوتنه کن جلا اولدورسن  
ایتدورن جوجا کینده بریزر پاک  
روز محشر ده سنوچون در عذاب و کین  
فلک توحید قیلوتنه قالدما اولدورسن  
اولدی ظلمون کل مخلوقات ایچون قضا  
ای بد اختر سلیم عذر دین و دیوم الحجاز  
ختم قرآن مصدر حمد و ثناء اولدورسن

زبانحال جناب امام حسین باعلیا مکر مبه جناب عین پیرنه  
وا حسرتا حاطه قیلو بدور بلا منی  
هر کر آچلیور دو تولوت بک و لان کل  
چرخ المیو بدی در دو عهه قبلانی  
ال دن سالو بدی محنت جوج جنانی

زبانحال جناب امام حسین باعلیا مکر مبه جناب عین پیرنه  
وا حسرتا حاطه قیلو بدور بلا منی  
هر کر آچلیور دو تولوت بک و لان کل  
چرخ المیو بدی در دو عهه قبلانی  
ال دن سالو بدی محنت جوج جنانی

پیرم باعث اولدی ای حسین خطینه  
اوغلی چون یکس اقرما اولدورسن  
هر اکی دنیا ده عار اولسون کجای شکار  
ال سفیانی غریز اتیدن لی اللهی حیا  
شاهین باشین قیلوتنه کن جلا اولدورسن  
ایتدورن جوجا کینده بریزر پاک  
روز محشر ده سنوچون در عذاب و کین  
فلک توحید قیلوتنه قالدما اولدورسن  
اولدی ظلمون کل مخلوقات ایچون قضا  
ای بد اختر سلیم عذر دین و دیوم الحجاز  
ختم قرآن مصدر حمد و ثناء اولدورسن

شوق دیدن کجی عاقبت  
خیر اوتون و لاغیر اده سی  
دنیایی و دلدور در عهه  
اولدور و قیلوتنه کجی  
جان پیران ماندا ایشیک

وا حسرتا که قویدی فلک بنوا منی  
دنیا یونده اولما دیر بخشی گون نصیب  
هر دم با سار دباغریه سا حلا در جوج  
گون چنادی چکنده نام شانه نعمه  
قوتما زدی پر جبه خطه کوزیدن کنار اولام  
اولدی آنام بویاندی قزل تاننه آنام  
یوخ طاقیمه آپارما دخی کر بلا آدین  
جوخ اعلا ما اولسنر میون یادگار سی  
بیردو حین دیه بریدای انبیا دیر

زبانحال جناب سید الشهدا در میدان کر بلا باریت

وا حسرتا که قویدی فلک بنوا منی  
دنیا یونده اولما دیر بخشی گون نصیب  
هر دم با سار دباغریه سا حلا در جوج  
گون چنادی چکنده نام شانه نعمه  
قوتما زدی پر جبه خطه کوزیدن کنار اولام  
اولدی آنام بویاندی قزل تاننه آنام  
یوخ طاقیمه آپارما دخی کر بلا آدین  
جوخ اعلا ما اولسنر میون یادگار سی  
بیردو حین دیه بریدای انبیا دیر

وا حسرتا که قویدی فلک بنوا منی  
دنیا یونده اولما دیر بخشی گون نصیب  
هر دم با سار دباغریه سا حلا در جوج  
گون چنادی چکنده نام شانه نعمه  
قوتما زدی پر جبه خطه کوزیدن کنار اولام  
اولدی آنام بویاندی قزل تاننه آنام  
یوخ طاقیمه آپارما دخی کر بلا آدین  
جوخ اعلا ما اولسنر میون یادگار سی  
بیردو حین دیه بریدای انبیا دیر

زبانحال جناب امام حسین باعلیا مکر مبه جناب عین پیرنه  
وا حسرتا حاطه قیلو بدور بلا منی  
هر کر آچلیور دو تولوت بک و لان کل  
چرخ المیو بدی در دو عهه قبلانی  
ال دن سالو بدی محنت جوج جنانی



۵۲  
مقام عزاده گوردن کبیر غلای  
شاه رسل ایمن رخ  
دو بند بی جیب و یام غلای  
ماه نجم اولدی گنه کوکلر غلای  
منطقه  
موتی کین خان ایروم کین دیوب

زبان حال سلطان مشرقین ابی عبد الله الحسین علیه السلام

و احسرتا داغمتدی بود و راجب ایامی  
 غربت لایتند قلیوب حواری روزگار  
 و در آلدی جانمی اورگیم و دلدی تانین  
 بیر قرح نظر اسیر الوت دهن غریپ  
 سیمرغ قاف عزت ایدیم منده دوزلا  
 مشکل ادد و در که دد غریا جگر بوگونورا  
 قیلدی زیاده محنت درد و علایمی  
 سالدی عجب قراکول اهل عیالیمی  
 بو خد در بیلن غریب لایتند حالیمی  
 بیلیم ایدیم کیمیلد جواب دسوالیمی  
 تیر خجاء محنت امین پرو بالیمی  
 جدیم شبیهی اکبر یوسف جالیمی

زبان حال جناب شہر بانو در وقت سوار شدن

دو نذر دی تیز خزان فلک کلیم برای  
عمانه دو نذر حی شمس ترم قانین برای  
قوسینه قالدی حیدر تیکه الیم برای  
الوند قاننه باشا ابیحیم برای  
پتراقه دوشده میتش یکی خرم برای  
صحر اولوبد مسکن نذر تقدیم برای

३५३

شماره طرف اول و زده روان کاروان غم  
بر آغلادی کوک آغلادی کشور آغلادی

مترى بوقصه الم افزانى قیل عام  
الد قلم شيراردو توفی قرآ غلامی

من عزت علیہ کلمه خوار کید منیم  
محشر اولو نجه ننگ ایدرم کاروا  
چتر علم اچوب باشم اوسته جلالین  
کرب بلا چو پسند قویوت قوی  
گردوشم قبا قیمة شهزاده انجیریم  
قاسم اگر کجا ویه مندر منی  
نولدی خانم لقیم بانی زرین کجا و  
تور اقلار اوسته کون قاقده قویوت  
والله جزا شده ویرانه کوفده  
آخر عجب خا غلظه چاتدی با جونین  
عریان قویوت منی قوری بر کوفه  
شایر جزا پسند بانی والد لائقه

ادامد بس یار الونی عظمیٰ پیر مومن  
آدل گوردم یار الوباشی بر همه دنجوم

نایب المیزان سیدزاده شافعی  
رحم یون

بیستم نوادر

۳۵۳

نام زید و علی و محمد و شرف در  
سهم و بود که هر یک از اینها  
در میان قوم است که هر یک  
در میان قوم است که هر یک  
چهارم که در میان قوم است  
فیض

فیض

غلامان و پادشاهان

جان فانی  
بیراقلار او شت قاعده  
من اولمشان کو نیکو خیر  
شش سوزان پادشاه  
بازو واراق چون شش سوزان  
باری قویون قوتاروم گورم  
غاشی  
واقعہ

احوال بدیهه غایت اولوالمیون حیا  
 بالواراد استیمیزدیگان ایلمیون  
 من ایلمیون جهمیون

بدره ای پاریون



دعای کبیر در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه

بایم سوز کسکه و اللهی صنیم  
 عالمه بخت قاره باجم زار زینبی  
 ایتمز قتل حیدر کر آریغری  
 بال پرینی سندر و بان عابدینون

سالمه کورون بوزمان ایست برارمی  
 قیل اندوه غم و درده گرفتارمی

ایوب چرخ و فلک دیده سی خورمی  
 مار هراذایان سینه سوزانده باخ  
 محنت در دلمه من اوزول جانده باخ  
 خسته و خون جگر و بکس و بیاری

آل سنق گو کللی ای پادشاه ملک حجاز  
 نه انام دار نه باجم دار ایلم اذکارا  
 یاغیرور قلبی اللهی بوزلیه گداز  
 اولدور اهرزی بو محنت و آزارمی

مرضیم شد اینه کیم ایدر دیا  
 اکیم قیلار ناله اچو طبع شک افغانه  
 اگر اوسم من زار کیم اودوردا  
 ایرکیم یو خدی اخی اتمه کلن جانی

دعای کبیر در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه

دعای کبیر در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه

دعای کبیر در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه

دعای کبیر در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه

در دیمه یو خدی دوا عالم آرا خوارم  
 بر پر و بالی سنان قمری گلزارم  
 کور میون محنت بهر این سزا دارمی  
 امی اولان کوز باشی هر شمه طوفان

بانهی قان قدیمی کمان دیده سی کمان  
 اولمیان عالم آرا در دیر مان  
 یاتما بیر لطفه اویان امی کل گلزار وفا  
 مار دادر اولر لب تشنه مذبح قفا

من اولدن صوره فانیله آچمه باغ  
 توکمه چنار و فریاده کلون باغ  
 جان ویردر ایدی حلال بی حس قاردا  
 بیرجه ساعت قالا جاقدر نکاحا مکان

اغل میته دیکلن جمله سی دوتون یاس  
 ایدرم حضرت جانیده جان سودا  
 چاقورون پرجه اوزون قلمی رشید عبا  
 سالون عالمده هر آینه طوفان

بیرجه کیر قوتو قیمة اول من بیار پنا  
 ایدر یوز حسرتیلن بوجل خساره نگاه

دعای کبیر در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه

دعای کبیر در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه

دعای کبیر در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه

دعای کبیر در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه  
 دینار دین ایوب در روز دوشنبه







انامون  
خواهون قولاراجانم

22

[illegible]

ایمان

جانی الدی  
بود از حکاری و اخراجی

2

جان بریندیا موتی



استاد کمالی

